

سرنوشت رکوردداران تحقیق و تفحص در تاریخ مجلس

«فرهیختگان» بررسی می کند

صفحه ۱۶

سخنرانی هوشمندانه سیدحسن نصرالله ضمن تقویت موضع حماس با تهدید صریح آمریکا و اسرائیل سطح بازدارندگی مقاومت را به بالاترین حد رساند

قدرت‌نمایی عقلا نیت انقلابی

روایت خبرنگار «فرهیختگان» از ضاحیه بیروت محل سخنرانی دبیرکل حزب الله لبنان



بژئی کردستان

درباره استقبال خوب مردمی از رئیس جمهور در سنندج و افتتاح طرح‌های عمرانی راهبردی

۱۷

درباره سفر هیات رسانه‌ای جمهوری اسلامی به لبنان میدان دیپلماسی رسانه‌ای

تشکل‌های سیاسی - مردمی فلسطینی و لبنانی حامی مقاومت، برنامه‌های روز دوم بود. گروه رسانه‌ای جمهوری اسلامی، آخرین روز سفر خود را با دیدار وزیر فرهنگ لبنان آغاز کرد. سپس به شبکه‌های میدانی رفت و ضمن بازدید از استودیو و تحریریه این تلویزیون، با غسان بن جدو، رئیس هیات مدیره و خبرنگاران و مدیران رسانه‌ای سرشناس جهان عرب دیدار و گفت‌وگو کرد. گفت‌وگو با اسامه حمدان از مسئولان ارشد جنبش حماس و حضور در سفارتخانه جمهوری اسلامی و گفت‌وگو با سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان، آخرین برنامه گروه ایرانی در این سفر سه روزه بود.

میدان یا دیپلماسی؟

جنگ هفت دهه‌ای با دشمن صهیونیستی به ویژه در ۴۰ سال اخیر که جمهوری اسلامی شاخص‌ترین پایگاه مبارزه با این غده سرطانی است، بیش از آنکه در میدان نبرد کارساز باشد، در رسانه دنبال می‌شود. مظلوم‌نمایی غاصبان بافسانه هولوکاست تا انتخاب سیاست‌های دوگانه حقوق بشری، تنها زمانی به کرسی حداقلی در ذهن هان‌نشته‌ها رسیده و حتی کمپانی‌های سینمایی پشتوانه آن شده‌اند. در این شرایط، لبنان در نزدیکی معرکه و سرشناس در حوزه رسانه و ایران به عنوان قدرت اول سیاسی نظامی خاورمیانه محل تجمع فکرها و مبارزه سیاسی، فرهنگی، هنری و رسانه‌ای با پدیده شوم اشغال و اشغالگری و نژادپرستی است. حال در شرایط جنگ جدید و غوغای طوفان الاقصی، نگاه‌ها ابتدا به میدان مبارزه و اراضی اشغالی به ویژه غزه است و همزمان به جهان و بیرونی که رسانه برای افکار عمومی می‌سازد.

هیات رسانه‌ای جمهوری اسلامی در این شرایط به لبنان رفت تا گامی در جهت تحقق این دیپلماسی بردارد. در این میان چند مساله مهم است.

۱ ترکیب اعضا از تمامی گونه‌های رسانه‌ای، سلیاق سیاسی، تهرانی و کشوری و سطوح کاری در مسئولیت تحریریه‌ها بود تا نمادی از جامعه رسانه‌ای کشور باشد.

۲ پرسش و پاسخ با مسئولان میدان و گروه‌های مردمی فلسطینی و لبنانی باعث شد تا نمایندگان رسانه‌های ایرانی بی‌واسطه از تحولات باخبر شوند.

۳ بازدید از جنوب لبنان و مناطقی که در گذشته جنگی بوده و اکنون نیز تهدید می‌شود همراه با همکاری فرماندهان کف میدان، شمای کلی از زیرکی‌ها را به هیات ایرانی منتقل کرد.

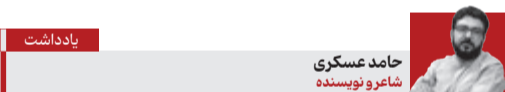
۴ دست آخر هم همین حضور نمادین که قطعا خبر و رویکردش به دست و دشمن این مبارزه منتقل شده، نشان داد که دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی همچون میدان جنگ، همسو و همراستا با جبهه مقاومت در برابر دشمن بشریت است.

۴ دستورکار مهم نشست بیست و پنجم شورای دانشگاه

قائم‌مقام رئیس دانشگاه آزاد به «فرهیختگان» خبر داد

۱۷

ملاقات بر سطح لغزنده کلمات



حامد عسکری شاعر و نویسنده

همدیگر را دیده‌ایم. بسیار و بارها. من توی اتوبوس و مترو بارها جا هم داده‌ام و تو تشکر کرده‌ای. بارها وقتی انداخته‌ای توی خط ویژه و گازکش پشت آمبولانس سبزه‌سیر می‌آمدی هم تو را دیده‌ام و لبخند زده‌ام. من توی آمبولانس بوده‌ام و داشتم کارم را می‌کردم و تو حواست نبود. بارها دیده‌ای که از دست بیزینی که از تره‌بار برمی‌گردد چرخ دستی خریدش را گرفته‌ام و تو زل زده‌ای به من که چه حوصله‌ای دارد...

بارها به دختر بچه گل فروش سر چهارراه زل زده‌ام و وقت دیدن از عرض اتوبان دمبایی اش را به نفسی از پایش بیرون انداخته‌ام که پلکی مکت کند و در همین مکت، راننده کامیون خواب‌آلودی که نخاله‌های بالاشهر را پایین شهر می‌برد از کنار دخترک بگذرد و مواجهه‌ای نداشته باشند. تنه‌ایم و کسی دوستم ندارد، همه از نام فراری‌اند. دقت کرده‌ای وسط میهمانی‌ها و خنده‌ها و گعده‌ها یک وقتی ستون فقرات تیر می‌کشند؟ انگار نسیمی از کالبدت رد شده، سر میایی رخت‌تاک به جانت ریخته و بعد سکوت شده. آن نسیم من بودم که آرام مثل بخار جای، مثل عطر گل، مثل گنجشکی در اتوبانی شلوغ آمده‌ام و رفتم‌ام و حسرت خورده‌ام که چرا سرعت عقربه‌ها را نمی‌بینند. من تعداد پیراهن هایت را می‌دانم. تعداد قدم‌ها و نفس هایت را هم. من می‌دانم در کدام پیراهن قرار است همسفر من شوی، راستش ناراحت نشوی ولی وقتی به آرزوهایت فکر می‌کنی و برای ایام سپیدمویی‌ات برنامه بریزی می‌کنی و من می‌دانم هیچ وقت به آن هدف نخواهی رسیدی نرم می‌خندم و می‌گذرم. تو مرا نمی‌دانی آن روز. آنجا آخر کورچه، من زل زده بودم به تو روی لاشه سنگی شستری رنگ و آفتاب داشت غروب می‌کرد.

مادرت صدایت کرد، خیس عرق و غبارآلود گفتی: چشم! و توپت را زدی زیر بغل و با ساق‌هایی دردناک به خانه رفتی و هیچ وقت نفهمیدی این آخرین باری بود که ۱۰ سالگی‌ات توی کوچه فوتبال بازی می‌کنند.

من نبودم آخرین باری که برای عروسکت قصه گفتی و آخرین باری که دندان شیری‌ات افتاد. آخرین لباسی که از کودکی‌ات ته گنجینه مانده بود و مادرت قیدش را زد و داد به یکی که همقواره آن سال‌های تو بود تا سیاه زمستان را بگذراند...

اولین باری که انجامش دادم به دست‌هایم زل زدم و به آن وجود بیخ و سرد خیره شدم... به آن جوان که رعنا بود و بلوغاتی و هنوز همه میش‌هایش نرزییده بودند و هنوز امیدوار بود که بهار آینده گله‌اش دو برابر خواهد شد.

چند سالم است؟ نمی‌دانم... تا کی زنده‌ام نمی‌دانم... توی این همه شلوغی و ازدحام و رفت و آمد کی وقت می‌کنم بنویسم را هم نمی‌دانم... ولی حال‌که اجازه گرفته‌ام و قرار است بنویسم، خوشحال می‌شوم این اوراق را شما هم نگاهی بیندازید.

راستش از شما چه پنهان بین خودمان باشد، یک جوهرایی اگر باشید و به کسی نگوید می‌خواهم بهتان تقلب هم برسانم! شما از من می‌ترسید ولی حواس‌تان نیست این خودتانید که تعیین می‌کنید چگونه سفر کردن را. آدمی که تمام دارایی‌اش را توتی قشنگ‌ترین جزیره دنیا خرج عشق و حالش کند، مجبور است برای برگشتن تا خانه‌اش شنا کند. اینجا این گوشه خاطراتم را می‌نویسم، بد نیست پیش از خودم کلمات را ملاقات کنید. ببینید کی گفتم... امضا: فرشته مرگ.

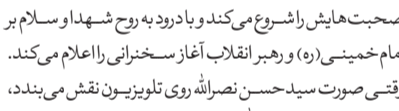
سیدمحمد هاشمی، قائم‌مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

بنای لجاجت با هنرمندان را نداریم

۱۷، ۱۸



حاشیه‌نگاری از تماشای سخنرانی سید با اهالی ضاحیه جاء نصرالله و الفتح



زهره غریبی خبرنگار فرهیختگان در بیروت

«لیبک یا نصرالله» شان در خیابان پیچیده بود و پرچم‌ها را تا کان می‌دادند. تا میدان هنوز فاصله است و از آن طرف هم تا مراسم دوساعتی باقی مانده ولی انگار لبنانی‌ها خیلی منتظر این روز بودند، برای همین خیلی زود تر به باجه عاشورا رسیدند. باجه عاشورا در ضاحیه است، البته در نبطیه هم جمع می‌شوند اما اینجا انگار محل همیشه تجمع هیات‌شان در سخنرانی‌هاست.

سوار بر موتور شعار می‌دادند و پرچم‌ها را بالا گرفته بودند. پرچم فلسطین، پرچم حزب‌الله، لیبک یا حسین و عکس حاج قاسم بسیار دیده می‌شود. با محمد علی جعفری، نویسنده که از شروع جنگ در بیروت است قرار گذاشتیم که با هم بیاییم، اسامی مان هم برای دریافت کارت خبرنگاری صادر شده بود و می‌توانستیم در مدرسه‌ای که مسئولان بلند پایه سخنرانی را می‌بینند، حضور داشته باشیم. اما مگر چقدر فرصت این را داشتیم که کنار مردم این سخنرانی را ببینیم؟ برای همین انتخاب کردیم و به سمت میدان رفتم. هر چه به میدان نزدیک‌تر می‌شدیم، جمعیت بیشتر و بیشتر می‌شد. از یک جایی از محمد علی جعفری جدا شدم. کنار پیاده‌رو و پرچم و المان‌های مختلف شان بود تا دست‌شان بگیرند. حضور بچه‌ها برایم جالب توجه بود. با لباس رزمی پوشیده بودند یا اینکه سرپنداشتند. روز چهارشنبه که نبطیه بودیم و چند خانواده شهید اخیر را دیدیم، بچه‌هایشان لباس رزم پوشیده بودند و می‌گفتند در اینجا لباس رزم از پدر به پسر می‌رسد.

نزدیک محلی مردمی خاتم‌ها نشسته بودند و تقریباً جای خالی پیدا نمی‌شد، بعد از گشتن بسیار جایی را رویه بود و سن برنامه پیدا کردم و نشستیم. تا صدای آهنگ بلند می‌شد همه روی صندلی‌ها می‌ایستادند و با شور و با همه وجودشان می‌خواندند. انگار این آخرین شعاری است که باید بخوانند.

روی صندلی ایستادم تا بهتر ببینم و ضبط کنم. صندلی کنارم چند دختر جوان بودند که روی صندلی‌ها می‌پریدند و سرودها را می‌خواندند. اشاره می‌کردند که بخوانم و خنده‌ای کردم و سرود تمام شد و نشستیم. یکی از صندلی‌های عقب به شانه‌ام زد و گفت: «ایرانی؟» تایید کردم و بعد از آن تایید سریع کرد و گفت من هم ایرانی اما فارسی خیلی بلد نیستم. کناری‌ها هم وقتی متوجه شدند ایرانی هستم چنان ذوقی کردند که برای خودم جالب بود، با هر کلمه‌ای که به فارسی بلد بودند ابراز علاقه می‌کردند. ترجمه به جمله بالای سن جلب شد که بیانی از رهبر انقلاب بر آن نقش بسته و نوشته بود: «العالم المقبل هو عالم فلسطین».

همیشه این سخنرانی‌ها مهم است، آن هم در شرایط حساس مثل این روزها که سایه جنگ در همه منطقه لانه کرده است. حس گمان‌های ایرانی اینکه چه چیزهایی بیان می‌شود، بسیار است. مجری چیزی می‌گوید و همه دوباره روی صندلی‌ها می‌روند و سرود ملی شان را می‌خوانند و مجری با گفتن قاسم الجبارین ادامه در صفحه ۲

روزنامه خبری تحلیلی دانشکده صبح ایران صدای سخنرانان نگاه جوانان

۱۶ صفحه ۵۰۰۰ تومان

فصل جدید از پویشمون: روایت سال‌های جنگ

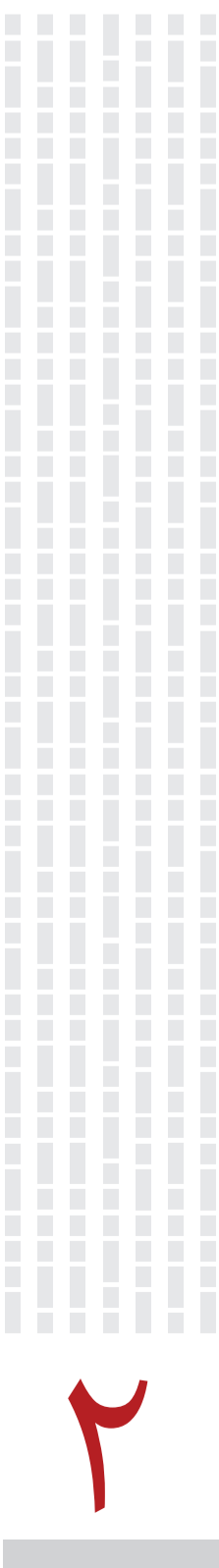
شماره: ۳۹۹۸
شماره: ۱۳ آذر ۱۴۰۲
۱۴۰۰ روایت ۱۳۹۵
۲۰۲۲
شماره: ۳۹۹۸

www.fdn.ir | Sat | 4 Nov 2023 | vol.15 | No. 3998 | 16 Pages

۸۹۱

روز فود

| |
|---|
| <div><div>📅</div><div>شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲</div></div> |
| <div><div>📺</div><div>شماره ۳۹۹۸</div></div> |
| <div><div>🌐</div><div>www.fdn.ir</div></div> |
| <div><div>🔄</div><div>FARHIKHTEGANDAILY</div></div> |



بژئی کردستان

سال گذ‌شته زمانی که اپوزیسیون، پیرمرد تعارف‌کننده شکلات به رئیسی را در بازار سنندج تهدید به مرگ کردند گمان نمی‌بردند این تهدیدها نه‌تنها اثری نداشته باشد، حتی به ضد خود تبدیل شود. اکنون یک سال از آن زمان می‌گذرد و رئیس‌جمهور ایران که در هشتمین سفر استانی خود در دور دوم سفرهای استانی راهی سنندج شده بود با استقبال پرشور مردم مواجه شد و گروه زیادی از مردم برای استقبال از رئیس‌جمهور با خود شکلات به همراه آوردند تا شکست پروژه اپوزیسیون را فریاد بزنند. رئیس‌جمهور در هشتمین مقصد از دور دوم سفرهای استانی و به‌منظور دیدار با مردم، بررسی مصوبات سفر اول و افتتاح ۱۶ کلان‌پروژه در سفری دو روزه به استان کردستان سفر کرد. سیدابراهیم رئیسی صبح روز پنجشنبه با استقبال امام جمعه و نماینده ولی‌فقیه در استان و استاندار از طریق فرودگاه بین‌المللی سنندج وارد استان کردستان شد. رئیس‌جمهور در این سفر علاوه‌بر پیگیری مصوبات دور اول سفر به استان و دیدارهای مردمی، چندین طرح بزرگ استانی از جمله کلان‌پروژه خط‌آهن سنندج - همدان، فرودگاه سقر و طرح‌های آبرسانی استان را افتتاح کرد. در حوزه آبرسانی مجموعاً بیش از ۱۲ هزار میلیارد تومان پروژه در این سفر به بهره‌برداری رسید. علاوه بر پیگیری همه تعهدات منعقدشده دور اول سفر، بیش از ۱۳ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان طرح و پروژه جدید در استان کردستان در قالب ۱۲۲ مصوبه تصویب شده است. در ادامه برخی از مهم‌ترین اقدامات این سفر را مرور خواهیم کرد.

-
-
-

کردستان آباد

سال گذشته بود که برخی با شعار آزادی کمر به نابودی شهرهای ایران ازجمله شهرهای غرب بسته و برای این هدف نیز خیابان‌کشی و آنسوب را تجویز می‌کردند. حال یک سال از آن زمان می‌گذرد و رئیس‌جمهور در هشتمین سفر استانی در دور دوم این سفرها راهی کردستان شده تا پیام آبادی را به کردستان ببرد. پیامی که با صدای رسا شکست پروژه ویرانی طلبان را فریاد می‌زند. رئیس‌جمهور در این سفر همچنین به صف نماز وحدت تشکیل شده در مسجد جامع سنندج نیز پیوست. نمازی که نشانه‌ای بود از بر باد رفتن رویای تفرقه قومی و مذهبی در کردستان که اپوزیسیون تجزیه‌طلب آن را در ذهن خود پرورانده بود.

گام‌های نهایی برای تکمیل کریدور شرق به غرب

پروژه راه‌آهن همدان سنندج که عملیات اجرایی آن حدود ۱۸ سال پیش آغاز شد و تا قبل از دولت سیزدهم ۶۷ درصد پیشرفت فیزیکی داشت، در طول دو سالی که از آغاز به کار دولت سیزدهم می‌گذرد به مرحله نهایی

رسید و در سفر هیات دولت به استان کردستان با حضور رئیس‌جمهور افتتاح شد. تکمیل این خط آهن و آغاز پروژه راه‌آهن سنندج - باشماق باعث می‌شود یکی از مسیرهای کریدوری شرق به غرب که چین را از طریق ایران و عراق به مدیترانه وصل می‌کند تا حد زیادی تکمیل شده و کشورهای منتفع را برای سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر در این مسیر ترغیب کند. تکمیل این کریدور باعث می‌شود مسیرهای جایگزین و پرهزینه‌ای همچون راه‌آهن بصره کمتر جذابیت پیدا کنند. مسیر ریلی همدان - سنندج - باشماق همچنین می‌تواند یکی از مسیرهای جذاب مسافری بین ایران و عراق تلقی شود. طول مسیر ریلی همدان - سنندج ۱۵۱کیلومتر است و با احتساب خطوط ایستگاهی به ۱۷۷ کیلومتر می‌رسد. حداکثر سرعت طراحی مسیر برای قطارهای مسافری ۱۶۰کیلومتر بر ساعت و قطارهای باری ۱۲۰کیلومتر بر ساعت است که انتظار می‌رود سرعت عملیاتی قطار مسافری در شروع بهره‌برداری حدود ۱۲۰کیلومتر بر ساعت باشد و پیش‌بینی می‌شود با تثبیت شرایط هندسی خط ظرف دو ماه آتی، سرعت عملیاتی ۱۶۰کیلومتر در ساعت در این مسیر قابل دستیابی باشد. براساس مطالعات انجام شده در زمان تصویب طرح ترافیک پیش‌بینی شده برای ۶۰۰ هزار نفر و یک میلیون تن بار در سال است که با توجه به توسعه صنایع منطقه‌ای در سنوات اخیر و افزایش جمعیت، این ارقام در بخش باری افزایش قابل ملاحظه‌ای خواهد یافت. در فاز دوم بهره‌برداری و تکمیل خطوط ایستگاهی و اتصال خطوط پیش‌بینی شده به مراکز بار در استان کردستان ظرفیت این محور به هشت تا ۹ میلیون تن بار در سال ارتقا خواهد یافت. قرار است این خط آهن تا مرز باشماق میروان امتداد پیدا کند.

فرودگاه سقر

سقر یا بیش از ۲۲۶ هزار نفر دومین شهرستان پرجمعیت استان کردستان است که در ۱۹۰کیلومتری شمال سنندج مرکز استان قرار دارد. فرودگاه سقر که تا پیش از دولت سیزدهم ۶۳ درصد پیشرفت فیزیکی داشت، روز جمعه در سفر هیات‌دولت به کردستان فرودگاه سقر به‌عنوان یک مگاپروژه مهم و مطالبات بیش از دو ده مردم کردستان با حضور رئیس‌جمهور به بهره‌برداری رسید. نزدیک به ۲۷ سال از آغاز مطالعات پروژه احداث فرودگاه شهدای سقر می‌گذرد؛ به طوری‌که مطالعات ساخت این فرودگاه از سال ۱۳۷۵ آغاز شد و تا سال ۱۳۸۲ ادامه داشت و از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۳ حدود ۷۰ میلیارد ریال برای آن هزینه شد، اما درنهایت کار به جایی رسید که پیمانکار و مشاور پروژه کنار رفتند و اجرایی این پروژه متوقف شد. پس از چند سال وقفه، از سال ۱۳۹۶ پروژه احداث فرودگاه شهدای سقر با انعقاد تفاهنامه‌ای به شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران واگذار شد و این پروژه تا پایان دولت دوازدهم به ۶۳ درصد پیشرفت فیزیکی رسید. این فرودگاه توسط مهندسان ایرانی در ۱۸۰ هکتار گستره و دوهزار و ۵۰۰ مترمربع مساحت پایانه به اتمام رسیده

بهرام امیراحمدیان، کارشناس اوراسیا در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

کریدور جایگاه کشور را در منطقه ارتقا می‌دهد به این شرط که بدیل نداشته باشد

راه‌آهن همدان به سنندج چه تأثیری بر تکمیل یکی از مسیرهای کریدوری محور شرق به غرب دارد؟

راه‌آهن تازه به سنندج رسیده است. وقتی که می‌گوییم کریدور شرق به غرب، منظوریان جاده و ریلی است که مثلاً از سرخس وارد می‌شود و مستقیم به سرور در آذربایجان غربی رفته و بعد وارد ترکیه شود. این مسیر اکنون فعال است و کار هم می‌کند. اینکه ما بگوییم به خاطر اینکه راه‌آهن همدان به سنندج وصل شده و کریدوری ایجاد شده و کریدوری ایجاد خواهد کرد، فعلاً منتفی است؛ چراکه تاریخ ایجادسازی و کریدور وصل‌شود، سال‌ها طول خواهد کشید.

مهم‌ترین مسریهای کریدوری محور شرق به غرب ایران چه مسیری است؟
یک کریدور شرق به غرب داریم که از پاکستان و از مرز میرجاوه وارد ایران می‌شود. یعنی از طریق راه‌آهن زاهدان - کرمان متصل می‌شود به راه‌آهن سراسری ایران. یک کریدور دیگر، کریدور شرقی - غربی اسلام‌آباد، تهران و استانبول است. این کریدور هم اکنون موجود است. وقتی از کریدور صحبت می‌کنیم، به این معناست که کشور آلف به کشور ج دارد برود و از کشور ب رد می‌شود. به این طریق کشور سوم که دو کشور دیگر را به هم متصل میکند یک کشور کریدوری خواهد بود. اگر از این ظرفیت استفاده شود و حق ترازیت بگیرند، درآمد برای کشور کسب می‌شود ولی هیچ محاسبات اقتصادسنجی صورت نگرفته که این کریدوری که از آن استفاده می‌شود و درآمدی که حاصل از ترازیت کسب می‌شود، آیا این درآمد برای هزینه‌های نگهداری کافی است یا نه.

فناغ از بحث هزینه‌های نگهداری آیا وجود یک مسیر کریدوری در ارتقای موقعیت سیاسی و امنیت کشور موثر است؟

کریدور اصولاً جایگاه یک کشور را در منطقه افزایش می‌دهد. به شرطی که شرایط آن کریدور مناسب باشد و جایگزین دیگری در کنار آن نباشد. الان بیشترین مبادلات اقتصادی آسیای مرکزی با اروپا توسط کریدور ترانسیکا است که از سال ۱۹۹۵ فعال است و از حوزه اروپا وارد دریای سیاه می‌شود و از دریای سیاه با گذر از قفقاز به سمت دریای خزر می‌رود. کالاهای رسیده به دریای خزر سپس توسط کشتی‌های رو رو به سمت دیگر دریا منتقل می‌شوند و در آنجا پیاده می‌شوند. این کریدور فعال‌ترین کریدور منطقه ما محسوب می‌شود. کریدوری که سنندج را به عراق وصل می‌کند، ممکن است از روی نقشه راه کمی به نظر برسد اما نیازمند سرمایه‌گذاری است و همچنین زمان زیادی می‌برد.

دلیل هزینه و زمان زیادی که برای تکمیل این کریدور نیاز است، چیست؟
منطقه کوهستانی است و کوه‌های زاگرس را باید قطع کنند. راه‌آهن مانند

است. دوهزار و ۶۰۰ متر طول باند فرود، دوهزار و ۵۰۰متر گستره پارکینگ، ۱۳۰۰ متر روشنایی معابر، برج مراقبت، دستگاه‌های کمک بازرسی و ساختمان پلیس از ویژگی‌های مهم این فرودگاه است. با پایان عملیات اجرایی این پروژه، نخستین پرواز هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران از تهران به مقصد فرودگاه سقر با استفاده از هواپیمای ای‌تی‌آر (ATR) همزمان با سفر استانی و حضور رئیس‌جمهور در کردستان انجام شد.

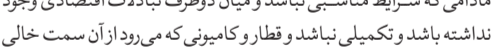
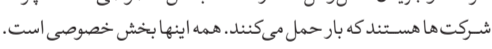
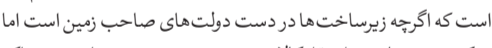
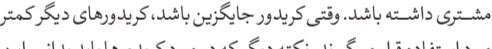
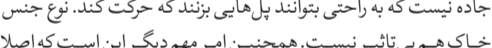
بهره‌برداری از ۱۲ طرح بهداشتی با حضور وزیر بهداشت

بهرام عین‌اللهی پنجشنبه در سفر به کردستان، ۱۲ پروژه بهداشتی و درمانی در شهرهای مختلف این استان به ارزش بیش از ۱۹۰۰ میلیارد ریال را افتتاح کرد. راه‌اندازی آنژیوگرافی دوم و بخش توموتراپی بیمارستان توحید سنندج، توسعه اتاق‌های عمل و راه‌اندازی بخش ام‌آر‌آی بیمارستان شهیدبهشتی قروه و افتتاح چندین باب خانه بهداشت، پایگاه سلامت، مرکز جامع سلامت و آزمایشگاه از پروژه‌هایی است که در این سفر مورد بهره‌برداری قرار گرفت. وزیر بهداشت سپس به قروه رفت و مرکز ام‌آر‌آی بیمارستان شهیدبهشتی این شهر را با ۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار راه‌اندازی کرد. برای نصب و راه‌اندازی این دستگاه نیز ۳۵ میلیارد ریال هزینه شده است. با حضور وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، طرح توسعه اتاق عمل این بیمارستان با ۴۰ میلیارد ریال اعتبار در زمینی به مساحت ۲۱۰ مترمربع با مشارکت خیرین و دانشگاه علوم پزشکی کردستان به بهره‌برداری رسید.

شهرک صنعتی سنندج ۴

شهرک صنعتی سنندج ۴ در هفت‌کیلومتری این شهر و در نزدیکی روستایی به نام سرنجیانه واقع شده است و عملیات اجرایی فاز نخست سال ۱۳۸۵ آغاز شد ولی به دلیل داشتن معارض ملکی متوقف و آنگاه در سال ۱۳۹۶ بار دیگر اجرای آن ازسرگرفته شد.

وسعت این شهرک ۲۵ هکتار است و در دو فاز تعریف شده که فاز نخست آن شامل ۷۵ هکتار و فاز دوم آن هم ۱۳۰ هکتار است که فاز نخست این شهرک سال ۱۳۹۹ درحالی‌که زیرساخت‌های اساسی همچون آب و جاده آن آماده نشده بود به بهره‌برداری رسید، ولی به همین دلیل تعداد زیادی از واحدهایی که زمین به آنها واگذار شده بود قادر به ساخت سوله نبودند. فاز نخست این شهرک زون‌بندی شده و اراضی آن در قالب ۲۴۶ قرارداد به متقاضیان واگذار شده و هم‌اکنون تعدادی از واحدهای تولیدی در آن شروع به احداث سوله کرده‌اند. ایجاد خط انتقال آب این شهرک صنعتی از دیگر پروژه‌های افتتاح‌شده در دور دوم سفر رئیس‌جمهور به استان است که ۱۵ کیلومتر طول دارد. کل هزینه صرف‌شده در شهرک صنعتی سنندج چهار افزون بر دوهزار میلیارد ریال است و مطالعات و طراحی فاز دوم این شهرک صنعتی هم انجام شده و آماده برگزاری مناقصه و آغاز عملیات اجرایی



جاده نیست که به راحتی بتوانند پل‌های بلند که حرکت کند. نوع جنس خاک هم بی‌تأثیر نیست، همچنین امر مهم دیگر این است که اصلاً مشتری داشته باشد. وقتی کریدور جایگزین باشد، کریدورهای دیگر کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. نکته دیگر که در مورد کریدورها باید بدانیم این است که اگرچه زیرساخت‌ها در دست دولت‌های صاحب زمین است اما حرکت و جریان حمل‌ونقل کالا در دست بخش خصوصی است؛ چراکه شرکت‌ها هستند که بار حمل می‌کنند. همه اینها بخش خصوصی است.

مادامی که شرایط مناسبی نباشد و میان دوطرف تبادل‌ات اقتصادی وجود نداشته باشد و تکمیلی نباشد و قطار و کامیونی که می‌رود از آن سمت خالی بازگردد، نمی‌توان توقع داشت مسیر کریدور احداث‌شده خوب عمل کند. این شرایط باید در کریدورها اعمال شوند تا بتوان از این کریدورها استفاده کرد.

با توجه به اینکه قبل از ایده راه‌آهن سنندج باشماق راه‌آهن بصره شلمچه اجرایی شده فکر می‌کنید اساساً تاسیس کریدور ریلی با عراق چقدر می‌تواند موثر عمل کند؟

در راه‌آهنی‌که از شلمچه به بصره وصل می‌شود، ایران اعلام کرده بود که ما می‌خواهیم از این مسیر برای ارتباط تجاری استفاده کنیم و محموله از سمت ایران به سمت سوویه و شرق دریای مدیترانه حمل شود. عراق رسماً اعلام کرد که این راه‌آهن تنها برای زائران مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین این پرسش در مورد کریدوری که قرار است از سنندج به سمت عراق مطرح است که آیا با این مسیر هم طبق استراتژی قبلی از جانب طرف عراقی برخورد می‌شود؟ به نظرم سرمایه‌گذاری برای چیزی که نتوانیم با آن بار حمل کنیم درست نیست و این مسائل باید در نشست‌های فنی با افرادی که در امور حمل‌ونقل بین‌الملل و ترازیت تبحر دارند بیشتر کارشناسی شود، از آنها طرح پرسش شود که این کریدوری که درحال صحبت از آن هستیم برای چه مدتی است؟ آیا آینده آن مشخص است؟ روابط ایران و عراق چگونه خواهد بود؟ اما این را می‌توانیم بگوییم که مردم سنندج نتوانستند بعد از چند دهه با قطار رفت‌وآمد کنند و می‌توانیم از طریق مسیر ریلی حمل بار کنیم.

خود کشور عراق چقدر ممکن است از چنین امری استقبال کند؟ با توجه به اینکه عراق کریدوری در جنوب از مسیر بندر فاو را برای اتصال به شرق آسیا در دستور کار دارد آیا ممکن است از مسیر غرب به شرق استقبال کند یا آن را رقیب خود می‌داند؟

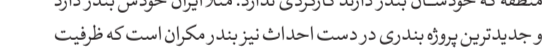
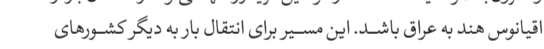
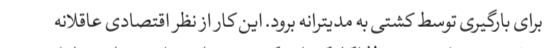
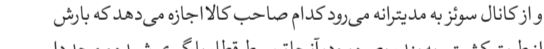
عراق، کریدوری را از بصره و فاو می‌خواهد به سمت ترکیه حرکت دهد و این پروژه را نیز با چندین میلیارد یورو هزینه به فرانسه‌ها سپرده است. اما چقدر عملی شود معلوم نیست. مساله دیگر این است که اگر قرار باشد این کریدور برای انتقال کالا به مدیترانه به کار برود معنی نمی‌دهد چراکه پس از رسیدن به مدیترانه دوباره باید آن را سوار کشتی کرده و هزینه دیگری متحمل



است. شهرک فناوری در جوار فاز نخست شهرک صنعتی سنندج ۴ در زمینی به مساحت شش هکتار احداث می‌شود که کلنگ آن نیز در دور دوم سفر استانی رئیس‌جمهور به کردستان زده شد. براساس برآوردهای انجام‌شده برای احداث زیرساخت‌های شهرک کارگاهی دانش‌بنیان استان کردستان نیاز به بیش از ۵۰۰ میلیارد ریال اعتبار است.

پروژه پیشران فولادسازی کردستان

این طرح در راستای ۴۸ طرح پیشران کشور است و به‌گفته مدیرعامل شرکت صنایع فولاد کردستان برای آن ۲۳۲ میلیون یورو سرمایه‌گذاری ارزی و هفت‌هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری ریلی صورت گرفته و قرار است در اوق ۱۴۰۶ به بهره‌برداری برسد. واحد تولیدی فولاد قروه ظرفیت تولید یک میلیون تن ورق گرم فولادی در سال دارد و میزان اشتغالزایی آن ۱۵۰۰ نفر است. سهامدار اصلی شرکت فولاد زاگرس قروه با ۴۴ درصد شرکت ایمیدو بوده و بقیه متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری توسعه فلزات و معادن ایران است.



شوند. کشتی که مسیر اقیانوسی را می‌پیماید دلیلی ندارد از خود را به مسیر بن‌بست خلیج فارس سرخ کند. کشتی از اقیانوس هند وارد دریای سرخ شده و از کانال سوئز به مدیترانه می‌رود کدام صاحب کالا اجازه می‌دهد که بارش از طریق کشتی به بندر بصره برود، آنجا توسط قطار بارگیری شده و مجدداً برای بارگیری توسط کشتی به مدیترانه برود. این کار از نظر اقتصادی عاقلانه و مقرون به‌صرفه نیست. لذا کار کرد این کریدور تنها می‌تواند رساندن بار از اقیانوس هند به عراق باشد. این مسیر برای انتقال بار به دیگر کشورهای منطقه که خودشان بندر دارند کارگزدی ندارد. مثلاً ایران خودش بندر دارد و جدیدترین پروژه بندری در دست احداث نیز بندر مکران است که ظرفیت تخلیه ۱۵۰ میلیون تن در سال برای آن پیش‌بینی شده است.

با وجود این چالشی که مطرح کردید آیا مسریهای کریدوری در دست احداث می‌تواند کارکردی هم داشته باشد؟

ممکن است برای آینده خوب باشد اگر استراتژی توسعه و آمایش سرزمینی داشته باشیم خیلی خوب هم هست اما منطقی اقتصاد این است که جریان حرکت کالا اولاً سرعت داشته باشد، ثانیاً امنیت داشته باش، ثالثاً سهولت داشته باشد و رابعاً منفعت داشته باشد. اگر این چهار عامل در کریدوری وجود نداشته نباشد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. اگر در مبادی ورودی مشکلاتی درمورد بازرسی کالا و بارنامه وجود داشته باشد طبعاً کریدورهای دیگر جایگزین می‌شود. حدود ۹۰ درصد حمل‌ونقل تجاری در جهان، توسط کشتی صورت می‌گیرد. مسافت‌ها طولانی برای حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی صرف نمی‌کند چراکه باید نگاه کنند کدام به صرفه‌تر و ایمن‌تر است؟ این حجم عظیم کالا که با کشتی جابه‌جا می‌شود اگر بخواهد از راه زمینی منتقل شود چندین سال طول می‌کشد. حجم صدهزارتنی یک کشتی باری را باید در چندین هزار کامیون و صدها قطار گنجاند، اگرچه حمل با کشتی به خاطر مسیر طولانی زمان بر است اما هزینه را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. همچنین برخی بارها از جمله سنگ‌آهن و سوخت را نمی‌شود با قطار حمل کرد؛ چراکه هزینه حملش خیلی زیاد می‌شود به همین دلیل هم فعلاً هیچ جایگزینی برای کشتی نیست.

فرمودید جایگزینی برای کشتی‌ها نیست با این توصیف ایده‌هایی همچون کمربند جاده که یک مسیر زمینی است با چه هدفی مطرح می‌شود؟

زمانی که از ایده کمربند جاده صحبت می‌کنیم منظورمان استفاده از قطارهای تندرو است نه حمل‌نقل جاده‌ای. ابتکار کمربند جاده چین می‌خواست جایگزین پل زمینی اوراسیا در قرن ۲۱ شود که از چین به روسیه و لهستان می‌رفت و سپس به آلمان منتهی می‌شد اما چون روسیه تحت تحریم است این گزاره مطرح می‌شود که کریدور شماره ۶ یا همان ایده کمربند جاده از طریق ایران تکمیل شده و پس از اتصال به ترکیه به اروپا منتهی شود.

۱۰۰ شرکت به نمایشگاه کار طرح پویش می‌آیند

فرهنگستان

دانشگاه

شماره ۳۹۹ | شماره ۱۴۰۲ | www.fdn.ir

قائم‌مقام رئیس دانشگاه آزاد
به «فرهنگستان» خبر داد

۴ دستور کار مهم نشست بیست و پنجم شورای دانشگاه

مدیرکل شبکه پژوهشی و آزمایشگاهی
دانشگاه از مشارکت ۲۵ واحد دانشگاهی
در نمایشگاه نانو امسال خبر داد

۱۱۰ محصول نانویی دانشگاه آزاد در ایرانانو ۱۴۰۲

در نشست بررسی اهداف و سیاست‌های
نظام آموزشی رژیم صهیونیستی مطرح شد

علم امنیتی وامنیت علمی

قائم‌مقام رئیس دانشگاه آزاد به «فرهنگستان» خبر داد

۴ دستور کار مهم نشست بیست و پنجم شورای دانشگاه



سارا طاهری
مدیرکل شبکه پژوهشی و آزمایشگاهی دانشگاه آزاد

نشست‌های شورای دانشگاه یکی از جلساتی است که تقریباً هر فصل شاهد برگزاری آن در دانشگاه آزاد مستیم و هریار یکی از واحدها میزبان این نشست و اعضای شورایی می‌شوند که با حضور هیات‌رئیس، روسای استانی و برخی مراکز و مجموعه‌های ویژه دانشگاه شکل می‌گیرد. ذیل شورای دانشگاه، سه کمیسیون وجود دارد که براساس تقسیم کار صورت‌گرفته روسای استان‌ها، معاونان و مراکز مرتبط در این کمیسیون‌ها حضور دارند و ملزمند با هر تعداد برگزاری جلسه، دستور جلسه شورای دانشگاه را در فاصله زمانی بین دو اجلاس مشخص و تدوین کنند. تاکنون ۲۴ جلسه شورای دانشگاه برگزار شده است و امروز (شنبه سیزدهم آبان ماه) واحد مستقل نجف‌آباد میزبان برگزاری بیست و پنجمین جلسه خواهد بود.

علی سروری‌مجد، قائم‌مقام رئیس دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهنگستان» از جزئیات این نشست و روند کاری جلسات شورای دانشگاه سخن گفت. به گفته او بیست و پنجمین نشست شورای دانشگاه امروز (فردا شنبه و یکشنبه) در دانشگاه آزاد واحد نجف‌آباد برگزار می‌شود؛ براساس اساسنامه، هیات موسس، هیات‌امنا، شورای دانشگاه و رئیس دانشگاه ارکان دانشگاه محسوب می‌شوند. شورای دانشگاه یکی از ارکان دانشگاه آزاد است و بر همین اساس تلاش داریم که در هر فصل یک

شورا را برگزار کنیم. او درباره اعضای شورای دانشگاه آزاد توضیح داد: «معاونان، روسای مراکز سازمان مرکزی و روسای استان‌ها اعضای شورای دانشگاه به شمار می‌روند و به تناسب مدعوینی نیز از مسئولان دانشگاه خواهیم داشت که از آنها دعوت می‌شود در نشست شورا شرکت کنند. بحث‌های عمده‌ای که قبلاً در کمیسیون‌های شورای دانشگاه مطرح و به عنوان دستور جلسه شورای دانشگاه آماده شده است به ترتیب در این کمیسیون‌ها مطرح و درباره آن موارد تصمیم‌گیری می‌شود. درخصوص برخی موارد تصمیم‌گیری می‌شود و البته برخی موارد نیز جنبه مشورتی دارد که به اطلاع اعضای شورای دانشگاه می‌رسد.» قائم‌مقام رئیس دانشگاه آزاد درباره نحوه جمع‌بندی جلسات شورا صحبت به میان آورد و گفت: «خوشبختانه از آنجا که قبل از هر اجلاس شورای دانشگاه، کمیسیون‌های این شورا را تشکیل می‌دهیم، عمده مسائل در طول شورای قبلی تا شورای فعلی در کمیسیون‌ها بحث شده است. ما سه کمیسیون داریم که عبارتند از کمیسیون گسترش فضای انقلابی، کمیسیون حفظ کيان دانشگاه و کمیسیون ارتقای علمی. این کمیسیون‌ها، مسائل از معاونان مرتبط و روسای استان‌ها هستند که در حوزه کار کمیسیون خود، مسائل مختلف دانشگاه در آنها بحث و تبادل نظر می‌شود و به عنوان یک پیشنهاد و دستور جلسه شورای دانشگاه مطرح می‌شود. او بیان کرد: «چون این بحث‌های کارشناسی قبلاً در کمیسیون‌ها انجام می‌شود، بنابراین وقت شورا گرفته نمی‌شود و همه افراد تقریباً در جریان بحث‌های کمیسیون‌ها هستند و با اشراف کامل تبادل نظر صورت می‌گیرد.

مدیرکل شبکه پژوهشی و آزمایشگاهی دانشگاه از مشارکت ۲۵ واحد دانشگاهی در نمایشگاه نانو امسال خبر داد

۱۱۰ محصول نانویی دانشگاه آزاد در ایرانانو ۱۴۰۲



ایرانانو ۱۴۰۲ از امروز در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران میزبان مشتاقان حوزه علم و فناوری به ویژه علاقه‌مندان به نانو است. قرار است از شنبه تا سه‌شنبه ده‌ها شرکت نانویی در حوزه‌های مختلفی نظیر نفت و انرژی، بهداشت و سلامت، آب و محیط‌زیست، کشاورزی و بسته‌بندی، خودرو، رنگ و پوشش، ساختمان، منسوجات و مواد پیشرفته دستاوردهای خود را در معرض دید چهاردهمین نمایشگاه فناوری نانو به نمایش درآورند. مدیرکل شبکه پژوهشی و آزمایشگاهی دانشگاه آزاد نیز در گفت‌وگو با «فرهنگستان» از حضور فعال واحدهای این دانشگاه در چهاردهمین جشنواره و نمایشگاه فناوری نانو خبر داد.

عبدالله محمدی، مدیرکل شبکه پژوهشی و آزمایشگاهی دانشگاه به «فرهنگستان» گفت: «دانشگاه آزاد در چهاردهمین نمایشگاه فناوری نانو» که از ۱۳ تا ۱۶ آبان ماه سال جاری توسط ستاد ویژه توسعه فناوری نانو و با هدف شناخت پتانسیل‌های تحقیقاتی و صنعتی و ارتقای دانش عمومی در حوزه فناوری نانو برگزار می‌شود، حضور خواهد داشت. این حرکت با توجه به راه‌کارها و اقدامات بسته کاری «ارتقای قابلیت پاسخگویی و حل مساله» سند تحول و تعالی صورت می‌پذیرد.

رد خون به دانشگاه‌ها می‌رسد

«فرهنگستان» از نقش آفرینی دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی در برنامه‌ریزی جنگ گزارش می‌دهد

ادامه از صفحه ۱

جمعیت با این حرف‌ها شور می‌گیرند و انگار منتظرند چیزی که می‌خواهند را بشنوند، برای همین وقتی به اینجای صحبت‌های سیدحسین می‌رسند، همه می‌ایستند و می‌شنوند: «اسرائیل نیمی از توان گنبد آهنین خود را در مرزهای لبنان مستقر و یک سوم نیروهای خود را متوجه مرز لبنان کرده است. نکته دیگر اینکه ده‌ها شهرک نشین در شهرک‌های شمال فلسطین اشغالی آواره شده‌اند و ۴۳ شهرک خالی شده و کسانی که در این شهرک‌ها حضور دارند همگی نظامی هستند. ۵۸ شهرک نیز در مرزهای غزه تخلیه شده و تمام این روند‌ها به اسرائیل فشار وارد می‌کند تا جنگ را متوقف کند. عملیات‌های مقاومت در مزارع شبعاتر و وحشی را به جان اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها انداخت و آنها را نگران آن کرده که این افزایش تنش‌ها به سمت جنگ واقعی پیش‌برود که احتمال این روند نیز وجود دارد. دشمن باید در برابر لبنان با احتیاط رفتار کند، حتی اگر یک عملیات در گذشته علیه اسرائیلی‌ها انجام می‌شد این رژیم صبر نمی‌کرد، اما امروز می‌ترسد و صبر می‌کند. حضور ما و آمادگی ما و عملیات ماکاری کرده که دشمن را به وحشت انداخته است. عملیات مقاومت در جنوب لبنان به دشمن نشان می‌دهد اگر عملیات پیش‌دستانه‌ای را ضد لبنان انجام دهد، دچار حماقتی بزرگ شده است که از آن پشیمان خواهد شد. آنها می‌خواهند ما را بترسانند. اما صحنه‌های غزه ایمان ما را بیشتر می‌کند تا پایداری و مقاومت و ایستادگی خود را افزایش دهیم.»

وقتی این جملات را شنیدند همه شروع به تشویق کردند و با «لیبک یا نصرالله» مقاومت برای پیروزی را نشان می‌دادند. نزدیک به یک ساعت از شروع سخنرانی گذشته بود که تصمیم گرفتیم واکنش مردم در خیابان را هم ببینیم، آنقدر شلوغ بود که به سختی توانستیم به بیرون از محل اصلی برسیم. تمام خیابان‌های اطراف را صدنلی گذاشته بودند و مردم در حال شنیدن، حضور بچه‌ها و نسل جوان آنقدر پرزنگ بود که ناخودآگاه فکر می‌کردی برنامه‌ای برای این سن دارند، نه سخنرانی به این مهمی.

گوشه‌ای از پیاده‌رو زنی درحال بستن سرپند برای پسرش بود، حجاب هم نداشت. نزدیک شدم شاید بتوانم حرف‌هایش را بشنوم و چیزی سر در بیاورم. انگلیسی با پسرش صحبت می‌کرد و می‌گفت: «تو هم باید مانند پدر بزرگ به جنگ بروی. ما سال‌هاست که این جنگ را می‌بینیم.» از ملتیش پرسیدم و گفت: «فلسطین.» فرصت خوبی برای صحبت نبود اما شماره‌ام را دادم و شماره‌اش را گرفتم تا بتوانم با او برای روایت‌های بعدی صحبت کنم. آنقدر خیابان‌ها شلوغ است که حتی جای راه رفتن هم نیست. انگار به پایان صحبت‌ها نزدیک شده‌ام و سیدحسین می‌گوید: «این را به فلسطینی‌ها و مردم غزه می‌گویم که افق‌ها نشان می‌دهد از روزی که مقاومت تاسیس شد، جنگ ما هنوز به پیروزی نهایی نرسیده است و هنوز زمان لازم داریم. ولی در برخی جاها همچنان پیروز می‌شویم؛ مقاومت لبنان در سال ۱۹۸۶ و ۲۰۰۶ نیز به همین صورت پیروز شد، ولی باید صبور باشیم و مشکلات را تحمل کنیم. دشمن این مولفه را ندارد. مردم از زیر آوارها بیرون می‌آیند و جان خود را فدای مقاومت می‌دانند. جنگ ما جنگ صبر و پایداری و تحمل و به شکست کشاندن دشمن است.» حرف‌ها تمام می‌شود و باز هم صدای لیبک یا نصرالله منطقه ضاحیه را برمی‌دارد و همزمان دوباره بلندگوها همان آهنگ‌های حماسی را پخش می‌کنند و مردم با خواندن این سرودها و تکان دادن پرچم محل سخنرانی را ترک می‌کنند. پسری را دیدم که پرچم ایران، فلسطین و لبنان را کنار هم گذاشته و روی زرده‌های خیابان نشسته است. نزدیک شدم و بوسه‌ای بر پرچم ایران زدم و یاد روزی افتادم که به نقطه رفتیم و آن پسر راهنما می‌گفت: «فقط ۲۰ کیلومتر با فلسطین فاصله داریم. آنها هم مثل ایران و لبنان پیروز خواهند شد. ما قداش را با چشم‌مان خواهیم دید.»

صدای خواندن آیه «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرِ لِيُوشِئُوا وَ يُجْرِعْكَمُ وَيَدْعُ لِيُخْلُوا الْمُتَوَدِّعَاتِ كَمَا دَخَلُوا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا» آن‌ها هم با صوت آنقدر بلند که باعث می‌شود کمی همه سکوت کنند، این همان آیه‌ای است که ابتدای سخنرانی خوانده شد، چون تهدید آخر فرارسد [بیباید] تا شما را اندوهگین کنند و در معبد [تان] چنانکه بار اول داخل شدند [به زور] درآیند و بر هر چه دست یافتند بکسره [آن را] نابود کنند.» امروز ضاحیه بیروت دوباره صحنه حضور مردمی بود که سال‌هاست جنگیدن در برابر اسرائیل را برای خودشان آرمان می‌دانند.

در نتیجه جمع‌بندی زمانبر نیست و بحث‌ها به درازا نمی‌کشند.» سروری‌مجد در ادامه درخصوص شورای دانشگاه آزاد واحد نجف‌آباد و دستور کار این نشست توضیح داد: «آنچه قبلاً در کمیسیون‌ها بحث شده به جمع‌بندی نهایی خواهد شد و مسائل پیش روی دانشگاه خصوصاً اجرای سند تحول و تعالی دانشگاه، بحث‌های فناوری و حوزه دانش بنیان‌ها، جذب دانشجو، بحث‌های مربوط به افزایش درآمد‌های غیرشهریه‌ای و عمدتاً مسائل آموزشی، پژوهشی و فناوری خواهد بود.» قائم‌مقام رئیس دانشگاه آزاد درخصوص تعداد جلسات سه کمیسیون شورای دانشگاه و مهم‌ترین طرح‌هایی که در آنها دنبال شده و قرار است در صحن شورا مطرح شود نیز تصریح کرد: «موضوع هر سه کمیسیون مشخص است، به‌طور مثال در کمیسیون ارتقای علمی آنچه به حوزه جذب هیات علمی، مسائل مربوط به هیات علمی وابسته، دستیار آموزشی و مساله ارتقای اعضای هیات علمی مطرح می‌شود. همچنین آنچه مربوط به حوزه‌های دانشی در معاونت‌های موضوعی است در کمیسیون مربوطه بحث می‌شود. آنچه در مسائل فرهنگی و گسترش فضای انقلابی است در کمیسیون مربوط به خود بحث می‌شود و در واقع یک نوع بازخوردگیری از عملکرد استان‌ها صورت می‌گیرد و برنامه‌های آتی مبتنی بر سند تحول و تعالی پنج‌ساله دانشگاه است.» سروری‌مجد در پایان گفت: «در کمیسیون حفظ کيان دانشگاه، مسائل اداری مالی حقوقی عمده بحث‌ها خواهد بود که قاعدتاً معاونت توسعه و فناوری نیز نقش اساسی را در این کمیسیون ایفا می‌کنند و پیشنهادهای آنها در صحن علنی شورا مطرح می‌شود.»

استاندارد‌های لازم، ارتقای تولیدات، به‌روزرسانی مشخصات و بهبود خدمات پس از فروش توسط شرکت‌های دانش‌بنیان تولیدکننده محصولات فناوری نانو در این دانشگاه و هدایت و تشویق واحدهای دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی به سمت فناوری نانو است.»

محمدی اظهار امیدواری کرد که با اقدامات مهم انجام شده از جمله شبکه‌های شکل‌گرفته در دانشگاه در قالب کنسرسیوم نانو جایگاه دانشگاه آزاد در این حوزه مهم نسبت به گذشته ارتقا پیدا کند.

دانشگاه آزاد چه محصولاتی در نمایشگاه امسال دارد؟

پانسمان پیشرفته نانوفیبری، نانو کمپوزیت مزوپور هیدروکسی آپاتیت لایه لایه‌ای، سامانه اتوماتیک سنجش زاویه قطره با سطح، بتن با مقاومت بالا و مقاوم در مقابل ترک با استفاده از الیاف پلی‌اتیلن و پلی‌پروپیلن به همراه نانو سیلیس، ژراتور نانوحباب‌ساز مدل نانوکس، نانو ذرات طلا، هموستاز با پایه نانو ذرات MOF، نانولایه‌های نیتريد زيکونيم، سيستم توليدکننده پلاسمای سرد، پودر کلسیم فریت، نانولوله‌های کربنی چنددیواره (CaFe₂O₄/MWCNTs)، بلوک‌های نانو پلیمری الیاف دار، نانو ذرات اکسید روی، دستگاه اندازه‌گیری دمای کوری،



رد خون



ندا اظهاری مترجم

آموزش عالی رژیم صهیونیستی شاید در نگاه نخست تنها وظیفه آموزش و تربیت دانشجویان برعهده داشته باشد اما در عمل، ابزاری برای آبارتاید به شمار می‌رود. درواقع، آموزش عالی این کشور در حمایت از پروژه صهیونیستی، بیش از اینکه صرفاً فعالیتی ضد فلسطینی داشته باشد،

درمورد آموزش رژیم صهیونیستی چه می‌دانیم؟

آموزش های دانشگاهی در رژیم صهیونیستی شامل دانشگاه‌های خصوصی و دولتی، کالج‌ها، موسسات آموزش فنی و مدارس فنی و حرفه‌ای می‌شود. در دوران کرونا، یکبارگی افرادی با مدرک پایین‌تر از مقطع دانشگاهی در مقایسه با تحصیل کرده‌های دانشگاه، بر اهمیت تحصیلات دانشگاهی تاکید کرد. به عبارتی، افرادی که در دانشگاه تحصیل کرده‌اند راحت‌تر می‌توانند با فناوری‌های جدید سازگار شوند. حدود ۷۱ درصد از افراد ۵۵ تا ۷۴ ساله با تحصیلات دانشگاهی در دوران کرونا می‌توانستند از سیستم‌های ویدئویی و آنلاین استفاده کنند. این آمار در افرادی که تحصیلات غیردانشگاهی داشتند تنها ۳۴ درصد بوده است. آموزش عالی در رژیم صهیونیستی نقش مهمی برای ورود فارغ‌التحصیلان به

هزینه ۳۰ میلیون دلاری دولت در بخش آموزش عالی

دولت رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۲ قریب ۳۰ میلیون دلار برای حوزه آموزش عالی این کشور هزینه کرد که در مقایسه با سال ۲۰۲۱ اندکی کاهش داشته است. اما در این میان، هزینه‌ای که دولت طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ روی حوزه آموزش عالی داشته به مرور روند افزایشی را نشان می‌دهد. علاوه بر این، آمارها حکایت از آن دارد که درآمد حاصل از بخش آموزش عالی تا سال ۲۰۲۴ با روند تدریجی افزایشی روبه‌رو خواهد بود. به دلیل نقش مرکزی آموزش عالی در رژیم صهیونیستی، اغلب استادان فعال در مراکز آموزشی نسبت به حقوق و مزایایی که به آنها تعلق می‌گیرد، معتزضند و انتظار دارند با وجود اهمیتی که این حوزه برای آنها دارد، از حقوق و مزایای بیشتری برخوردار باشند. در سال ۲۰۲۰، بیش از ۴۶۳ هزار نفر در صنعت آموزش

دانشگاه‌ها شریک جنایت جنگی رژیم صهیونیستی؟

به گزارش eecpalestine، دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی درواقع بخش مهمی از بدنه این رژیم را تشکیل می‌دهند. درحالی‌که فلسطینی‌ها به دلیل جنگی که با آن مواجه هستند به دانشگاه و مدارس آموزش عالی دسترسی مناسبی ندارند، دانشگاه‌های پژوهش و فناوری رژیم صهیونیستی دستاورد‌های خود را برای حفظ اشغالگری این رژیم ادامه می‌دهد. در این میان نمی‌توان نقش اصلی دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی را با بودجه‌های پژوهشی اتحادیه اروپا و شرکای پژوهشی دانشگاه‌ها نادیده گرفت و به نوعی می‌توان مراکز آموزش عالی آنها را در جنایت‌های جنگ شریک دانست. برنامه‌های چهارجوب پژوهشی اتحادیه اروپا عموماً مبنای قانونی خود را درمورد تحقیق و توسعه دارند به طوری که در قالب طرح پژوهشی «چالش‌های امنیتی، مشکلات متعددی از حوزه‌های مختلفی چون مهاجرت، بی‌نظمی عمومی، جنایت‌های سازمان یافته و تروریسم که همگی از جمله تهدیدهای امنیتی به شمار می‌روند، مورد توجه قرار گرفته است. این دستور کار در یک دهه گذشته توسط شرکای صهیونیستی پروژه‌های تحقیقاتی هدایت شده که درنهایت به نفع این رژیم تمام می‌شود.

برای نخبگان غربی مدل پیچیده نظامی – صنعتی صهیونیستی است که صنعت امنیتی پیشرویی را در جهان تولید کرده است. یکی از نمونه‌های آن همکاری شرکت RAND و دانشگاه عبری اورشلیم در پروژه اتحادیه اروپا با هدف ایجاد یک شبکه تحقیقاتی برای ارائه مشاوره سیاسی مبتنی بر پژوهش پیرامون جنبه‌های اقتصادی امنیتی است. اتحادیه اروپا در بسیاری از پروژه‌های نظامی صهیونیست‌ها وظیفه حمایت مالی را ایفا می‌کند؛ به عنوان مثال، صنایع هوافضای اسرائیل تاکنون بودجه ۲۹ پروژه خود را از این اتحادیه دریافت کرده و آنها روی پروژه توسعه هواپیماهای آینده فعالیت می‌کنند. از قرار معلوم یکی از همین پروژه‌ها که هواپیمای بدون سرنشین Heron است در حملات غزه مورد استفاده قرار گرفته است.

فناوری‌های جدید در خدمت جنگ افروزی

شواهد نشان می‌دهد نیروهای امنیتی اسرائیل به‌طور چشمگیری به دستگاه‌های مجهز به فناوری‌های پیشرفته دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی وابسته شده‌اند. فناوری‌های جدیدی که استارت آنها در دانشگاه‌ها زده می‌شود به صهیونیست‌ها کمک می‌کند تا با استفاده از فناوری‌های برتر و نیز نیروی نظامی کمتری بتوانند در صنعت امنیت کشور خود قدم بردارند. زرادخانه‌های اسرائیل مجهز به فناوری‌های نانو، سیستم‌های دوربین مخفی، پایگاه‌های اطلاعاتی فعالیت‌های غیرنظامی، سیستم‌های هدفگیری خودکار و پهپادها هستند که دانش تولید تمام این فناوری‌ها از دانشگاه‌های این کشور تامین شده است.

اتحادیه اروپا و شراکت در جنایت

به گزارش electronicintifada، البته شواهد بیانگر آن است که اتحادیه اروپا بیش از آنچه تصور می‌شود در ساخت فناوری‌های نوین و اسلحه‌های مدرک‌با به رژیم صهیونیستی کمک می‌کند و گزنت‌ها و کمک‌های مالی در اختیار آنها قرار می‌دهد. یکی از معروف‌ترین شرکت‌های هوافضای اسرائیلی «آلتا» نام دارد که در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ برای ساخت دیواری که قرار بود بین مرز آمریکا و مکزیک کشیده شود، انتخاب شده بود. سیستم‌های راداری ساخت این شرکت در حملات اسرائیل به غزه در سال ۲۰۱۴ به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفتند و فناوری‌های این شرکت نقش مهمی را در تخریب‌ها و جنایت‌های

«فرهیختگان» از نقش آفرینی دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی در برنامه‌ریزی جنگ گزارش می‌دهد

به دانشگاه‌ها می‌رسد

دانشگاه‌های صهیونیست‌ها در نگاه آماری

به گزارش statista، در آخرین آماری که از شمار دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی در دست است، حدود ۱۰ دانشگاه و ۵۳ کالج در این کشور فعالیت می‌کنند که تحت نظارت شورای آموزش عالی اسرائیل مشغول کار هستند. از ۱۰ دانشگاه رژیم صهیونیستی، ۹ دانشگاه دولتی و تنها یک دانشگاه آن خصوصی است. «موسسه فنی تخنیهون»، دانشگاه عبری اورشلیم، موسسه علوم وایزمن، دانشگاه بریالان، دانشگاه تل‌آویو، دانشگاه حیفا، دانشگاه بن‌گوریون، دانشگاه آریل، دانشگاه ریچمن و האוניברסיטה הפתוחה ۱۰ دانشگاه فعال در رژیم صهیونیستی هستند که تنها دانشگاه ریچمن به‌صورت خصوصی اداره می‌شود. قدمت قدیمی‌ترین دانشگاه این کشور یعنی موسسه فنی تخنیهون به سال ۱۹۱۲ برمی‌گردد که در منطقه حیفا واقع شده است. علاوه بر این دانشگاه‌ها و کالج‌هایی که در این کشور فعالیت می‌کنند، برخی پردیس‌های دانشگاه‌های خارجی هم شامل دانشگاه بریگم یانگ، کالج اتحادیه عبری، کالج هیلسانگ، دانشگاه نیویورک، کالج تورو، دانشگاه ایندیاناپالیس، دانشگاه پشپوا مشغول فعالیتند. بخش عظیمی از موفقیت دانشگاه‌های این کشور مدیون شکوفایی فناوری‌های برتر و توسعه اقتصادی است که به‌ویژه در سال‌های اخیر برای این کشور ایجاد شده است. در آخرین گزارشی که پایگاه رتبه‌بندی تایمز برای برترین دانشگاه‌های ۲۰۲۴ منتشر کرده، هشت دانشگاه رژیم صهیونیستی در جمع برترین‌های دنیا قرار گرفته‌اند. دانشگاه «تل‌آویو» با کسب رتبه ۲۵–۲۰ در دنیا، برترین دانشگاه این کشور شناخته شده است. همچنین در رتبه‌بندی شانگهای، هفت دانشگاه از این کشور حضور دارند و سه دانشگاه جزء ۱۰۰ دانشگاه نخست این رتبه‌بندی قرار گرفته‌اند. از دیدگاه شانگهای، موسسه علوم «ویزمن» رتبه ۶۸ دنیا را از آن خود کرده است. علاوه بر این، در رتبه‌بندی QS، شش دانشگاه از رژیم صهیونیستی در جمع برترین دانشگاه‌های دنیا قرار گرفته‌اند و برترین دانشگاه این کشور دانشگاه «تل‌آویو» با رتبه ۲۱۵ مشخص شده است. در میان رشته‌های دانشگاهی رژیم صهیونیستی، رشته‌های مهندسی و معماری پرطرفدارترین رشته‌ها هستند و بیش از ۲۶ هزار دانشجوی تنها در این دو رشته ثبت‌نام کرده‌اند. دومین رشته پرطرفدار، علوم اجتماعی است که سه‌م آن از جذب دانشجوی حدود ۷۵ هزار نفر است. سومین رشته‌های پرطرفدار نیز به ریاضیات، آمار و علوم کامپیوتر با بیش از ۱۳ هزار دانشجوی تعلق می‌گیرد. از سوی دیگر، رشته‌هایی چون هنر، صنایع دستی و هنرهای کاربردی کمترین طرفدار را بین دانشجویان دارد به طوری که شمار دانشجویان آنها به بیش از ۲۶۰۰ نفر نمی‌رسد.

سیستم آکادمیک رژیم صهیونیستی

دخال‌ت مستقیمی در خشونت دارد

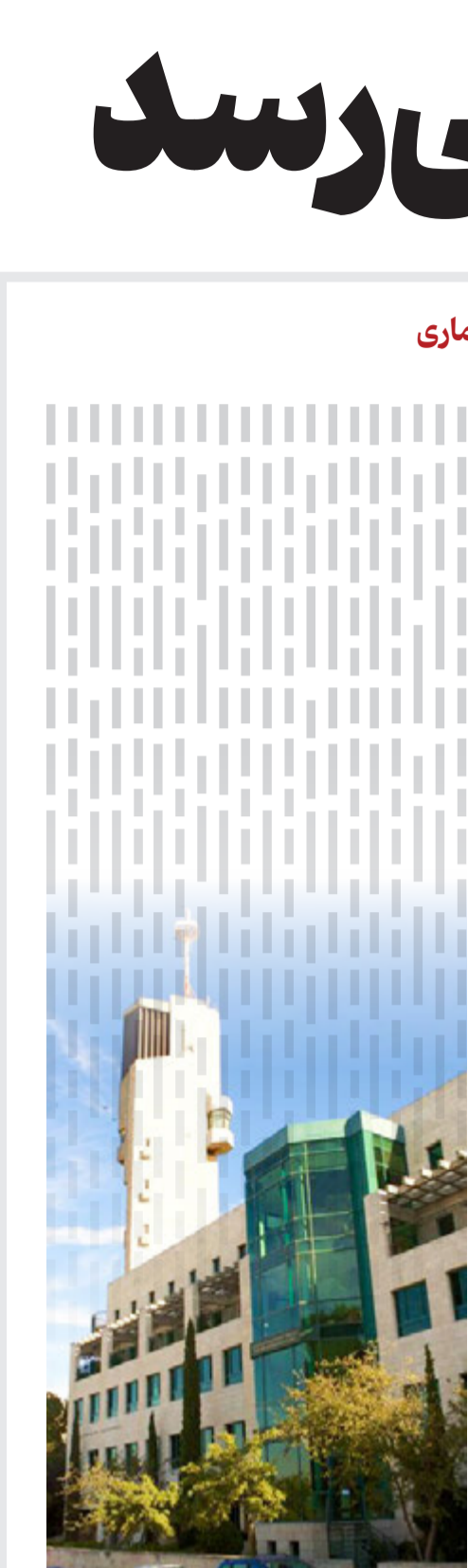
یکی از استادان دانشگاه‌های فلسطین براین باور است که سیستم آکادمیک رژیم صهیونیستی از نظر ساختاری در خشونت این کشور علیه فلسطینی‌ها دخالت مستقیم دارد. در این میان دانشگاه‌ها قادرند با روش‌های مختلفی تسلیحات نظامی رژیم صهیونیستی را در نگاه دنیا پاک و بی‌خطر جلوه دهند و به این ترتیب، صنعت دفاعی اسرائیل را برپای مخاطبان جهانی خود به برند تبدیل کرده و حتی آنها را بازاریابی کنند. به عبارتی، صنعت تسلیحاتی رژیم صهیونیستی می‌تواند از طریق دانشگاه خود را به عنوان یک صنعت پیشرفته از حیث فناوری و نظری اثبات کند. طبق آنچه از شواهد و گفته‌های محققان و کارشناسان برمی‌آید تمام دانشگاه‌های اسرائیلی به نوعی در خدمت امنیت این کشور فعالیت می‌کنند و نمی‌توان تمایزی بین فعالیت‌ها و عملکردهای نظامی و غیرنظامی آنها پیدا کرد. این کشور از فلسطین به‌عنوان آزمایشگاهی برای صدور مدل کاملی از ترور، کنترل و سرکوب یا حتی قتل عام مردم استفاده می‌کند.

همکاری دانشگاه‌ها در برنامه‌های نظامی

البته از قرار معلوم همکاری دانشگاه‌های صهیونیستی در جنایات جنگی این رژیم تنها به این مورد ختم نمی‌شود بلکه پیش‌تر هم نمونه‌هایی از این دست وجود داشته است. در این میان، دانشگاه بن‌گورین به دانشجویانی که دوره خلبانی را می‌گذرانند، آموزش می‌دهد. همچنین دانشگاه حیفا به سه کالج نظامی ازجمله دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش مدرک ارائه می‌دهد. دانشگاه عبری اورشلیم نیز طرح Havatzalet را برای افسران اطلاعاتی آینده در نظر گرفته است. علاوه براین، دانشگاه تل‌آویو نیز پیش‌تر میزبان برنامه Arazim است که هدف آن تعلیم دانشجویان برجسته پژوهشی-فناوری و ریاضیات و گنجاندن آنها در بخش اطلاعات و دفاع سایبری ارتش است. دانشگاه تل‌آویو در مناقشه‌ای که از سوی وزارت دفاع رژیم صهیونیستی برای پذیرش طرح «نرزا» به راه انداخته بود، برنده شد. وزارت دفاع این کشور علاوه بر پرداخت جداگانه برای دورسی چون زبان انگلیسی، روان‌سنجی، وعده‌های غذایی و خوابگاه، بیش از دو میلیون و ۱۰۰ هزار دلار برای شهریه سربازان به این دانشگاه پرداخت کرد. اما شواهد حکایت از آن دارد که دانشگاه «تل‌آویو» چهار میلیون دلار در قبال این طرح دریافت خواهد کرد. از دیگر موضوعات بحث برانگیز، این است که نگهبانان امنیتی دانشگاه را ملزم کرده است به دانشجویان و افسران همراه آنها اجازه حمل سلاح در اطراف محوطه دانشگاه را بدهند که در ادامه باز هم باعث ایجاد موجی از اعتراض‌ها به نظامی‌سازی محوطه دانشگاه‌ها شد که درنهایت منجر به لغو این الزام شد اما هنوز هم دانشجویان نظامی ملزم به پوشیدن یونیفرم‌های نظامی خود در دانشگاه هستند.

موج اعتراض به پادگان شدن دانشگاه تل‌آویو

همکاری بین ارتش اسرائیل و دانشگاه تل‌آویو با واکنش شدید اساتید و دانشجویان فلسطینی مواجه شده و در خلال اعتراض‌های خودنظامی‌سازی دانشگاه‌را محکوم کرده‌اند. از هفته‌های گذشته که سال تحصیلی دانشگاه‌ها در اسرائیل آغاز شد، موجی از اعتراض‌ها نیز شکل گرفته است. گویا سال تحصیلی امسال دانشگاه تل‌آویو با سال‌های گذشته کمی فرق داد به طوری که قرار است حدود ۸۰ تا ۱۰۰ سرباز صهیونیست یونیفرم‌پوش هم به دانشجویان این دانشگاه اضافه شوند و قرار است این دانشگاه میزبان طرح جدیدی موسوم به «ارزا» با همکاری ارتش رژیم صهیونیستی باشد. در قالب



این طرح قرار است آموزش‌هایی به سربازان داده شود تا مسیر برای ارتقای آنها به افسران رده بالاتر آینده فراهم شود. درواقع، هدف اصلی از گذراندن این دوره، تبدیل شدن این سربازان به افسران جنگی و در عین حال دانشگاهیانی باسواد عنوان شده است. رئیس گروه علوم انسانی این دانشگاه که با افتخار از برگزاری چنین دوره‌ای در دانشگاه صحبت می‌کند، برگزاری این دوره را هم‌عرا با ارزش‌های انسانی در دوره‌های نظامی، منحصربه‌فرد دانست. با وجود این، انتشار این اعلامیه، واکنش شدید بخش‌هایی از بدنه دانشجویی و اساتید دانشگاهی به‌ویژه شهروندان فلسطینی اسرائیلی را برانگیخت. دانشجویان معترض اعلام کردند با اجرای این دوره، دانشگاه تل‌آویو به پایگاه ارتش و یک پایگاه نظامی تبدیل خواهد شد.

دانشگاه‌ها در خدمت ادامه شهرک‌سازی

به گزارش overland، خدمات علمی و تولیدوژیک به پروژه صهیونیستی به واسطه برخی رشته‌ها از قبیل تاریخ، باستان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات خاورمیانه ارائه می‌شود. این حوزه‌ها به‌ویژه باستان‌شناسی در زمینه ساخت وساز و شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارتی، باستان‌شناسی در کرانه باختری بیشتر از اینکه به عنوان تحقیقات دانشگاهی شناخته شود، یک فعالیت نظامی تلقی می‌شود. انتقاد از سکوت دانشگاه‌های اسرائیلی در مقابل حملات به فلسطینی‌ها در دنیا در حال گسترش است. شواهد نشان می‌دهد اعضای هیات علمی دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی به ندرت خود را درگیر مسائلی می‌کنند که به‌طور مستقیم به شرایط و مسئولیت‌های شغلی آنها مربوط نمی‌شود و این می‌تواند شرایط را دشوارتر کند.

اقدام علیه فلسطین؛ ماحصل ارتباط دانشگاه وارنش

دانشگاه‌های اسرائیلی نقشی حیاتی در توسعه حمایت‌های مادی و فکری نسبت به حملات علیه فلسطینی‌ها ایفا می‌کنند و این اقدامات ریشه‌ای تاریخی دارند. به‌عنوان مثال، اشغال کرانه باختری در سال ۱۹۶۳ در پردیس Givat Ram دانشگاه عبری طراحی شد. پس از تهاجم سال ۱۹۶۷ به کرانه باختری، دانشمندان علوم سیاسی، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان برجسته اسرائیلی در مطالعه‌ای در مقیاس وسیع در مورد سرزمین‌های تازه اشغال‌شده مشارکت کردند. امروز هم همکاری‌های پژوهشی میان دانشگاه‌ها و تولیدکنندگان سلاح‌های نظامی، آموزش عالی اسرائیل را محکوم به همکاری‌های صنعتی-نظامی کرده است. دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی در تأمین بخش اعظمی از درآمد به آموزش و بودجه‌های پژوهشی ارتش رژیم صهیونیستی متکی هستند. در این میان، به‌عنوان مثال، دانشگاه «بن‌گورین» با واحدهای لجستیک، دفاع سایبری، فناوری نیروی هوایی و واحدهای محاسباتی ارتش اسرائیل، همکاری نزدیک دارد و سربازان این رژیم را در زمینه مهندسی و علوم آموزش می‌دهد. آزمایشگاه رباتیک این رژیم، وزارت دفاع اسرائیل را به‌عنوان یک مشتری و محرک مهم برای امر پژوهش در کنار خود دارد. همچنین شرکت انتقال فناوری دانشگاه عبری موسوم به Yissum همکاری طولانی مدتی با شرکت لاکهید مارتین برای تولید جت‌های جنگنده دارد که به نوعی از توپخانه‌های ارتش رژیم صهیونیستی پشتیبانی می‌کند. درنهایت، آمارهای به‌دست آمده و همکاری‌های گسترده‌ای که دانشگاه‌ها با مراکز نظامی و دفاعی این کشور دارند، حکایت از آن دارد که روابط دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی با ارتش این کشور به‌طور مستقیم به حملاتی علیه فلسطین منتهی می‌شود.

درنشت بررسی اهداف و سیاست‌های نظام آموزشی رژیم صهیونیستی مطرح شد

علم امنیتی وامنیت علمی



زهرا رضانی خبرنگار گروه دانشگاه

نظام آموزشی ستون اصلی بنیان‌های اجتماعی در هر کشور است. درواقع دولت‌ها برای حفظ آرمان‌ها و جهت دهی به جامعه باید مفاهیم مورد توجه خود را از طریق نظام آموزش و پرورش به نسل جدید منتقل

در سیلیلی حدود ۴۰۰ هزار نفر و در عربستان ۲۷۰ هزار فلسطینی زندگی می‌کنند. اما کشور لبنان، اردن و سوریه به بیشترین تعداد آوارگان فلسطین را در خود جای دادند. هشت‌دهم یا ۸۰۰ هزار نفر از آوارگان فلسطینی نیز در سایر کشورها هستند. متوسط سال‌های آموزش رژیم صهیونیستی ۱۳٫۳، متوسط سال‌های مورد انتظار آموزش آن ۱۶٫۱ و هزینه ملی آموزش پرورش آن ۱۲۴٫۶ میلیارد است. نسبت (R&D) از ۵٫۶ GDP است که تقریبا بالاترین آمار در دنیا است. ۴٫۲ سهم از GDP فقط به پژوهش‌هایی که در آموزش عالی انجام می‌شود اختصاص دارد. اما سوال اینجاست با وجود ضعف‌های ذاتی مانند تهدیدات زیاد و جمعیت کم در این سرزمین، پیشرفت‌های زیادی در زمینه علم و فناوری و ارزشی این رژیم رخ داده و اسرائیل در بسیاری از جنگ‌ها مانند حزب‌الله لبنان و جنگ‌ها اخیر پیروز میدان بوده است، نظام آموزشی چه نقشی در شکل‌گیری این شرایط داشته است؟ هرچند تقریبا از جنگ ۲۳ روزه افسانه شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی زیر سوال می‌رود.

سرمایه‌گذاری در آموزش و پژوهش سیاست کلان صهیونیست‌هاست

رژیم صهیونیستی سه سیاست کلان دارد، یکی از آنها نفوذ در افکار عمومی جهان با استفاده از رسانه‌هاست. روایتی که در رابطه با رژیم صهیونیستی می‌شونم با روایتی که ما در پیام بسیار متفاوت است. لابی‌گری و نفوذ در نظام حکمرانی در غرب یکی دیگر از مواردی است که باعث این شرایط شده و آخرین مورد که بیشتر بر آن تمرکز می‌کنیم سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و پژوهش است. در سال ۱۸۶۹ یکی از خاخان‌های معروف به نام راشورون می‌گوید اگر طران‌نخستین ابزار ما در سیطره و حکومت بر جهان است بی‌تردید مطبوعات و روزنامه‌نگاری دومین ابزار ما خواهد بود. چهار بنگاه خبری مهم یونایتدپرس، آسوشیتدپرس، رویترز و خبرگزاری فرانسه معروف به یهودیان صهیونیسم یا متأثر از آنهاست. از این چهار خبرگزاری بیش از ۴۰ میلیون کلمه خبر منتشر می‌شود که در ظاهر مخابره خیر است اما آوارگان استفاده‌شده و رویکردی که دارند در ساختن افکار بسیار تاثیرگذار است. در روزنامه‌های نیویورک تایمز، واشنگتن‌پست، نیوزویک، دلی تیوز، استار، اکسپرس و شبکه‌های معروف سی‌ان‌ان، ان‌بی‌سی و سی‌بی‌اس در آمریکا نیز جزء رسانه‌های تحت نفوذ این رژیم هستند که درنتیجه هیچ‌گونه انتقاد یا تصویری مغایر چیزی که خودشان می‌خواهند به دنیا مخابره نمی‌شود. یعنی انسانی که در هند، مکزیک یا ژرانتین زندگی می‌کند چیزی از جنایات و تبعیضاتی که رخ می‌دهد را نه می‌بیند و نه می‌شنود. چطور ممکن است کشوری به قطعنامه آنتس پیش، خاتمه جنگ که اتفاق بسیار خوبی است رای منفی بدهد و آن را وتو کند؟ همچنین اسرائیل تنها کشوری است که آمریکا هیچ محدودیتی برای انتقال تکنولوژی نظامی به آن ندارد.

امنیت صهیونیست‌ها با علم تعریف شده است

رقم سهم تحقیق و توسعه از GDP نیز در اسرائیل بالاترین رقم در دنیاست که آمریکا، ژاپن و فرانسه نیز بعد از این کشور قرار می‌گیرند و کشورهای غربی مانند مصر، سوریه و عربستان در مقایسه با اسرائیل ارقام بسیار کمی را به این حوزه اختصاص داده‌اند. اما یک سری اصول برای سیاستگذاری‌های علمی و فناوری توسط رژیم صهیونیستی پیگیری می‌شود که سعی می‌کنم که به آنها بپردازم. آنها امنیت خود را بر پایه علم بنا کرده‌اند و معتقد بودند که اگر اسرائیل بتواند از نظر علمی، تکنولوژی و کشاورزی قدرت برتر باشد می‌تواند تهدید‌های امنیتی که متوجهش است را به عنوان موجودیتی که تحت محاصره دشمنانش است حفظ کند که امروزه شما این را می‌بینید. در سامانه‌هایی که ایجاد کرده، هرچند در اتفاقات اخیر ضعف آنها مشخص شد اما ملاحظه می‌کنید که تا حدود زیادی توانسته است بازدارندگی داشته باشد. در بحث کشاورزی و دستاوردهایی که در این زمینه از طریق تحقیقات و پژوهش مرتبط با این حوزه کسب کرده، کشاورزی دانش بنیان اسرائیل تقریبا یکی از برترین‌ها در دنیاست که این مساله برای تامین نیازمحتاج اولیه مردمی که در این سرزمین‌ها زندگی می‌کنند بسیار اهمیت دارد.

بنابراین امنیت خود را با علم تعریف کرده است. توسعه هدفمند آموزش عالی است که در ۱۹۱۳ موسسه آموزش عالی، دانشگاه عبری بیت المقدس با اسم بین‌المللی دانشگاه عبری اورشلیم در سال ۱۹۱۸، دانش سرای مهندسی تطبیقی در ۱۹۲۲ و دانش سرای عالی واپرمن که جزو ۱۰۰ دانشگاه برتر دنیا است در سال ۱۹۲۵ یعنی حدود ۲۰ سال قبل از موجودیت شکل گرفته است. تلفیق علم و فناوری که بتوانند از این تکنولوژی‌ها برای توسعه استفاده کنند. یکی دیگر از رویکردهایشان ارتباط با مراکز علمی دنیاست. تقریبا اکثر موسسه‌های علمی که در سرزمین‌های اشغالی فعالیت می‌کنند با تعدادی از انجمن‌ها و موسسات علمی در دنیا مخصوصا آمریکا و آلمان در ارتباط هستند و فعالیت‌های مشترک علمی و پژوهشی که منجر به مقالات و ثبت پتنت‌های مشترک می‌شود دارد.

نهضت ترجمه آثار علمی به زبان عبری

در بسیاری از موسسات و انجمن‌های علمی و سازمان‌های بین‌المللی معمولا یکی دو نفر متخصص با وابستگی دانشگاه‌های اسرائیل می‌بینید. تلاش زیادی می‌شود که مهاجران ذوب شوند و احساس جدایی نکنند. می‌دانید که یهودیان در سراسر دنیا پراکنده بودند و زبان‌ها و پیشینه آنها با یکدیگر متفاوت بود اما تا به امروز نیز برای دانشمندانی که مهاجرت کردند سیاست‌های حمایتی وجود دارد. در جریان اخیر صحنه‌هایی از تل‌آویو را دیدیم که افرادی از سراسر دنیا باگشنگند که جنگ کنند و خودشان معتقد هستند تنها سرزمینی که اشخاص در مواقع جنگ به جای اینکه از آن خارج شوند برمی‌گردند برای جنگیدن سرزمین‌های اشغالی است و این را به عنوان مزیت و تعلق می‌دانند.

یک نهضت ترجمه آثار علمی در رژیم صهیونیستی وجود دارد که سعی می‌کنند آخرین یافته‌های علمی را به زبان عبری در اختیار دانشمندان قرار بدهند. دانشمندان را به کشورهای مختلف اعزام می‌کنند و سالانه هزار فرصت برای حضور دانشمندان از کشورهای مختلف با مزایا و امکانات در اسرائیل فراهم می‌کنند. یکی دیگر از سیاست‌های آنها حضور علمی در

کنند تا به مرور طرز تفکر وکنش‌های جامعه نیز همراه با حاکمیت کشوری باشد و از ایجاد شکاف بین دولت و مردم جلوگیری شود. این همان مسیری است که آموزش عمومی رژیم صهیونیستی طراحی کرده و در حال پیاده‌سازی است تا آن‌گونه که رضوان حکیم‌زاده، عضو هیات علمی دانشگاه تهران روایت می‌کند، نسل آینده این رژیم هم لریز از خشونت و جنگ طلبی باشد.

مجامع جهانی است، زیراوقتی اشخاص در کنفرانس علمی در سطح جهان شرکت می‌کنند و شما می‌بینید که فردی از دانشگاه رژیم صهیونیستی است چهره دیگری از این کشور متبادر می‌شود ووجه علمی خود را نشان می‌دهند. من نیز در چندین کنفرانسی که شرکت کرده‌ام حضور اسرائیلی‌ها را دیده‌ام.

سرنوشت رژیم صهیونیستی وابسته به دستگاه آموزش و پرورش است

در قسمت بعدی می‌خواهم به تربیت صهیونیستی بپردازم. در هر سرزمینی آموزش، ستون اصلی بنیان‌های اجتماعی است. حالا شما تصور کنید می‌خواهید کشوری ایجاد کنید که آن کشور موجودیت ندارد، ساکنانی را می‌خواهید به این کشور بیاورید که در کشورهای مختلف زندگی می‌کنند و زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت دارند. به همین دلایل باید اتفاقی رخ دهد تا بین این افراد تعلق صورت بگیرد. اینجاست که نقش آموزش و پرورش به عنوان ابزار مهم و کلیدی خود را نشان می‌دهد، یعنی زمانی که این امر برنامه‌ریزی شده توسعه آموزش عالی مدنظر بوده و اینکه چگونه می‌توان از آموزش به عنوان ابزار استفاده کرد. در دیدگاه بنیانگذاران رژیم صهیونیستی آموزش و پرورش نقش حیاتی داشته برای اینکه یک نسل یهودی و سرزمین صهیونیستی با ایده سرزمین- ملت ایجاد شود و حالا این مساله پیش آمده که چگونه این کار را انجام دهیم. بر فرض که برخی افراد را راضی کردیم به سرزمینی مهاجرت کنند و ساکنان آنجا را بیرون و زمین‌ها را تصاحب کنیم اما چگونه پس از آن ملت‌سازی کنیم؟ هرگز وگ در یادداشت‌های روزانه اشاره می‌کند که برای این هدف یکی از ابزارهای ما آموزش است و حتی می‌گوید سرودهای ملی و مذهبی و نمایش‌های قهرمانانه می‌توانند در ساختن این نسل به ما کمک کنند. کوهن در کنگره بیست‌وسوم صهیونیست ۱۹۵۱ میلادی می‌گوید سرنوشت اسرائیل وابسته به دستگاه آموزش و پرورش است تا بتوانند این بنیاد را محکم کند و تدام ببخشند. بن‌گوریون، اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۵۶ تأیید می‌کند که اگر ما بخواهیم آینده‌ای برای این تشکیلات متصور شویم باید آموزش و فرهنگ علمی را در دستور کار خود قرار دهیم و بدون اینکه همه اشخاص این را یک وظیفه شخصی تلقی کنند، آینده‌ای نخواهیم داشت. بحث آموزش تورات را به عنوان منبیهی که خاستگاه، ریشه‌ها و عزمت یک فرد یهودی را به او یادآوری می‌کند ضروری می‌داند تا بتواند ارتباط همه افرادی که از هر جای دنیا می‌آیند با پادشاهی اسرائیل تضمین و سوال می‌کند که چه چیزی یهودیت را حفظ می‌کند، در پاسخ به آموزش و تربیت عبری اشاره می‌کند.

وزیر آموزش و فرهنگ سابق اسرائیل حامر می‌گوید که استواری ما در برابر چالش‌های بزرگی که با آن مواجه هستیم، این است که ما بتوانیم آموزشی ناسیونالیستی داشته باشیم که آموزش معنوی یهودیان را دربربگیرد. مدل تربیتی که کودکان با میل رغبت خودشان نه به اجبار درگیر آن شوند و نظام آموزش و پرورش باید چالش‌های بزرگ اسرائیل را برعهده بگیرد. اهداف نظام آموزش رژیم صهیونیستی تعمیق آگاهی یهودی- صهیونیستی، آموزش ارزش‌های وطن‌پرستانه یا ناسیونالیستی یهودی- صهیونیستی، توجه به نقش زبان عبری در جهت حفظ، احیا و تعمیق میراث یهودی در میان دانش‌آموزان اسرائیلی، تثبیت ریشه‌های جوانان اسرائیلی در گذشته قوم یهود و میراث تاریخی آنها و ایمان داشتن به مفوله‌ای که بنیانگذاران اولیه بیان کردند، یعنی «ما قوم برتر و صاحبان اصلی حق هستیم». معرفی پیشگامان و بنیانگذاران به عنوان الگوهای مناسب توجه شود.

در قسمتی از کتابی که من ترجمه کرده‌ام، اشاره می‌شود به بن‌گوریون که او در نوجوانی خود با سختکوشی در یک مزرعه کار می‌کرد، این کتاب به‌حالت داستانی همه الگوها را معرفی می‌کند. دلبستگی به سرزمین، اینکه جامعه‌ای را می‌توان به عنوان جامعه واحد تصور کرد که مهاجران یهودی به آن دلبسته و وابسته باشند و مساله‌ای تحت عنوان دین کار، دینی که به کار بسیار بها می‌دهد. در قسمتی از این کتاب تصویری که از اعراب و فلسطینی‌ها به دانش‌آموزان اسرائیلی داده می‌شود درمقابل تصویری که راجع به یهودیان است، کاملا متفاوت است، بسیار اشاره می‌کند که یهودیان سختکوش بودند و کار می‌کردند درحالی‌که اعراب تنبل استراحت می‌کردند و این مساله درکنار دیگر صفاتی است که اعراب را با آنها معرفی می‌کند، مانند اینکه آنها بسیار وحشی، بی‌رحم، نامرتب و... هستند و به‌طورکلی مقایسه این دو که انسان یهودی سختکوش و شجاع است و عرب انسان تنبل راحت طلبی است. به عنوان مثال در متن یکی از این کتاب‌ها بیان می‌کند که گروه نگهبان از شهرک‌نشینان در برابر اعراب دزد و وحشی حمایت می‌کنند. اعضای این گروه افرادی ممتاز هستند و ساکنان عرب آنها را به عنوان افرادی با اقدار نگاه می‌کردند. به نظر می‌رسد اعراب از این افراد حتی روش لباس پوشیدن را آموخته‌اند. از این نمونه‌ها بسیار زیاد است. همچنین به اینکه کار کردن یک ارزش است بسیار تأکید می‌شود. طبق آمار رسمی که خود صهیونیست‌ها منتشر کرده‌اند، ۲۵ هزار مهاجر وارد سرزمین‌های اشغالی شده‌اند و حق مهاجرت نیز برای یهودیان سراسر دنیا محفوظ است. توسعه‌آمدگی نسل‌های اسرائیلی- یهودی برای توسعه اشغال، خشونت و نفرت از اعراب که خودشان را معادل نجات زمین می‌دانند. تأکید بر احساس اضطراب و تنش برای دستیابی به تدام احساس آزار و اذیت برای نسل‌های مختلف یهودی، به این دلیل که افراد بدانند تنها جایی که می‌توانند احساس امنیت داشته باشند فقط داخل این سرزمین است.

نژادپرستی و تبعیض در آموزش و پرورش اسرائیل وجود دارد

نشان دادن برتری فرهنگ عبری برای ایجاد حس تمایز و برتری تا مردم به این سرزمین موعود بازگردند. تعریف و کمرنگ کردن وجه عرب‌ها و نشان دادن سوپرمن اسرائیلی که شکست‌ناپذیر است. شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی مهم‌ترین مساله‌ای که باعث خصیانت زیاد هیات‌حاکمه رژیم صهیونیستی شده این است که افسانه شکست‌ناپذیری امنیت و نیروی نظامی که سال‌ها بر آن تأکید می‌کردند برای اولین بار با خروج از جنوب لبنان که در سال ۱۹۸۲ اشغال کرده بود را تجربه می‌کند و پس از آن در جریانات اخیر

چندی پیش انجمن علمی علوم تربیتی دانشگاه تهران در نشستیی با موضوع بررسی اهداف و سیاست‌های نظام آموزشی رژیم صهیونیستی به بررسی ابعاد مختلف آموزش عمومی و آموزش عالی این رژیم پرداخته بود. متن حاضر گزیده‌ای از سخنرانی رضوان حکیم‌زاده، استاد دانشگاه تهران است که در این نشست ارائه شد.

فلسطین مهم‌ترین شکست نظامی و امنیتی آن اتفاق افتاد. پژوهش‌ها و گزارش‌های متعددی را مجددا مرور کردم که برخی از آنها در هارتس که روزنامه کثیرالانتشار اسرائیل است منتشر شده و سازمان حقوق بشر گزارش داده است که به شدت تبعیض و دوگانگی وجود دارد که این تبعیض هم در کتاب‌های درسی آموزش داده می‌شود. سیستم مدارس عرب از مدارس یهودی جداست. متونی که تدریس می‌شود حتما باید توسط اسرائیلی‌ها تأیید شود. حتی برای عرب‌ها و فلسطینی‌های سرزمین ۱۹۴۸، و در واقع این مقوله‌ای از پژوهش‌هاست که اشاره می‌کند نژادپرستی و تبعیض هنوز در آموزش و پرورش اسرائیل وجود دارد. بسیاری از این پژوهش‌ها در سال ۲۰۲۰، ۲۰۲۱ منتشر شده است و قدیمی نیست. سیاست‌های نژادی را در برنامه‌های درسی خود پیگیری می‌کنند؛ یعنی از طریق محتوای آموزش‌ها برتری قوم یهود نشان می‌دهند و حفظ این قوم را جزء واجبات دینی می‌دانند. معتقدند این سرزمین هیچ‌گاه یکپارچه نمی‌شود مگر اینکه اورشلیم، پایتخت ابدی باشد. زیرا بیت المقدس شرقی و غربی داریم و در بیت المقدس شرقی حدود ۲۷۰ هزار عرب زندگی می‌کنند که به بهانه‌های مختلف هراژگاهی شهرک‌نشینان یهودی به آنها حمله می‌کنند و به دنبال این هستند که مردم را از این سرزمین به‌کلی بیرون کنند.

اعتقاد به اینکه ما به دنبال معبد سلیمان هستیم. یک کشور تاریخی وجود داشته که از ما گرفته شده و ما بعد از سال‌ها آن را پس گرفته‌ایم؛ ایجاد دولت یهودی و خالص برعکس تمام ادعاهایی که در رابطه با کتشر در حوزه بین‌المللی و حقوق بشری می‌شود که نباید توجهات دینی مبنای تشکیلات گروه‌ها، دولت‌ها باشد. دقیقا ما هستیم که وقتی بحث در دولت مطرح می‌شود، مشکل این است که چرا دو دولت؟ و یکی از چالش‌هایی که باعث این مساله به نتیجه نرسد این بود که اسرائیل می‌گفت که ما یک دولت یهودی خالص داشته باشیم، که اگر نخواهد این اتفاق رخ دهد یک میلیون و ۸۰۰ هزار عرب مسیحی و مسلمانی که در سرزمین‌های لغلی ۱۹۴۸ زندگی می‌کنند همه باید خارج شوند و به سرزمین‌هایی که مخصوص عرب‌هاست مهاجرت کنند. جدیدترین قانون نژادپرستانه قانون دولت، ملتی است که در جولای ۲۰۱۸ تصویب شد و بیان می‌کند برتری یهودیان و تحقق تعیین سرنوشت این در کشور اسرائیل منحصر به یهودیان است و دولت استقرار یهودیان را ضروری می‌داند و برای آن تلاش می‌کند.

خشونت در ادبیات صهیونیست‌ها

حق طبیعی محسوب می‌شود

اما سوالی که مطرح می‌شود و این روزها زیاد شنیدم. بله آموزش و پرورش اینها را بار آورده، شما صاحب حق هستید، حق‌تان گرفته شده، کسانی که اطراف شما هستند ارزشی برای زنده ماندن ندارند. اما یکی دیگر از مواردی که باید به آن اشاره کنیم این است که چطور این سرباز می‌تواند به این اندازه از جنگ و خونریزی راضی شود؟ یکی از ابزارهایی که بسیار به‌کار گرفته شده، شما می‌بینید که ادبیات صهیونیستی خشونت را به عنوان حق طبیعی برای یهودیان درنظر می‌گیرد، برای مثال در یکی از شعرهایی که در یک روزنامه کثیرالانتشار به نام معارف- در زمانی که اسرائیل حمله و جنوب لبنان را اشغال کرد- منتشر شد، آمده‌که من اگر فرمانده سپاه بزرگ‌مان بودم، مرگ و ویرانی را در تمام مزرعه‌ها، خیابان‌ها، کلیساها و مساجد می‌ساختم. در قسمت بعد می‌گوید که اگر من فرمانده ارتش بزرگ بیروتی که محاصره شده بودم، در برابر تمام کسانی که می‌گویند آب را باز کنید و داد می‌زنند که دوا و خوراکی را به مردم آنجا برسانید، فریاد می‌کشید و اجازه این کار را نمی‌دادم. وقتی این اشعار را می‌بینیم، متوجه می‌شویم صحنه‌هایی که ما می‌بینیم برای جوانانی که با این ادبیات نژادپرستانه بار آمدند، مساله خاصی نیست و عادی است.

آموزش و پرورش رژیم صهیونیستی

نسل جنگ طلب تربیت می‌کند

جمع‌بندی پایانی من این است که برای اینکه افراد پراکنده‌ای از سراسر جهان تبدیل شوند به سرزمینی که احساس حق کنند، آموزش و پرورش ابزاری بسیارمهم بوده است. سه روشی که برای تدام آن به‌کار گرفته‌شده، تربیت صهیونیستی، آموزش‌های دینی و زبان عبری است که به عنوان نخ تسبیح به آن اشاره می‌کنند. پیش‌بینی من در پژوهشی که ۱۶ سال پیش داشتم، این بود که ارتباط بین سیاست، حکومت و آموزش و پرورش ارتباطی بسیار قوی و تنگاتنگ در جهت تحکیم ساختار موجود دولت رژیم صهیونیستی است و آموزش و پرورش به عنوان وسیله‌ای در اختیار سیاستمداران صهیونیست برای تثبیت شرایط امروز است. در این رابطه می‌توان انتظار داشت نسل پرورش یافته از نظام آموزشی اسرائیل تنها اعتقادی به صلح نخواهند داشت، بلکه جنگ را جزئی از حیات طبیعی خود برای دستیابی به اهداف مقدس یهودی و صهیونیستی می‌دانند، علی‌رغم اینکه درمورد ماهیت سکولار و تکثرگرای دولت اسرائیل بیان می‌شود که برخی کشورهای غربی نیز معتقدند تنها کشور دموکراسی خاورمیانه است. آموزش و پرورش این رژیم وسیله‌ای مهم در جهت تحکیم مبانی اعتقادی و دینی یهودیان و اصول صهیونیستی است. با توجه به گسترش روحیه نظامی‌گری در سیستم آموزشی و نهادینه کردن نژادپرستی و تحقیر فلسطینی‌ها و عرب‌ها در برنامه‌های درسی نمی‌توان پذیرفت که نظام آموزشی این رژیم ماهیتی تکثرگرا و چند فرهنگی دارد. رژیم صهیونیستی با تشدید نابرابری در سیستم آموزشی اعراب و عدم تخصیص امکانات و تجهیزات لازم عملا از طریق نظام آموزشی همان کاری را انجام می‌دهد که از طریق محاصره نظامی و اقتصادی در کرانه باختری و نوار غزه دنبال می‌کند و اهداف، مفاهیم و جهت‌گیری نظام آموزشی رژیم صهیونیستی مخالف نقش اساسی تعلیم و تربیت به عنوان عامل اصلی برای گسترش تفاهم، محبت، برادری، صلح و ارزش‌های اخلاقی است. درواقع حرف ما در آن پژوهش ۱۶ سال پیش این بود که آموزش و پرورش اسرائیل نسل‌هایی جنگ طلب را تربیت می‌کند که نه تنها به یک جامعه تکثرگرا کمک نمی‌کند، بلکه به نژادپرستی نیز دامن می‌زند. امروز پس از ۱۶ سال در سال ۲۰۲۳ در آستانه بحرانی که همه ما ابعاد آن را می‌بینیم و کشتار فجیع کودکان، آسکارا همان حرفی را می‌شنویم که ۱۶ سال پیش زده شد.



شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲



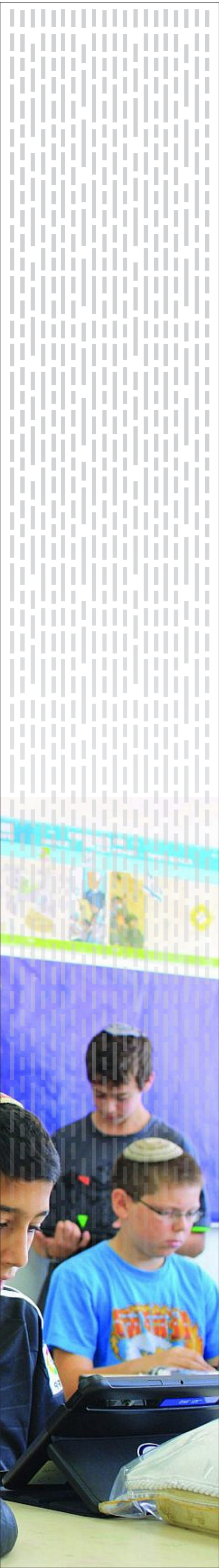
شماره ۳۹۹۸



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY



شکست غول سانسور از غزه



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

استفاده از ابزار ادبیات برای رساندن صدای فلسطین و روایت آنچه در جریان اشغال اتفاق می افتاد، پیش از فراگیر شدن پلنفرم های اجتماعی نقش موثری در رساندن صدای مردم فلسطین به جهانیان داشت. حالا این روزها نسل جدید فلسطینی ها برای رساندن روایت فلسطین به گوش جهان از پلنفرم های شبکه اجتماعی نیز درکنار آن استفاده می کنند. ابزاری که اگرچه با فشار صهیونیست ها برای اعمال محدودیت بیشتر در شبکه های اجتماعی همراه شده اما همچنان توانسته تاثیر قابل توجهی را که فلسطینی ها برای استفاده از این ابزار در افکار عمومی دنیا گذاشته اند، متوقف کند.

■ **قصه شکست صهیونیست ها در جنگ افکار عمومی**

از روزهای ابتدایی عملیات طوفان الاقصی، به این موضوع اشاره کرده ایم که صهیونیست ها علی رغم تلاش هایی که برای مظلوم نمایی کرده اند در میدان جنگ افکار عمومی، عملا بازی را باختند. روایت دقیق، درست و سریعی که رسانه های وابسته به مقاومت ارائه می دادند، باعث شد افکار عمومی دنیا که شاید پیش از این نسبت به مساله فلسطین و اسرائیل خشنی بودند و آن را در اندازه مشکلی می دانستند که خاورمیانه با آن سروکار دارد، حالا در واکنش به آنچه در نوار غزه اتفاق می افتاد، به چشم نسل کشی و اقدام علیه انسان ها نگاه کنند که نتوانند از کنار آن بی واکنش عبور کنند؛ آنچه این روزها پیش از گذشته به چشم می خورد و در تغییر معادله جنگ به نفع فلسطینی ها نقش جدی داشته است. استفاده فلسطینی ها از مدیا و شبکه های اجتماعی برای روایت آن چیزی بود که در نوار غزه اتفاق می افتاد. اگر از فعالیت رسانه ها و خبرنگارهای رسمی مثل الجزیره عبور کنیم، کاربران عرب زبان و خصوصا خبرنگاران و فلسطینی های ساکن در نوار غزه، با فعالیت در شبکه های اجتماعی مثل توئیتر، اینستاگرام و تیک تاک روایت های میدانی و دقیقی از آنچه در سرزمین های اشغالی و نوار غزه اتفاق می افتاد، منتشر می کردند. ادامه همین فعالیت ها منجر شد دیگر کاربران شبکه های اجتماعی نیز با این اتفاق همراه شوند و پوشش هایی در این رابطه به باره بیفتد، که پوشش اخیر تیک تاک، ازجمله این موارد است. نقش موثر و مثبتی را که بلاگران و خبرنگاران فلسطینی، برای روایت اتفاقات اخیر در ماجرای طوفان الاقصی ایفا کردند، نمی توان تنها منحصر به این روزها دانست، بلاگرها و خبرنگاران فلسطینی همواره و درطول این سال ها، فعالیت در این بستر را به شکلی جدی دنبال کرده اند و جزئی ترین روایت ها را درباره آنچه در سرزمین های اشغالی اتفاق می افتاد، منتشر و بر این مبنا به مرور مخاطبان خود را پیدا کرده اند.

■ **بایکوت روایت فلسطینی ها در شبکه های اجتماعی؟**

نکته ای که همواره ناظر به این فعالیت ها مورد توجه قرار داشته، محدودیت هایی است که در این بسترها متوجه این کاربران شده است. در شبکه اجتماعی ایکس (X) اگرچه در روزهای ابتدایی ایلان ماسک صاحب این پلنفرم، همراه با جوی که در این پلنفرم اتفاق افتاده بود، موضوعی به نفع مردم فلسطین گرفت اما در چند روز اخیر محدودیت هایی در این شبکه اجتماعی برای فعالیت کاربران اعمال شده، ازجمله اینکه میزان بازدید و پسندهای مرتبط با موضوع فلسطین، کاهش قابل توجهی داشته تا آنجا که با اعتراض کاربران همراه شده، شبکه اجتماعی ایکس در روزهای اخیر حساب های مرتبط به فعالیت کاربران، ازجمله حساب الله لبنان را پاک کرده است. این محدودیت ها شامل اینستاگرام هم شده و در چند روز اخیر کاهش بازدید استوری های مرتبط با موضوع فلسطین، عدم نمایش پست های مرتبط با این موضوع به کاربران و بستن پیج های پرطرفدار مقاومت نیز ازجمله محدودیت های این پلنفرم های پرکاربر بوده است. اگرچه این محدودیت ها انتشار اخبار مرتبط با غزه را با چالش مواجه کرده است، اما می توان گفت حالا دیگر کاربران و فعالان فلسطینی می دانند چطور در این پلنفرم ها فعالیت کنند که هم مشمول محدودیت ها نشوند و هم از این پلنفرم ها برای روایت آنچه در غزه اتفاق می افتد، استفاده کنند. علاوه بر این در چند روز اخیر و همزمان با آغاز عملیات زمینی نیروهای صهیونیستی، اپل و گوگل اعلام کردند نقشه های ترافیکی آنلاین در سرزمین های اشغالی و غزه را غیرفعال کرده اند. این امری بود که گفته می شد برمیانی خواست نیروهای رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. بلومبرگ به نقل از یکی از منابع خود اعلام کرده بود که «گوگل برای همراهی با درخواست نیروهای دفاعی اسرائیل ترافیک زنده و آتی را در نقشه غیرفعال کرده است و اسرائیل این درخواست را به این دلیل ارائه داده که این ویژگی می تواند، تحرک نیروهایشان را آشکار کند.» اقدامی که اپل نیز آن را انجام

داد و ترافیک زنده را از منطقه حذف کرد. نگاهی به این محدودیت ها در بستر پلنفرم ها و شبکه های اجتماعی که اگرچه خیلی فراگیر نبوده اند، این گزاره را تقویت می کند که صهیونیست ها برای جلوگیری از منفی تر شدن فضای افکار عمومی دنیا به دنبال اعمال فشار بر صاحبان این شرکت ها هستند اما در میدان واقعیت اتفاق چشمگیری مطابق با خواست آنها رخ نداده است. در سمت دیگر ما ماجرا اما همواره این ایده مطرح می شود که با توجه به اینکه این پلنفرم ها در اختیار شرکت های آمریکایی قرار دارد که امکان محدود کردن محتوا را دارند، پس این سکوها بسترهای مناسبی برای فعالیت نیستند. برای بررسی بیشتر این موضوع و میزان محدودیت های اعمال شده در شبکه های اجتماعی پیرامون اتفاقات غزه با پوری آسترکی، کارشناس فضای مجازی گفت وگو کرده ایم که در ادامه می خوانید.

■ شبکه های مربوط به شرکت متا بیشترین محدودیت اعمال شده را داشتند

آسترکی در ابتدا به بررسی اجمالی از محدودیت های شبکه اجتماعی پرداخت و بیشترین محدودیت ها را متوجه پلنفرم های مربوط به شرکت متا دانست و گفت: «اگر بخواهیم سه چهارم شبکه اصلی اجتماعی را از منظر میزان کاربر بررسی کنیم، می توان گفت اتفاقاتی که در شبکه های مربوط به شرکت متا مثل فیس بوک و اینستاگرام دیده شده است، به نسبت بیشترین محدودیت اعمال شده را داشتند و صفحات پربیننده مربوط به مقاومت فلسطین، حذف شده و صفحاتی که اتفاق مربوط به حماس هم نبوده و رسانه ای بوده که ارتباط سازمانی و ایدئولوژیکی با حماس نداشته است، اما چون اخبار فلسطین را پوشش می دهد صفحه اش حذف شده است. برای مثال یکی از محدودیت ها این است که هشتگ فلسطین سانسور شده است؛ در چند روز اخیر در اینستاگرام که عبارت فلسطین را سرچ می کردید، نمی توانستید پیدا کنید. اینها نمونه کارهایی است که در فیس بوک و اینستاگرام انجام می شود. در توئیتر به نسبت محدودیت ها کمتر بوده است. فکر می کنم اگر چیزی را توئیتر مسدود هم کرده باشد، صفحات سازمانی و رسمی حماس یا کاربهای سازمان یافته حماس باشد که بعضا دچار محدودیت شده باشند، اما در اظهار نظر و حمایت از اسم فلسطین و حماس کمتر یا اصلا محدودیتی ایجاد نشده است. شبکه تیک تاک ظاهرا محدودیت آنچنانی نداشته و کمپین مفصلی در حمایت از فلسطین با استفاده از تم پرچم این کشور و سرود و این موارد به راه افتاد، این شامل فعالیت شبکه های اجتماعی است.»

■ سانسور اطلاعات در ابزارهای هوش مصنوعی مشهود است

آسترکی علاوه براین به محدودیت هایی که پیرامون مساله فلسطین در هوش مصنوعی دیده شده اشاره کرد و آن را خطرناک دانست و گفت: «در دسترسی به داده های وب تا آلان ابزار اصلی جست وجو، گوگل بوده است و شما با دسترسی به گوگل می توانستید به هر ابزاری دسترسی پیدا کنید، معمول آن این بود که گوگل به جز در مواردی که مساله کیی رایبیت یا چند موضوع خیلی خاص مثل جرایم سازمان یافته خیلی جدی، جرم و جنایت ها، آدم ربایی، سوء استفاده از کودکان و این طور موارد مطرح باشد، سانسوری در جست وجو اعمال نمی کرد. برای همین ما در وب ۲ که همان موتورهای جست وجو هستند، ابزاری داریم که می توانیم با آن دسترسی قابل قبولی به اخبار و اطلاعات داشته باشیم. در فاز جدیدتر وب ابزارهای هوش مصنوعی، مثل bard google ، chat GPT، یک ابزار مهم برای دسترسی به اطلاعات هستند، این ماجرا خیلی خطرناک می کند. ببینید در شبکه های اجتماعی، در وب و وبلاگ ها کاربران و مردم دنیا می توانند آزادانه مطالب مورد نظر خود را منتشر کنند و این مطالب در موتورها و سیستم های جست وجوی داخل شبکه ها، دسته بندی می شود و در دسترس کاربران قرار می گیرد. بنابراین یک چرخش آزاد اطلاعات به معنای نسبی کلمه در وب وجود داشته است. با شیوع هوش مصنوعی اگر بخواهیم بدانیم داستان یک روایتی چیست، هوش مصنوعی ما را به جواب های متعدد نمی رساند و یک جواب در اختیار ما می گذارد. ماست سفید است یا سیاه؟ ماست سفید است. گردش اطلاعاتی که هوش مصنوعی فراهم می کند، خیلی صفر و یکی تر است. این چند وقت که من با هر دو ابزار هوش مصنوعی کار کردم و سوالاتی درباره فلسطین یا مقاومت و اسرائیل و اشغال پرسیدم، در اکثر موارد هوش مصنوعی از ارائه پاسخ ظرفه می رفت و درواقع پاسخی ارائه نمی دهد و می گوید من یک مدل زبانی هستم که در این مورد اطلاعاتی ندارم. به طور خیلی واضح سانسور اطلاعات در ابزارهای هوش مصنوعی مشهود است و این اتفاقا اینده را از نظر دسترسی به اطلاعات ترسناک می کند، چون سامانه مرکزی هوشمندی وجود دارد که این تصمیم را می گیرد که کاربر به چه اطلاعاتی دسترسی پیدا کند. الگوریتم موتور جست وجوی



گوگل هم در دسترسی به اطلاعات تاثیرگذار است، اما به نسبت تاثیر بسیار کمتری برای محدودیت دسترسی کاربر به اطلاعات دارد و بالاخره کاربر به اطلاعاتی دسترسی پیدا خواهد کرد.»

این کارشناس فضای مجازی در ادامه به محدودیتی که در هوش مصنوعی ضمن تحقیقی درباره فلسطین برخورد کرده اشاره می کند و توضیح می دهد: «در همین مدت من تحقیقی درمورد مسائل فلسطین انجام می دادم و اطلاعات مفصل و کاملی از طریق گوگل در اختیار من قرار گرفت ولی اگر می خواستم همان اطلاعات را از طریق هوش مصنوعی به دست بیاورم، هوش مصنوعی اطلاعات مورد نیاز را به من بر نمی گرداند با وجود اینکه اصلا سوال این نبود که حماس تورویست است یا نه و نمی خواستم موضوعی در حمایت یا مخالفت از حماس مطرح کنم. اصلا وارد این مصادیق اختلافی بین غرب نشدم و سوالاتم از فلسطین درباره هوش مصنوعی بوده است اما یا جواب هایی بی ربط یا سانسور شده می داد یا اصلا جوابی نمی داد.»

■ نسبت به محدودیت های هوش مصنوعی حساسیت کمتری وجود دارد

وی علت اینکه این محدودیت ها چندان مورد توجه قرار نگرفته را فراگیرنشدن آن دانسته و توضیح می دهد: «بایکوت در هوش مصنوعی خیلی بیشتر و ترسناک تر بوده است و علت اینکه محدودیت ها خیلی دیده نشده است این بوده که هنوز کاربران کمی با هوش مصنوعی کار می کنند و خب در همین ایران ما ۴۰ میلیون کاربر در اینستاگرام فعالیت می کنند و اگر اتفاقی در اینستاگرام بیفتد همه ما خیلی سریع واکنش نشان می دهیم و حساسیت بیشتری به آن داریم. اما در هوش مصنوعی چون هنوز ابزارهای پرسش و پاسخ آن خیلی فراگیر نشده است شاید کمتر به آن توجه شده است. ولی من می خواهم بگویم که مصادیق مختلفی وجود دارد که نشان می دهد ابزارهای هوش مصنوعی چقدر کنترل شده به ما اطلاعات می دهند و این برای دسترسی ما به اطلاعات، معرفت و آگاهی در آینده ترسناک خواهد بود. چون سیستم های متمرکز و هدایت شده ای هستند و فقط مساله فلسطین نیست، یعنی وقتی معرفت شما با سیستم متمرکز هدایت می شود در موارد دیگر هم این اتفاق می افتد. درمورد قضایای سلیقه ای تر هم این اتفاق می افتد، مثلا نگاه من به محیط زیست ممکن است با نگاه فرد دیگری تفاوت کند، کافی است که هوش مصنوعی تصمیم بگیرد یک نگاه تندروانه محیط زیستی داشته باشد، شرایط متفاوت می شود، بشر به سمت دیگری حرکت خواهد کرد. همین نکته ای که ایلان ماسک دو سه روز پیش مطرح کرد در همین راستا بود که اگر افرادی که نگاه تندروانه در حفاظت از محیط زیست و مساله محیط زیستی دارند کنترل هوش مصنوعی را به دست بگیرند بشر ممکن است به سمت انقراض حرکت کند چون تصمیماتی که در هوش مصنوعی ساخته می شود، تصمیماتی است که می تواند با توسعه جامعه انسانی و میزان زاد و ولد الگویی جامعه انسانی در تضاد و خلاف کامل بشریت باشد؛ این نکته مهمی است. چون نسبت به فضایی که هوش مصنوعی نسبت به دسترسی مردم به اطلاعات ایجاد می کند، از یک سو یک ابزار بسیار راهگشا، مفید، کاربردی و پرسرعت است و از سوی دیگر



می تواند به سادگی هدایت پذیر و متمرکز باشد. از منظر بحث فلسفی و نسل جدید هم وب اتفاقی که درحال وقوع است، از یک طرف هوش مصنوعی را داریم که یک ابزار متمرکز است و از طرف دیگر بلاک چین را داریم که یک ابزار غیرمتمرکز است. من فکر می کنم، جدال هایی بین افرادی که فناوری و دانش را جلو می برند رخ دهد.»

■ مهم ترین و تنها ابزار برای روایت ماجرای فلسطین همین شبکه های اجتماعی است

آسترکی در ادامه با توجه اینکه در مواقعی که محدودیت های این پلنفرم ها تشدید می شود، ادعاهای مبنی بر عدم حضور در این پلنفرم مطرح می شود نیز گفت: «یک دیدگاه و گروه خاص در ایران وجود دارد که نه تنها درک درستی از رسانه و ابزارهای آن ندارد که اتفاقا دشمن رسانه است و دشمن دسترسی به اطلاعات است. اگر بخواهیم عملکردیانه به ماجرانگاه کنیم، می توانیم این سوال را مطرح کرد که چه رسانه ای بالاتر از اینستاگرام، توئیتر و تیک تاک، برای واکنش نشان دادن نسبت به اتفاقات فلسطین وجود دارد؟ مهم ترین و تنها ابزار ما این شبکه های اجتماعی است. مجموع فعالیت های تمام شبکه های تلویزیونی، سایت های خبری و روزنامه ها، در شورا ندن و تهییج مردم دنیا به حمایت از فلسطین، روی هم به اندازه توئیتر کارایی نداشته است و این یک واقعیت است. بنابراین وقتی ما از این صحبت می کنیم که در شبکه های اجتماعی فلان اکانت بسته شد، درست است اما چیزی که آلان وجود دارد، خیال موجودین است و تنها ابزار موجود است. بنابراین اگر اینجا این موضوع مطرح شود که اصلا در توئیتر فعالیت نکنیم و در فلان پیام رسان بومی فعالیت کنیم، مثل این می ماند که بگویم در خیابان و میدان آزادی برای حمایت از فلسطین تجمع نکنیم و بیروم در حیاط خانه مان فعالیت کنیم و تفاوت این دو این است. فعالیت در این شبکه های اجتماعی با وجود محدودیت هایی که دارند که هر چند به نسبت حجم فعالیت هایی که در حمایت از فلسطین صورت گرفته کم بوده است ولی بهترین ابزار است و شما در عرصه گفت وگویی جهانی می توانید فعالیت کنید و من می بینم آن فرد در ترکیه، در آرزانتین چه می گوید، در برزیل چه می گوید، در ژاپن چه کار کرده است و اصلا ابزار دیگری وجود دارد که بتواند چنین پوششی برای ما فراهم کند و چنین ابزاری در اختیار ما قرار بدهد؟» این کارشناس فضای مجازی در ادامه به این موضوع نیز اشاره کرد که کاربران فلسطینی با روش های دوزدن این محدودیت ها آشنا هستند و ادامه داد: «ما شاهد زنده قضیه هستیم؛ این پوشش ها و حمایت ها و خبررسانی ها و همدردی ها دارد صورت می گیرد. یکی از فعال های آمریکایی که در همین دور از فعالیت ها، فعالیت های زیادی در حمایت از فلسطین انجام داده و نقدهای شدید و توهین و انتقاد های زیادی به مقامات آمریکایی در توئیتر وارد کرده است، از طریق پلنفرم توئیتر ابزار حمایت مالی معرفی کرده که شما می توانید همراه مبلغ کمی کمک مالی به آنها بکنید به این خاطر که بتواند فعالیت بهتری داشته باشد. درواقع خود توئیتر هم این اشتراک را برای او دریافت و پرداخت می کند. یعنی از کاربرانی مثل من دریافت و به او پرداخت می کند. یعنی حتی تامین مالی فعالان در توئیتر اتفاق می افتد.»

نقدی بر محدودسازی فضای مجازی چه از سوی صاحبان شبکه های اجتماعی و چه قوانین داخلی

برد در خانه حریف با خلاقیت ممکن است نه ترک میدان



عطیه همتی دبیر گروه نقد روز

هنوز مادر بزرگ های قدیمی و انقلابی در خاطرات شان تعریف می کنند که اعلامیه ها و نوارهای امام را زیر چادرهایشان می گرفتند و با خودشان جابه جا می کردند تا میان مردم پیش کنند، بلکه صدای امام و انقلاب اسلامی را به گوش جیب بیشتری برسانند. اعلامیه های ممنوعه ای که باید هر طور شده به دست مخاطبانش می رسید و هیچ راهی جز این نبود.

در چند روز گذشته صفحات اجتماعی حزب الله و حماس در توئیتر بسته شد. گوگل و اپل اعلام کردند برخی امکانات شان مانند نقشه را برای منطقه فلسطین محدود می کنند. اینستاگرام چندین و چند صفحه اطلاع رسانی از فلسطین را بست و حتی تاکنون صفحه بسیاری از کسانی که برای فلسطین و طوفان الاقصی پست حمایتی گذاشته اند، بسته شده است. همان طرز که سال ها قبل صفحه بسیاری از کاربران اینستاگرام به خاطر داشتن تصاویر شهید قاسم سلیمانی مسدود شد. هر بار نیز محدودیت های این پلنفرم برای کاربرانش بیشتر می شود،

جهان‌شهر

| |
|---|
| |
| شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲ |
| شماره ۳۹۹۸ |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| www.fdn.ir |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

جنایات صهیونیست‌ها علیه مردم غزه، علاوه بر مسلمانان، احساسات بسیاری از غیرمسلمانان را نیز برانگیخته است. حداقل در کشورهای اسلامی بسیاری منتظر عصر جمعه و سخنرانی سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله بودند. همه منتظر بودند تا سید، فریاد خشم‌های فرخورده‌های باشد که این چند هفته در سینه‌ها حبس شده است. دبیرکل حزب‌الله هم این‌را به خوبی می‌دانست که در آخرین بخش از صحبت‌هایش درباره جنبش‌های مقاومت گفت که «همه منتظر این بخش هستند.» او در میانه بحران، نه با «احساسات» که با «تدبیر» و «دقیق و هوشمندانه» سخن گفت. این همان اصلی است که سال‌ها قبل شهید ابومهدی المهندس به فرماندهان عراقی یادآوری کرده بود: «ما معمولاًدر بحران‌ها به ذهنی سرد و قلبی گرم نیاز داریم. به محض اینکه برعکس بشود، به هرج‌ومرج تبدیل خواهد شد.» با این حال، نصرالله در یک جمله حرفش را گفت: «باید غزه پیروز شود.»

دبیرکل حزب‌الله لبنان دیروز، ابتدا به چرایی ورود مقاومت به این عملیات نظامی علیه صهیونیست‌ها اشاره کرد، سپس از طراحی کاملاً بومی عملیات و تبعاتی که جنگ ۷ اکتبر علیه رژیم صهیونیستی داشته گفت و آن را «پایه‌ریزی برای آینده» خواند. او اهداف مقاومت در جنگ را تشریح کرد و گفت که حزب‌الله از هشت اکتبر در جبهه لبنان رسماً وارد جنگ شده است و به این حد هم اکتفا نخواهد کرد. نصرالله، ضمن بی‌اعتبار دانستن تهدیدهای آمریکا، از روی میز بودن همه گزینه‌ها سخن گفت و همه چیز را به تحولات در میدان گره زد. او بزرگ‌ترین متضرر توسعه جنگ را آمریکا و سربازانش خواند.

چرا غزه دست به عملیات زد؟

سید حسن نصرالله چهار موضوع را زمینه‌ساز عملیات ۷ اکتبر عنوان کرد:۱- پیرونده اسرای فلسطینی ۲- قدس شریف و مسجد الاقصی ۳- محاصره ۲۰ ساله غزه و ۴- چالش‌های کرانه باختری (شهرک‌سازی‌ها و تخریب خانه‌ها). به گفته او، با وجود این وضعیت مسائل فلسطین در حاشیه

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

لبنان از روز دوم جنگ (۱۶ مهر) وارد درگیری شده اما این ورود به میزانی نرم و تدریجی بوده که باعث شده با وجود شهادت ۴۳ عضو نیروهای مقاومت لبنان و ۱۲۰ کشته و زخمی در میان صهیونیست‌ها و مشغول شدن بیش از یک سوم کل توان نظامی رژیم بر جبهه شمالی، این درگیری‌ها در لبنان به جز مناطق جسیبیده به مرز احساس نگرود.

به عبارتی دیگر حزب جنگ را به رژیم تحمیل کرده اما بدون تبعات سنتی یک جنگ.

دبیرکل مقاومت لبنان اعلام کرد به دنبال شهادت چند شهروند لبنانی در تجاوزات رژیم به این کشور احتمال دارد معادله چشم در برابر چشم باعث حمله این نیروها به شهرک نشینیان شود.

در شرایطی که صهیونیست‌ها ۴۳ شهرک را در نوار مرزی با لبنان تخلیه کرده‌اند، تهدید به حمله علیه شهرک‌نشینیان به معنای حملات راکتی و پهبادی به عقب سرزمین‌های شمال فلسطین خواهد بود.

رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ به دنبال اسارت دست‌کم دو نظامی خود وارد جنگ علیه لبنان شد. پس از آن نیز با وجود هراس از جنگ دست به تجاوز علیه منافع لبنان در خاک این کشور یا سوریه می‌زد اما هم‌اکنون به میزانی ضعیف شده که قادر نیست در برابر حملات از سمت لبنان اقدامی قاطع و بازدارنده انجام دهد.

دبیرکل نیروهای مقاومت لبنان در بخشی از سخنان خود، جملاتی را بر زبان آورد که نشان می‌داد بازدارندگی آمریکا در منطقه تضعیف شده است. او در این خصوص گفت: «از روز اول به ما گفته شد که اگر جبهه‌ای در جنوب ایجاد کنید، هاوگردهای آمریکا شما را خواهند زد. اما این تهدیدات به هیچ‌وجه تغییربی در موضع ما ایجاد نکرد. اقدام در این جبهه را آغاز کردیم.»

نصرالله ضمن تأکید بر آغاز جنگ علی‌رغم تهدیدات آمریکا و ناتوانی این کشور از اجرایی کردن تهدیدات علیه لبنان، اعلام کرد گروه‌های مقاومت در سراسر منطقه نه‌تنها از تهدید واشنگتن هراسی ندارند بلکه

بود و روزبه‌روز چالش‌ها و تنش‌ها علیه آنها افزایش پیدا می‌کرد. بر همین اساس باید حادثه‌ای اتفاق می‌افتاد تا این رژیم غاصب و حامیان مستکبر به‌ویژه در واشنگتن و لندن را به لرزه در می‌آورد و فلسطین را دوباره تیرتر اول می‌کرد. به گفته او مجموع این شرایط باعث شد تا عملیات بزرگ ۷ اکتبر کلید بخورد. نصرالله گزینه دیگر در برابر رژیم را «سکوت» و «انتظار برای مرگ» خواند و از این‌رو، عملیات طوفان الاقصی را گزینه «شجاعانه» و «حکیمانه» دانست.

طراحی عملیات و غافلگیری دشمن

به گفته دبیرکل حزب‌الله، «تصمیم»، «اقدام» و «اجرای عملیات» صد در صد، فلسطینی بوده و طراحی‌ش حتی آن‌را از «دیگر گروه‌های مقاومت مستقر در غزه» نیز «پنهان» کرده بودند. او در ذیل خرسازی رسانه‌های غربی پیرامون ارتباط این عملیات با پرونده‌های منطقه‌ای را رد کرد و گفت که «ایران هیچ فشار و توصیه‌ای به گروه‌های مقاومت اسرائیل پس بگیریم.» دبیرکل حزب‌الله، مقاومت و رزمندگان آنها هستند.» نصرالله، طرفان الاقصی را «رازله‌ای امنیتی، نظامی، سیاسی، روانی و روحی» و با «تایج راهبردی» خواند و گفت که این عملیات پایه‌ریزی زمان حال و آینده این رژیم خواهد بود. وی درباره برخورد دشمن با این عملیات، «خشم جنون‌آمیز» رژیم را ناشی از «غافلگیری» و «سردرگمی» آن خواند و اهداف آنها را نیز بر همین اساس غیرعاقلانه خواند: «آنها گفته بودند که می‌خواهند حماس را نابود کنند و هدف بسیار بالایی تعریف کرده بودند. ما از آنها می‌پرسم آیا می‌خواهید تمامی حماس را نابود کنید؟ قطور می‌توانید چنین هدفی را تعریف کنید؟ آنها در ادامه که اندکی هوشیار شدند نگفتند می‌خواهیم اسرا را پس بگیریم.» دبیرکل حزب‌الله، با اشاره به اینکه از آغاز تاسیس جنبش‌های مقاومت تا امروز «اسرائیلی‌ها هرگز نتوانستند اسرای خود را بدون قید و شرط و بدون مذاکره آزاد کنند»، به جنگ ۳۳ روزه اشاره کرد که صهیونیست‌ها در آن نیز ادعاهایی مشابه داشتند اما نه‌تنها نتوانستند حزب‌الله را نابود کنند که برای آزادی اسرایشان نیز مجبور به مذاکره شدند. او به دست خالی صهیونیست‌ها از یک «دست‌اورد نظامی» بعد از گذشت یک ماه اشاره کرد و گفت که در جنگ ۳۳ روزه هم پس از ناکامی در حملات هوایی، به‌صورت زمینی وارد لبنان شدند و سلحشوریی لبنانی‌ها را دیدند.

۱۰ نکته درباره سخنرانی سیدحسن نصرالله

اگر کاخ سفید اشتباهی مرتکب شود، ضربه‌ای محکم دریافت می‌کند که می‌تواند تمام منافع آمریکا در منطقه را تحت‌الشعاع قرار دهد.

بنی‌تل اسموتیچ، عضو تندرو کابینه نتانیا‌هو و وزیر‌داری رژیم درحالی که خود و همفکرانش به دلیل شرایطی که ایجاد کرده‌اند جزء عوامل اصلی آغاز جنگ به شمار می‌روند، با افزایش هزینه‌های جنگ متوجه واقعیت‌ها شده است. او چندی پیش اعلام کرد جنگ رژیم ۲۴۶ میلیون دلار هزینه دارد. جنگ در بیست و نهمین روز خود قرار داد و جمع هزینه‌های جنگ به هفت میلیارد و ۱۳۴میلیون دلار رسیده است.

این هزینه‌ها احتمالاًشامل فراخوان نیروهای ذخیره می‌شود که حقوق ماهانه و خورد و خوراک را دربر می‌گیرد که هزینه‌های پرسنلی هستند. با این حال هزینه‌های جنگ که تلاش شده کوچک جلوه داده شوند، بیشتر از اینهاست. هزینه بمب‌ها و مهمات استفاده شده که باید جایگزین شوند بخشی از این هزینه‌هاست. بخش دیگر هزینه‌های کلی جنگ به زبان‌ها و خسارات مربوط است. خسارت به شهرک‌های صهیونیست‌نشین به دنبال حمله هنت اکتبر و راکت باران‌ها، هزینه تعمیر یا از دست دادن ۳۴ تانکی که در روزهای اخیر در غزه مورد حمله قرار گرفته‌اند. هرکدام از تانک‌های مرکاوا سری ۵ حدود ۱۰ میلیون دلار قیمت دارند که از زمان آغاز در طی چندین هجوم به غزه و همچنین درگیری‌های شمال لبنان، بیش از ۴۰ عراده از آن منهدم شده یا به‌شدت آسیب دیده‌اند. تل‌آویو برای تعمیر و بازیابی این تانک‌ها که در مجموع ۴۰۰ میلیون دلار ارزش دارند، نیازمند ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار بود‌جه است.

علاوه‌بر هزینه‌های پرسنلی، مهمات استفاده‌شده و خسارت‌ها، جنگ هزینه‌های پنهانی نیز مانند خرابی سرمایه، توقف بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری‌ها را نیز شامل خواهد شد. مقاومت لبنان با اشاره به فشارهای اقتصادی جنگ بر رژیم که تاکنون بیش از هفت میلیارد دلار هزینه پرسنلی به رژیم وارد کرده است، به تل‌آویو هشدار داد در صورت تلاشش برای فشاربیشتر بر غزه، با رشد این هزینه‌ها مواجه می‌شود.

اهداف مقاومت و منافع ملی کشورها

او جنگ ۷ اکتبر را جنگی «سرنوشت‌ساز» و «تاریخی» خواند و پس از آن از دو هدف مقاومت در این جنگ گفت:۱- توقف تجاوز به غزه و ۲- پیروزی حماس و غزه: «توقف این تجاوزها بنا به دلایل انسانی، اخلاقی، دینی و آرمانی است که بخشی در مورد آن نیست. اما در مورد هدف دوم باید بگویم که این هدف به نفع فلسطینی‌ها است. اما پیروزی غزه به معنای پیروزی برای ملت‌ها و حکومت‌های منطقه و مخصوصاً کشورهای همسایه است. پیروزی غزه منفعت ملی همگانی و سرنوشت‌ساز دارد و این پیروزی به نفع امنیت ملی اردن و سوریه و لبنان است.» سیدحسن نصرالله گفت:«دولت‌ها و حکومت‌های عربی و اسلامی باید برای توقف این تجاوزات تلاش کنند. آنها باید دین و انسانیت و اخلاق خود را به‌کار بگیرند و لااقل تنها برای تحقق هدف اول تلاش کنند. آنها نباید به اسرائیل نفت و غذا بدهند. متأسفانه در جنگ‌های قبلی همیشه کشورهای عربی و اسلامی تهدید می‌کردند که صادرات نفت خود به آمریکا را قطع می‌کنند اما الان حتی از اسرائیل نیز نمی‌خواهند نفت را قطع کنند.»

از ۸ اکتبر درگیر جنگیم

او به نسبت جنبش‌های مقاومت در منطقه نیز پرداخت و از مسؤلیت‌پذیری مقاومت اسلامی در عراق تقدیر کرد: «مقاومت اسلامی عراق اعلام کرد که وارد مرحله جدیدی می‌شود. برادران باشرف یمنی و ارتش یمن و جنبش انصارالله و مردم یمن نیز علناً و رسماً علی‌رغم تمام تهدیدهای آمریکا و غرب، مشارکت خود در این جنگ را اعلام کردند و موشک‌ها و پهپادهای یمنی درنهایت به ایلات و سرزمین‌های اشغالی رسید.» نصرالله، درباره حزب‌الله لبنان نیز گفت که از فرای جنگ یعنی از هشت اکتبر نیروهایش وارد جنگ شده‌اند و این نبرد از شبعاً، به کل نوار مرزی با فلسطین اشغالی توسعه پیدا کرده است. او البته گفت که «به اینجا هم اکتفا نخواهیم کرد.» نصرالله از هدف قرار گرفتن تانک‌ها، و خودروهای زرهی و تجهیزات صهیونیست‌ها با سلاح‌های مختلف گفت و پس از آن، به تغییر استراتژی صهیونیست‌ها براساس این حملات اشاره کرد: «شنبه ۷ اکتبر اسرائیل برخی از نیروهای خود را عقب کشید و در حال فرپاشی کامل بود و می‌خواست تمام نیروهای ذخیره و آماده خود را به سمت غزه ببرد. عملیاتی که آغاز و روزبه‌روز بیشتر

آمریکا دارای ۱۲ تا ۱۵ هواپیمابر است که دو فروند آن را برای هشدار به لبنان به دریا مدیترانه و سواحل این کشور اعزام کرده است. دو نو هواپیمابر یواس اس جرالد آر. فورد و یواس اس آیزنهاور از ناوهای هواپیمابر کلاس نیمیتز هستند. نوا آیزنهاور دومین سری از ناوهای این کلاس است که در سال ۱۹۷۷ وارد خدمت شده و جرالد فورد آخرین سری آن است که در سال ۲۰۱۷ وارد خدمت شده است. جرالد فورد که جدیدترین نمونه است ۱۳ هزار تون روی دست نیروی دریایی آمریکا گذاشته است. هرکدام از این ناوها تقریباً ۷۰ جنگنده به همراه ده‌ها بالگرد حمل می‌کنند که جمع قیمتی آنها به ۱۰ میلیارد دلار می‌رسد. در کنار آن، هر ناو کلاس نیمیتز تقریباً ۶۳۰ پرسنل دارد.

دبیرکل نیروهای مقاومت لبنان روز گذشته تأکید کرد سلاح‌هایی برای هدف قرار دادن ناوهای هواپیمابر در اختیار دارد و همچنین در صورت ورود آمریکا به نبرد، اساساً جنگ وارد مرحله منطقه‌ای خواهد شد. او اعلام کرد با منطقه‌ای شدن جنگ هیچ‌کدام از جنگنده‌ها و ناوهای آمریکا به درد واشنگتن نخواهند خورد که طعنه‌ای است به امکان نابود شدن پایگاه‌ها و ناوهای آمریکا در آتش شدید محور مقاومت.

اگر لبنان دو ناو هواپیمابر مستقر شده در نزدیکی سواحلش را از بین ببرد با احتساب دو ناو ۱۳ میلیارد دلاری که هرکدام ۱۰ میلیارد دلار هواگرد حمل می‌کنند، ۶۶ میلیارد دلار زیان مالی به آمریکا وارد کرده و ۱۲ هزار ۶۰۰ نظامی مستقر بر آنها نیز کشته یا زخمی خواهند شد.

حزب‌الله برای هدف قرار دادن ناوهای هواپیمابر آمریکا به موشک‌های کروز و بالستیک ضدکشتی، پهپادها، قایق‌هاوزیر دریایی‌های انتحاری مجهز است که در تعداد بالا این ناوها را به صورت ترکیبی هدف قرار می‌دهند.

در سخنرانی روز گذشته مساله تحریم نفتی آمریکا و رژیم مطرح شد. این اقدام نزدیک ساختن فضای جنگ به دوران دشوار وذهق‌بی برای آمریکاست؛ جایی که اعراب چه در صف واشنگتن و چه در صف مسکو، به دلیل وجود نظام وذهق‌بی گریزگاهی برای اعلام نظرات متفاوت در برابر دوذقب داشتند. در جریان جنگ سال ۱۹۷۳، با وجود آنکه مصر و سوریه جزء متحدهان شوروی بودند،

نسبت به دو دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۶۹۵ متر مربع پلاک ۱۸۷۳۳ فرعی از ۲- اصلی واقع در نور بخش ۱۰ حوزه ثبت نور محرز‌گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز روزنامه سراسری و محلی آگهی می‌گردد در صورتی‌که اشخاص ذی نفع به آرای اعلام‌شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم نمایند. معترض باید طرف یک ماه از تاریخ ثبت محل وقوع ملک تسلیم اعتراض می‌کند و در صورتی‌که در این صورت اقدامات ثبت‌مکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد با معترض گواهی تقدیم دادخواست‌یابه دادگاه عمومی محل ارائه کنند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۱۳آیین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلاً اظهارنامه ثبتی پذیرفته‌شده و احدی ثبتی باای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تجدید حیدر مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تجدید حیدر به صورت هم‌زمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تجدید حیدر، واحد ثبتی تجدید حیدر را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۲/۰۸/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۲/۰۸/۲۷
میم الف: ۱۵۹۱۳۰۶
علی سعادتی – رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نور

سخنرانی هوشمندانه سیدحسن نصرالله ضمن تقویت موضع حماس، با تهدید صریح آمریکا و اسرائیل سطح بازدارندگی مقاومت را به بالاترین حد رساند

قدرت‌نمایی عقلانیت انقلابی

اهداف مقاومت و منافع ملی کشورها

او جنگ ۷ اکتبر را جنگی «سرنوشت‌ساز» و «تاریخی» خواند و پس از آن از دو هدف مقاومت در این جنگ گفت:۱- توقف تجاوز به غزه و ۲- پیروزی حماس و غزه: «توقف این تجاوزها بنا به دلایل انسانی، اخلاقی، دینی و آرمانی است که بخشی در مورد آن نیست. اما در مورد هدف دوم باید بگویم که این هدف به نفع فلسطینی‌ها است. اما پیروزی غزه به معنای پیروزی برای ملت‌ها و حکومت‌های منطقه و مخصوصاً کشورهای همسایه است. پیروزی غزه منفعت ملی همگانی و سرنوشت‌ساز دارد و این پیروزی به نفع امنیت ملی اردن و سوریه و لبنان است.» سیدحسن نصرالله گفت:«دولت‌ها و حکومت‌های عربی و اسلامی باید برای توقف این تجاوزات تلاش کنند. آنها باید دین و انسانیت و اخلاق خود را به‌کار بگیرند و لااقل تنها برای تحقق هدف اول تلاش کنند. آنها نباید به اسرائیل نفت و غذا بدهند. متأسفانه در جنگ‌های قبلی همیشه کشورهای عربی و اسلامی تهدید می‌کردند که صادرات نفت خود به آمریکا را قطع می‌کنند اما الان حتی از اسرائیل نیز نمی‌خواهند نفت را قطع کنند.»

از ۸ اکتبر درگیر جنگیم

او به نسبت جنبش‌های مقاومت در منطقه نیز پرداخت و از مسؤلیت‌پذیری مقاومت اسلامی در عراق تقدیر کرد: «مقاومت اسلامی عراق اعلام کرد که وارد مرحله جدیدی می‌شود. برادران باشرف یمنی و ارتش یمن و جنبش انصارالله و مردم یمن نیز علناً و رسماً علی‌رغم تمام تهدیدهای آمریکا و غرب، مشارکت خود در این جنگ را اعلام کردند و موشک‌ها و پهپادهای یمنی درنهایت به ایلات و سرزمین‌های اشغالی رسید.» نصرالله، درباره حزب‌الله لبنان نیز گفت که از فرای جنگ یعنی از هشت اکتبر نیروهایش وارد جنگ شده‌اند و این نبرد از شبعاً، به کل نوار مرزی با فلسطین اشغالی توسعه پیدا کرده است. او البته گفت که «به اینجا هم اکتفا نخواهیم کرد.» نصرالله از هدف قرار گرفتن تانک‌ها، و خودروهای زرهی و تجهیزات صهیونیست‌ها با سلاح‌های مختلف گفت و پس از آن، به تغییر استراتژی صهیونیست‌ها براساس این حملات اشاره کرد: «شنبه ۷ اکتبر اسرائیل برخی از نیروهای خود را عقب کشید و در حال فرپاشی کامل بود و می‌خواست تمام نیروهای ذخیره و آماده خود را به سمت غزه ببرد. عملیاتی که آغاز و روزبه‌روز بیشتر

متحدهان آمریکا مانند عربستان و کویت در حمایت از قضیه فلسطین صادرات نفت به غرب را تحریم کردند. با این حال چنین امکانی در فضای تک قطبی که آمریکا رهبری آن را برعهده داشت امکان‌پذیر نبود و بر همین اساس واشنگتن قادر شد مذاکرات مادرید ۱۹۹۱ و توافق اسلو ۱۹۹۳ را زیر فشار نظام حاکم تک قطبی به زور بر دیگران تحمیل کند. سخن‌گفتن از تحریم نفتی آمریکا با بستن مسیر ارسال نفت و ارتقا به رژیم صهیونیستی، فارغ از میزان موفقیت، بر عبور از نظام تک قطبی تأکید می‌کند.

دبیرکل مقاومت لبنان روز جمعه همه چیز گفت و هیچ نگفت. به عبارتی دیگر برای صهیونیست‌ها آشکار نشد آیا حزب امکان ورود به جنگ دارد یا خیر. روز گذشته تأکید شد جنگ غزه برای منافع لبنان حیاتی است و جنگ در جنوب لبنان درگرفته اما تنها ساکنان مرز آن را احساس کرده‌اند. این مسائل نشان می‌داد حزب نگران آماده نبودن و مخالفت جبهه داخلی است اما هم‌زمان نصرالله ضمن تهدید ضمنی رژیم به حملات دوربردتر موشکی، آمریکا و ناوهای هواپیمابرش را نیز وارد دایره تهدید کرد.

نصرالله از مقاومت عراق و یمن تشکر کرد، ایران را تنها پشتیبان گروه‌های مقاومتی در سراسر منطقه دانست و بدون درخواست برای ورود به جنگ از تهران با اشاره به نقش این کشور در نبرد، از کشورهای عربی خواست حداقل با تحریم نفتی در جنگ وارد صف بندی شوند. جداساختن ایران از جنگ و کشاندن کشورهای عربی به صف بندی نشان می‌دهد محور مقاومت تلاش دارد در فضای پس از جنگ یک جبهه عربی قدرتمند در برابر کشورهای عربی محافظه‌کار ایجاد کند.

در سایه تضعیف شدید رژیم، آشکار شدن توان غزه در ضربه هفت اکتبر و اتصال میان جبهه‌های مختلف که حمایت مستقیم لبنان، یمن و عراق را از فلسطین به دنبال داشته است، نیروهای مقاومت غزه به قدرتی منطقه‌ای تبدیل خواهند شد؛ درست همان‌گونه که غول مقاومت لبنان از ویرانی‌های ۲۰۰۶ برخاست.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی نوشهر
نظریه دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۲/۰۸/۱۳، املاک متقاضیانی که در حیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلاعارض آنان محرز‌روی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:
املاک متقاضیان واقع در قریه بیدآب عسگر پلاک ۱۸ اصلی بخش ۴ شمالی فرعی اقا/خانم سیروس قنبری فاقدی کلاهی فرزند محمدابراهیم نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۲۲۷/۴۲ مترمربع خریداری بدون واسطه باواسطه از مهدی خطی دیروآدی

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی کثیرالانتشار در شهرمانشتر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتی‌که اشخاص ذینفع به آرای اعلام‌شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسیدا نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست‌یابه اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت‌مکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد با معترض گواهی تقدیم دادخواست‌یابه دادگاه عمومی محل ارائه کنند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۱۳آیین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلاً اظهارنامه ثبتی پذیرفته‌شده و احدی ثبتی باای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تجدید حیدر مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تجدید حیدر به صورت هم‌زمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تجدید حیدر، واحد ثبتی تجدید حیدر را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۲/۰۷/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۲/۰۸/۰۳
میم الف: ۱۵۸۵۶۲۰۶
علی‌اکبر مقدس‌فر – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

| |
|---|
| |
| <div><div>فهرست</div></div> |
| <p>www.fdn.ir</p> |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

شکست پروژه تاج

حکم سنگین علیه سپاهان و ادامه فجایع داوری بدون VAR
همه ادعاهای رئیس فدراسیون در زمان بازگشت را مردود کرد



شماره مسلسل ۴۷۳۶
شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲
۱۹ ربيع الثانی ۱۴۴۵
۴ نوامبر ۲۰۲۳
شماره ۳۹۹۸

فرهنگستان ورزشی

| Sat | 4 Nov 2023 | vol.15 |
No. 3998 | 16 Pages



نفت آبادان یک امتیاز به خانه برد
هت تریک پرسپولیس
در گل به خودی



سپاهان بعد از شوک حکم ای اف سی
به ملوان هم باخت
حمله دریایی
به نصف جهان



شمس آذر قزوین فراتراز
یک تیم تازه وارد با استقلال بازی کرد
از لیگ یک چه آوردی؟
شجاعت

جلسه سرنوشت ساز قلعه نویی و فدراسیون

یکشنبه هفته دهم
تعطیل می شود؟

پنجره پرسپولیس در خطر بدهی ۴۰۰ هزار دلاری به دروازه بان سابق

بحران
پول رادو

ورزش

دو روز این روزهای سپاهان نتیجه عملیات غیرحرفه‌ای مورایس و تیمی که در هم شکسته

| |
|-------------------|
| |
| شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲ |
| شماره ۳۹۹۸ |
| |
| WWW.FDN.IR |
| |
| FARHIKHTEGANDAILY |

دو روز این روزهای سپاهان نتیجه عملیات غیرحرفه‌ای مورایس و تیمی که در هم شکسته

دو روز این روزهای سپاهان نتیجه عملیات غیرحرفه‌ای مورایس و تیمی که در هم شکسته

دو روز این روزهای سپاهان نتیجه عملیات غیرحرفه‌ای مورایس و تیمی که در هم شکسته

با وجود اشتباهات پرتعداد داوران در هفته‌های اخیر

این فصل هم نباید منتظر VAR باشیم

■ حالا تکنولوژی خط دروازه هم می‌خواهیم



هفته نهم رقابت‌های لیگ برتر در حالی به پایان رسیده که یک بار دیگر اتفاقات داوری در این هفته صدای بسیاری از تیم‌ها را درآورده تا جایی که مربیان و بازیکنان این تیم‌ها در اتفاقی تکراری دوباره علیه داوران هجمه‌هایی را ایجاد کردند. نکته قابل توجه اینکه در این هفته از رقابت‌ها علاوه بر گل‌های مشکوک به آسپاید و پنالتی‌های گرفته‌شده و گرفته‌نشده‌ای که در بازی‌های مختلف این هفته به ثبت رسید، برای دومین بار در سه هفته اخیر، عبور یا عدم عبور یک توپ مشکوک و اعلام گل شدن توپ (برخلاف دو هفته قبل) در یکی دیگر از دیدارهای پرسپولیس، تمامی اتفاقات مشکوک دیگر داوری در این هفته را تحت‌الشعاع خود قرار داده و باعث شد تا از سایر اتفاقات دیگر خیلی صحبتی به میان نیاید.

این در حالی است که بسیاری از اهالی فوتبال بر این عقیده هستند که وجود تکنولوژی کمک‌داور ویدئویی یا همان VAR می‌تواند بیاینی باشدبر تمامی اتفاقات و صحنه‌های مشکوکی که در داوری فوتبال ایران رخ داده و علاوه بر تشخیص آسپایدها، پنالتی‌ها و اخراجی‌های صحیح و همچنین اتفاقاتی که می‌تواند روی به ثمر رسیدن گل‌ها تاثیرگذار باشد، روی چالش جدید ایجاد شده یعنی رد شدن یارد نشدن توپ از خط دروازه هم موثر باشد.

■ **VAR بیگانه با عبور توپ از خط**

حال اینکه آیا واقعا این امر یعنی تشخیص رد شدن توپ از خط دروازه می‌تواند به وجود تکنولوژی کمک‌داور ویدئویی مرتبط باشد و VAR این موضوع را هم تشخیص می‌دهد، پاسخ منفی است چراکه VAR طبق قوانین و پروتکل تعریف‌شده همان طور که در بالاتر نوشتیم فقط می‌تواند در چهار مقوله به داور در تصمیم‌گیری اتفاقات داوری کمک‌کرده و تاثیرگذار واقع شود و در این امر نمی‌تواند روی تصمیم داوران اثری بگذارد.

درواقع اگر تکنولوژی کمک‌داور ویدئویی هم در فوتبال ایران مستقر شود، شبیه به دو صحنه‌ای که در دیدارهای اخیر پرسپولیس و روی دروازه این تیم رخ داده به VAR ارتباطی پیدا نکرده و فقط باید در این خصوص از تکنولوژی خط دروازه استفاده کرد. در این خصوص چیپ‌ست‌های درون توپ با سنسورهایی که روی دروازه نصب می‌شوند در صورتی که توپ از خط دروازه رد شده باشد باعث می‌شوند تا ساعت اوار آلام داده و به این ترتیب به صورت دقیق مشخص می‌شود که تمام توپ از خط عبور کرده است یا خیر.

حال و روز این روزهای سپاهان نتیجه عملیات غیرحرفه‌ای

مورایس و تیمی که در هم شکسته

تیم الاتحاد ورزشگاه نقش جهان را به مقصد عربستان ترک کرد تمام آرزوهای تیم سپاهان به یکباره نابود شد. تزلزل در این تیم کم‌کم رنگ و بویافت گرفت و سپاهانی که بدون باخت و با قدرت در بالای جدول تکیه زده بود، به تیم سردرگم امروز تبدیل شد که شاهد هستیم، مساهان هرچند تلاش می‌کند در شرایط بد فعلی، خود را با روحیه و سرپا نشان دهد اما کاملاً مشخص است که حواشی اخیر در لیگ قهرمانان آسیا روی عملکرد مورایس و شاگردانش تاثیر گذاشته است.

وقتی رسانه‌ها از مربی سپاهان درخصوص رای سوال می‌کنند او اذعان را منحرف کرده، این موضوع را به باشگاه مربوط می‌داند در حالی‌که تنش اصلی به او و شاگردانش وارد شده است. آنها هفته‌ها تلاش کرده و عرق ریخته‌اند تا در نتیجه تمرینات سخت امتیازات مورد نیاز را جمع‌آوری کنند اما در عوض نه تنها از آن امتیازات بازممانده که حتی بدون برگزاری بازی سه امتیاز را از دست دادند. مورایس و شاگردانش کمترین تاثیر را در اتفاقاتی که رخ داد داشتند اما بیشترین ضرر را دیدند. در واقع وقتی سرمربی سپاهان این موضوع را به باشگاه حواله می‌دهد شاید منظورش این است که باشگاه مقصر این اتفاقات است. اینکه باشگاه سپاهان در اتفاقات اخیر یکی از مقصران اصلی است جای خود، اما گاهی برخی تصمیمات از حوزه فوتبال خارج است و بایان حال تا تراش رفتوبالی‌ها می‌دهند. این طور که شنیدیم باشگاه سپاهان درخصوص قوانین فیفا گزارش‌های لازم را به مقامات مسئول داده بود اما پاسخ مورد نیاز را نگرفت چون در بسیاری موارد باشگاه‌ها تصمیم‌گیرنده نیستند. در نهایت آن اتفاقی که نباید افتاد، شاید به همین دلیل است که فیفا تا کید دارد سیاست را وارد فوتبال نکنیم اما این شعاری بیش نیست؛ چرا که در مقر فیفا چیزی که بیش از پیش وارد فوتبال شده سیاست است.

■ **اولین تکنولوژی فیفا در فوتبال ایران اجرایی می‌شود؟**

این تکنولوژی اولین فناوری بود که فیفا آن را برای فوتبال معرفی کرد. دیدار انگلیس و آلمان در جام جهانی ۲۰۱۰ و توپ و اضنی که از خط دروازه آلمان‌ها عبور کرده و داور آن گل تشخیص نداد، باعث شد تا این تکنولوژی وارد فوتبال شود.

اینکه این تکنولوژی چه زمانی به فوتبال ایران می‌رسد و اصلاً قابلیت اجرایی در فوتبال ایران را خواهد داشت یا خیر به نظر می‌رسد حالا حالا نباید به ورود این تکنولوژی به فوتبال ایران خوشبین باشیم. در این خصوص شنیده می‌شود این تکنولوژی هنوز در بسیاری از کشورهای جهان اجرایی نشده و برای کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران نیز هنوز به یک دغدغه تبدیل نشده است. این در حالی است که یک تکنولوژی گران‌قیمت هم محسوب‌شده؛ چرا که باید در آن از توپ‌های هوشمند با کیفیت و سنسورها و چیپ‌ست‌های لازم برای نصب روی تیرک‌های دروازه استفاده کرد که این موارد هر کدام از قیمت‌های هنگفتی برخوردار هستند.

بنابراین همچنان تلاش‌های فدراسیون فوتبال برای استقرار VAR در فوتبال ایران

ادامه داشته و مسئولان امر به دنبال آن هستند تا تکنولوژی کمک‌داور ویدئویی را هرچه سریع‌تر در ورزشگاه‌های ایران مستقر کنند.

■ **یک تماشاگر گل سیرجانی‌ها را تایید کرد!**

این در شرایطی است که طبق پروتکلی که در امر داوری در همه جای دنیا به کار برده می‌شود این توضیح درباره صحنه‌هایی شبیه به صحنه دیدارهای اخیر پرسپولیس وجود دارد مبنی بر اینکه اگر با تمامی زوایای دوربینی که وجود دارد حتی بعد از برگزاری مسابقه نتوان تصمیمی را به صورت واضح و صددرصدی تایید کرد که داوری کمک‌داور درست یا اشتباه تشخیص داده، باید به هر ترتیب تصمیم داخل زمین تایید شده و مبنایا بر دیده شدن درست تصویر توسط داور و کمک‌داور قرار داد.

نکته جالب اینکه در بازی پرسپولیس و گل‌گهر نیز تصویری که از سویی یک تماشاگر پرسپولیسی از طبقه دوم ورزشگاه منتشر شد باعث شد تا گل شدن توپ



حالا باشگاه سپاهان که دستش به جایی بند نیست نسبت به این موضوع واکنش نشان داده و در تلاش است تا از طریق فیفا و CAS مشکل را حل کند اما چیزی که مشخص است قوانین فیفا استانداردهایی دارد که در همه جا به یک شکل رعایت می‌شود. این رویعید است شکایت سپاهان به جایی برسد. این شکایت هم هنوز صورت نگرفته اما باشگاه سپاهان به کمک وکلای خود در تلاش است تا بهترین مستندات را ارائه کرده و حداقل نتیجه‌ای بگیرد.

■ **حال و روز سپاهان نتیجه کسر ۴ امتیاز و نقره داغ AFC**

شرایط در باشگاه سپاهان به سمت و سویی پیش می‌رود که مورایس به شدت از ادامه کار در ایران ناامید شده است. او که به عنوان یک مربی حرفه‌ای وارد ایران شد از همان روزهای ابتدایی کاریزمانی بسیار قابل قبولی از خود نشان داد و به سرعت در بین اهالی فوتبال خود را به عنوان یک مربی موجه و صاحب سبک مطرح کرد. شرایط اما برای او آن طور که باید و توقع داشت خوب پیش نرفت. شاید این تیم به لحاظ فنی عملکرد خوبی داشت و در کنار برخی نقاط ضعف با ارائه فوتبال زیبا علاقه‌مندان را به وجد می‌آورد اما حالا از تیم سپاهان دیگر آن زیبایی‌ها رانمی‌بینیم. کنفرانس‌های خوبی به شدت کوتاه و مختصر، جواب‌های بدون تمرکز و هیچ‌جانی از سرمربی تیم سپاهان، درگیری با بازیکنان روی نیمکت و دوچرخه‌سواری‌های تک نفره‌اش در حوالی سی‌وسه‌لی همه نشان می‌دهند که مورایس از یک آدم هیچ‌جانی و پرچسب و جوش به یک مربی کم‌طاقت و منزوی تبدیل شده است. از مصاحبه چند وقت پیش این مربی درخصوص باگشت به کشورش کاملاً مشخص بود که دیگر در تیم سپاهان مورایس خوش نمی‌گذرد. اهداف او رنگ و بخته و تلاش‌هایش

آگهی موضوع ماده ۴ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۲۰۲/۲۳۸۵ مورخ ۱۲۰۲/۰۵/۲۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بااعراض مقضاضای آقای سیدمحمد مدنی فرزند سیدصادق نسبت به ۲۱۴ سیر از اعیان و ۲۳۶ سیر از عرصه یک قطعه باغ به مساحت ۹۵۸/۵۳۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۲ - اصلی به شماره کلاسه ۱۲۰۲/۲۳۶ واقع در اراضی محمد کاشن بخش ۱۷ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری‌شده مع الواسطه از مالک غیررسمی احمد اکرامی برگه استمشده با ارائه شده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائیس تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت تقاضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳
میم الف: ۱۵۸۷۳۴۶۴
فرهاد آقاپاشایی - رئیس اداره ثبت اسناد و مالکیت بهشهر

صدای نخبگان، نگاه جوانان
www.fdn.ir
روزنامه فرهیختگان
farhikhteganonline
FARHIKHTEGAN
مرتضی قاسم‌پور - رئیس اداره ثبت اسناد و مالک شهرستان قلمشهر

برای رسیدن به جام‌هایی که در تصوراتش داشت دیگر چندان به واقعیت نزدیک نیست. سپاهان دیگر نه آن تیم منسجم و جنگنده گذشته است نه سرمربی‌اش دیگر برای برنده شدن انگیزه دارد. این واقعیت‌ها در بازی با ملوان کاملاً مشخص بود و سپاهانی‌ها که همواره در جاگیری و فضاسازی یکی از تیم‌های بازیکنز لیگ برتر بودند نه تنها از چنین خصایصی فاصله گرفته بودند بلکه به حرف‌های این اجازه را دادند تا به راحتی از همه فضاها استفاده کرده و حتی سپاهان را تحت فشار قرار بدهند. ملوان هم گل زد و سپاهان را از پیش رو برداشت اما مورایس به خوبی می‌داند سپاهان دیگر آن تیمی نیست که او توقع داشت. البته سرمربی سپاهان نیز از واقعیت‌های خودش فاصله بسیاری دارد. هنوز فراموش نکرده‌ام این مربی که زمانی در آرامش کامل کنار خط هدایت تیمش را برعهده داشت چگونه حتی تا آنستازه و د خورد با یکی از بازیکنانش پیش رفت، اگر سپاهان در آن لحظه گل نمی‌زد درگیری مورایس و دابو می‌توانست به جاهای باریک کشیده‌شود. اتفاقاتی که برای تیم سپاهان از ابتدای فصل جدید رخ داده است، این تیم و مربی‌اش را از پنا درآورده و اگر ذات جنگجویی این تیم نبود چه بسا شرایط بدتری را از آنها می‌دیدیم. همین حالا هم باشگاه مانده است برای دابو چه حکمی را صادر کند که هم او را تنبیه کرده و هم بر تنش‌های باشگاه نریزد.

هرچند عوامل باشگاه سپاهان فعلاً و تا مشخص شدن شرایط این تیم چه از نظر داخلی و چه در شکایت احتمالی به CAS، ترجیح می‌دهند سکوت کرده و درخصوص تصمیمات‌شان توضیح ندهند اما به نظر می‌رسد در سردرگمی کامل به سری برزند و بر این باورند که شاید اتفاقاتی مهندسی شده، امنیتی است تا آنها به جام قهرمانی لیگ برتر نرسیده و مانعی برای سرخ‌پوش‌های پایتخت نشین نباشند.

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
نظر به دستور مواد ۳ و قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۷/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی آمل مورد سردرگی و تصرفات مالکانه بااعراض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:
املاک متقاضیان واقع در بخش نه ثبت آمل دهستان لیتکوه ۷۳- اصلی (قریه خرازه)
۳۱ فرعی آقای محمدتقی مسیحی‌آملی در شش‌دانگ یک قطعه زمین که بیست سیر مشاع عرصه موقوفه است به مساحت ۲۶۶/۶۵ متر مربع، خریداری‌شده بلاواسطه از سجاد و مجید پاکروان
لذا به موجب ماده ۳- قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روزستاهای هیات الصاق تا در صورتی‌که اشخاص ذینفع به آرای اعلام‌شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی در روزستاهای طریق الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوفول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست را به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت معترض به دادگاه متضرر به دادگاه ثبت نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلاً اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده و واحد ثبتی با رای هیات پس از اخذ رسید اظهارنامه حایر تعیین حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷
میم الف: ۱۵۹۴۷۵۸۰
حسن صالحی - رئیس اداره ثبت اسناد و مالک آمل

بحران پول رادو

■ قول و قرار سرخپوشان درختکن: بیشتر از این وارد دعوا با استقلال نمی شویم

روی مسائل فنی باشد.

یحیی راضی از خرید باشگاه

هفته گذشته در خبرها داشتیم که یحیی گل محمدی در مورد نیل باهوپی به نوعی تغییر نظر و رفتار داده توجه بیشتری نسبت به قبل به این بازیکن دارد. از این رو پیش بینی این می شد که او را در بازی با صنعت نفت در ترکیب اصلی قرار دهد. نیل به عنوان اینکه اولین بازی اش را در ترکیب سرخپوشان انجام می داد عملکرد نسبتاً خوبی در این مسابقه داشت. از این رو یحیی از دوندگی و جنگندگی او رضایت کامل داشت اما نیل در زدن ضربات نهایی هوشمند عمل نکرد و به نوعی نتوانست همانند لوکادا یا عمل کند. این مهاجم سوئدی یکی، دو موقعیت خوب برای گلزنی داشت که نتوانست ضربات دقیقی به توپ بزند و تا حدی نشان داد که گلزن نیست. شاید به خاطر همین آمار گلزنی او در تیم های سابقش چندان بالا نبوده است. به هر جهت پرسپولیس در شرایط فعلی دو مهاجم نوک تقریباً با یک خصوصیات در اختیار دارد. زاهدی و باهوپی هر دو مهاجمانی پر تلاش و جنگنده هستند که از لحاظ پرسینگ و وظیفه خود را خیلی خوب انجام می دهند اما خیلی چهارچوب شناس نیستند. البته در این میان باید به نیل فرصت بیشتری برای نشان دادن توانایی هایش داد.

امیری نمی رسد، وضعیت ترابی بررسی می شود

وحیدامیری که دوران مصدومیتش خیلی طولانی شده بود در نهایت از روز گذشته توانست مجوز حضور در تمرینات گروهی را از کادر پزشکی تیمش بگیرد. در واقع جواب ام آرای او نشان داد که مصدومیتش به طور کامل برطرف شده است. با توجه به اینکه امیری بیش از یک ماه از تمرینات به دور بوده طبیعتاً او حداقل نیاز به یک هفته تا ۱۰ روز زمان برای آماده شدن از نظر بدنی، نیاز دارد. از این رو او با وجود اینکه همراه با پرسپولیس راهی تاجیکستان خواهد شد در مقابل استقلال به میدان نخواهد رفت و به نوعی تلاش می کند خودش را آماده بازی با سپاهان کند. البته اگر سرمربی تیم ملی اجازه دهد هفته دهم لیگ طبق برنامه برگزار شود، چرا که خواهان لغو بازی های این هفته از مسابقات شده است اما مهدی ترابی که به علت سرماخوردگی بازی با صنعت نفت را از دست داد فعلاً در منزل درحال استراحت است و کادر پزشکی پرسپولیس امیدوارند که او تا فردا بهبود یافته و بتواند همراه با تیم راهی تاجیکستان شود. به هر حال بیماری او ویروسی است و قبل از بهبودی کامل نباید در اطراف تیم آقبایی شود.

۲ جلسه در تاجیکستان

شاگردان یحیی گل محمدی بعد از یک بازی سنگین با صنعت نفت روز گذشته را به ریکاوری پرداختند و امروز نیز یک جلسه تمرین تاکتیکی امانه چندان پر فشار را در ورزشگاه شهید کاظمی خواهند داشت. اعضای این تیم صبح یکشنبه با پرواز چارتر راهی



پرسپولیس دو امتیاز حساس دیگر مقابل صنعت نفت آبادان از دست داد تا نتواند به صدر جدول رقابت های لیگ برتر برگردد. شاگردان یحیی گل محمدی انتظار نداشتند تیم صنعت نفت چنین نمایشی را مقابل آنها ارائه دهد و به نوعی اسپر دوندگی و جنگندگی این تیم شدند. در این میان فشرده گی بازی های لیگ باعث شده پرسپولیس مثل قبل نتواند حرفش را آن طور که باید تحت فشار قرار دهد و به خوبی مشخص است که توان بدنی این تیم تا حدی کاهش پیدا کرده است. مساله ای که یحیی گل محمدی هم به خوبی به آن پی برده و به این خاطر در هر بازی حداقل یکی دو تغییر را در ترکیب تهاجمی تیمش دارد. هر چند خالاً یک مهاجم گلزن و چهارچوب شناس نیز در ترکیب اصلی پرسپولیس به خوبی احساس می شود و همین مساله شاید باعث شود که یحیی تصمیم بگیرد یک مهاجم در نقل و انتقالات زمستانی به لیست تیمش اضافه کند.

تمرکز سرخپوشان قبل از بازی به هم خورد!

روز پنجشنبه از معدود زمان هایی بود که استقلال، سپاهان و پرسپولیس در یک روز بازی داشتند. در همین راستا زمانی که سرخپوشان برای مصاف با صنعت نفت آبادان راهی میدان شدند به خوبی از نتیجه بازی استقلال با ششم آذر و تا حدی سپاهان برابر ملوان و البته حواشی آن آگاهی کامل داشتند. مخصوصاً مصاحبه هایی که جواد نکونام و بازیکنان شاخص استقلال علیه تیم رقیب و البته یحیی گل محمدی دیر مطرح کردند. صحبت هایی که قبل از بازی نزد سرخپوشان سوژه شد و آنها تصمیم گرفتند بعد از بازی آن را بی جواب نگذارند. همین مساله باعث شد تا حدودی تمرکز یحیی و شاگردانش قبل از بازی با صنعت نفت به هم ریخته و در نیمه اول این مسابقه نیز غافلگیر شوند. در این میان یحیی و شاگردانش خیلی دیر متوجه این مساله شدند، از این جهت که فردای بازی در درختکن به این موضوع پی برند که تیم رقیب با مطرح کردن آن صحبت ها بیشتر به دنبال برهم زدن تمرکزشان برای بازی بوده که به هدف شان رسیدند. با توجه به همین مساله سرخپوشان قول و قرار گذاشتند که به دعویا تیم رقیب خود پایان داده و تمام تمرکز خود را روی بازی با استقلال تاجیکستان قرار دهند. هر چند با این توقع دارد در چنین مواقعی بیشتر مدیریت باشگاه و اطرافیانش جوابگوی مسائل مطرح شده باشند تا تمرکز خودش و بازیکنان

حکم سنگین علیه سپاهان و ادامه فجایع داوری بدون VAR همه ادعاهای رئیس فدراسیون در زمان بازگشت را مردود کرد

شکست پروژه تاج

حافظه تاریخی در فوتبال ما شاید کوتاه مدت باشد اما احتمالاً خیلی ها به یاد دارند که مهدی تاج پیش از انتخابات ۸ شهریور با چه وعده هایی نامزد ریاست این فدراسیون شد و در نهایت به آن هم رسید. او مدعی بود با ارتباطاتی که در کنفدراسیون فوتبال آسیا دارد و همچنین سمتش به عنوان نایب رئیس این نهاد می تواند در مواقع لزوم رایزنی لازم را با آنها داشته باشد. یکی از مواردی که او مدعی بود قادر به انجام آن است درباره مجوز حرفه ای سرخابی ها بود که البته اسما استقلال هم به این مجوز نرسید. از طرف دیگر رای ناعادلانه AFC علیه سپاهان در هفته گذشته نشان داد تاج که در این مدت کمتر درباره برخی مشکلات فوتبال صحبت کرده است، نتوانست در این موضوع هم مداخله درستی داشته باشد و بالایی به موقع مانع از صدور چنین حکمی شود. از طرف دیگر داوری ها لیگ در طول ۹ هفته برگزار شده به قدری فاجعه آمیز بوده که صدای همه درآمده و مشخص است که اگر وعده آقای رئیس برای آوردن VAR عملی می شد تا حد زیادی از این اشتباهات تاثیرگذار و عجیب و غریب کاسته می شد. در چنین شرایطی به نظر می رسد پروژه تاج در بازگشت به فدراسیون فوتبال با شکست روبه رو شده است.

جلسه سرنویشت ساز قلعه نویی و فدراسیون

یکشنبه هفته دهم تعطیل می شود؟

امیر قلعه نویی هفته گذشته بود که درخواست لغو هفته دهم بازی های لیگ برتر را داد. هفته ای که برگزار می شود در دیدار سپاهان - پرسپولیس و استقلال - تراکتور همراه است. پیش از این هم اشاره داشتیم که قلعه نویی چندان موافق برگزاری فشرده بازی های لیگ نیست. البته این فشرده گی شامل تیم هایی می شود که در لیگ قهرمانان حضور دارند و تیم های دیگر تقریباً هفته ای یک بار بازی می کنند. اما از آنجا که شمار زیاد ملی پوشان در تیم های پرسپولیس و سپاهان حضور دارند، سرمربی تیم ملی نمی خواهد بازیکنان ملی پوشش در این تیم ها در صورت فشار زیاد با مصدومیت مواجه شوند. در همین راستا او دو بازی ایران با هنگ کنگ و ازبکستان را بهانه قرار داده تا با لغو بازی های هفته دهم ملی پوشان داخلی را در شرایط بهتری تحویل بگیرد. مخصوصاً اینکه نمایندگان کشورمان در لیگ قهرمانان این هفته بازی دارند. اما در مورد تصمیم گیری دهم روز بازی های هفته دهم لیگ قرار است فردا جلسه ای بین مسئولان سازمان لیگ، محمد مهدی نبی و امیر قلعه نویی برگزار شود و نتیجه جلسه اعلام شود. هر چند احتمال لغو بازی های این هفته از لیگ خیلی زیاد است.

سپاهان و آملیق در هر شرایطی در ورزشگاه آزادی

امکان تعویق ۲۴ ساعته بازی هم ممکن نیست

باشگاه سپاهان با اعلام AFC باید بازی خود مقابل آملیق را روز دوشنبه ۱۵ آبان در ورزشگاه آزادی برگزار کند و طبق اعلام همین برنامه نیز تیم نساجی در گروه خود باید چهارمین بازی اش در لیگ قهرمانان آسیا را چهار ساعت قبل از این مسابقه (ساعت ۱۷:۳۰) در همین ورزشگاه برگزار کند. این در حالی است که وضعیت چمن زمین شماره یک ورزشگاه آزادی که به تاژیگی ترمیم شده چندان مساعد نیست و با کوچک ترین فشار کیفیت فعلی اش را هم تا حد زیادی از دست خواهد داد. در همین راستا یکی از مسئولان فدراسیون فوتبال به «فرهیختگان» گفت: «واقعیت امر این است که شرایط زمین چمن ورزشگاه آزادی اهمیت برای AFC ندارد و طبق نامه ای که ارسال شده بازی سپاهان و آملیق در ساعت اعلام شده باید در ورزشگاه آزادی برگزار شود و طبق برنامه قبلی هم نساجی باید در همین محل میزبان نوبهار ازبکستان باشد. در واقع هیچ راهی برای به تعویق افتادن ۲۴ ساعت یکی از بازی ها نیست؛ چرا که این برنامه ها از قبل طرح ریزی شده و سازمان لیگ کشورها نیز براساس آن بازی های لیگ خود را مشخص کرده اند.»

تاجیکستان خواهند شد و یک جلسه تمرین در آنجا خواهند داشت. تمرین آخر سرخپوشان قبل از مصاف با استقلال هم روز دوشنبه در زمین اصلی برگزار خواهد شد. در این سفر همه بازیکنان پرسپولیس از جمله بازیکنان جوان این تیم که با بزرگسالان تمرین می کنند، حضور خواهند داشت.

تازه وارد ها سرشان بی کلاه ماند

باشگاه پرسپولیس غروب چهارشنبه بود که در نهایت توانست نیمه از آیشن های قرارداد فصل پیش بازیکنان و مربیانش را به حساب آنها واریز کند. این در حالی است که سرخپوشان تا اینجای فصل ۲۰ درصد قراردادشان را دریافت کرده اند و زمانش رسیده تا حداقل ۱۰ درصد دیگر دریافتی داشته باشند. در این میان بازیکنان تازه وارد (نفراتی که این فصل به پرسپولیس پیوستند) این تیم سرشان بی کلاه ماند از این جهت که پرداختی انجام شده فقط مربوط به آیشن های فصل پیش بود و پرداختی به آنها انجام نشد. در همین راستا آنها انتظار دارند که بخشی دیگر از قراردادشان را هر چه زودتر از باشگاه خود دریافت کنند.

پنجره زمستانی پرسپولیس بسته می شود؟

کابوس بوژیدار رادوشویچ به همین راحتی هادست بردار باشگاه پرسپولیس نیست. از این جهت که این باشگاه در تازه ترین پرونده شکایتی این بازیکن مبلغ ۲۰۰ هزار دلار دیگر محکوم شده اند و به اضافه قسط آخر طلب این بازیکن باید تا تقریباً سه هفته دیگر ۴۰۰ هزار دلار به حساب او واریز کنند. پرداختی که اگر دوباره در آن تاخیر به وجود بیاید ۲۰۰ هزار دلار جریمه خواهد داشت. در این میان باشگاه پرسپولیس در تلاش بوده و هست که از طلبش در فیفا این پول را پرداخت کند و برای این منظور هم نیاز به رضایت رادوشویچ و وکیلش دارد که آنها نیز حاضر به همکاری نیستند. وکیل رادو نه تنها چند هفته است که جواب نامه باشگاه پرسپولیس را در این مورد نداده، بلکه خود این دروازه بان هم مصاحبه تندی را علیه مدیران باشگاه پرسپولیس انجام داده و مدعی شده که آنها سند جعلی برایش ارسال کردند. مصاحبه ای که با بیانیته تند باشگاه پرسپولیس همراه شد و با این تقاسیم بسیار بعید است که رادو و وکیلش علاقه مند به همکاری با باشگاه پرسپولیس باشند. در شرایط فعلی هم اقتدار اوضاع مالی باشگاه پرسپولیس خراب است که توان پرداخت ۴۰۰ هزار دلار به گلر سابقش را ندارد و اگر این بار هم بدقولی کند پنجره نقل و انتقالاتش بسته خواهد شد. اتفاق که قطعاً نا رضایتی یحیی گل محمدی همراه خواهد بود؛ چرا که او به دنبال تقویت تیمش برای ادامه فصل در نقل و انتقالات زمستانی است.

استقلالی ها مخالف لغو دیدارهای هفته دهم

پای اخراج آلوز در میان است!

تیم فوتبال استقلال در حالی طبق برنامه قبلی شنبه هفته آینده در ورزشگاه آزادی میزبان تراکتور است که احتمال لغو دیدارهای این هفته به خاطر تعلق با برنامه های تیم ملی و احتمال آغاز زود هنگام اردوی این تیم قوت گرفته است. نکته قابل توجه اینکه استقلال هاک خود را برای دیدار با تیم برتری آماده می کنند مخالف لغو دیدارهای هفته دهم لیگ برتر هستند و احتمالاً این موضوع را به نودی نیز از طرف باشگاه به سازمان لیگ اعلام خواهند کرد. از اردوی استقلال خیر می رسد اخراج ریکاردو آلوز بهترین پاسور فصل گذشته لیگ در دیدار قبلی تراکتور و از دست دادن دیدار با استقلال، روی این تصمیم آبی هاتاثیرگذار واقع شده و احتمالاً این امر باعث مخالفت استقلالی ها با لغو دیدار شنبه آینده این تیم شده باشد. آلوز هافبک پرتغالی تراکتور در وقت های تلف شده بازی مقابل نساجی با دریافت کارت قرمز از بازی اخراج شد. از سوی دیگر طبق شنیده ها با تصمیم کادر فنی استقلالی ها بعد از ریکاردو آلوز گذشته، امروزه به صورت کامل به استراحت خواهند پرداخت و از فردا تمرینات خود را جهت دیدار برابر تراکتور پیگیری خواهند کرد. این در صورتی است که برنامه های تمرینی استقلال با لغو احتمالی دیدارهای هفته دهم توسط سازمان لیگ، با تغییراتی همراه خواهد شد.

آگهی قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر
 نظر به دستور مواد ۳ و قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی امل مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد؛
 املاک متقاضیان واقع در مرتع دندارک پلاک ۱ اصلی بخش ۳ قشلاقی ۱۶۲۹ فرعی آقا/ خانم مجید قمی ملکار فرزند سلمان نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی (کاربری مسکونی و باغات)، به مساحت ۳۸۹/۷۹ مترمربع خریداری بدون واسطه / باواسطه از سیدمصطفی حسینی ملکار
 لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی کثیرالانتشار در شهرا منتشر و در روزها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روزها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت مرکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست را به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه به دادگاه نیست، بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلاً اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی یا رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تعدیل حدود مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تعدیل حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تعدیل حدود واحد ثبتی آگهی تعدیل حدود را در صورت اختصاصی منتشر می نماید.
 تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۲/۰۸/۱۳
 تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۲/۰۸/۲۷
 ممیم الف: ۱۵۹۶۴۹۳
 علی اکبر مقدسی فر - رئیس اسناد و املاک شهرستان نوشهر

آگهی تجدید مزایده عمومی
 دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان در نظر دارد از طریق مزایده عمومی با شرایط مندرج در اسناد مزایده، نسبت به اجاره یوفه دانشجویی خود با وضع موجود به اشخاص واجد شرایط اقدام نماید، لذا از متقاضیان محترم دعوت به عمل می آید ظرف مدت یک هفته از تاریخ انتشار این آگهی، جهت دریافت اسناد مزایده در ساعات اداری به نشانی: لاهیجان - خیابان شقایق - مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان - ساختمان دانشکده فنی و مهندسی - طبقه پنجم - امور حقوقی مراجعه نموده و پاکت های پیشنهادی خود را در زمان مقرر پس از از ثبت در دبیرخانه دانشگاه، به دفتر حراست دانشگاه تحویل نمایند. ضمناً هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مزایده بوده و دانشگاه در رد یا قبول یک یا همه پیشنهادات دارای اختیار تام می باشد. بدیهی است کلیه مفاد آیین نامه معاملات دانشگاه آزاد اسلامی حاکم بر تشریفات این مزایده می باشد.
 شماره تماس: ۴۲۲۲۷۹۰۴
 دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

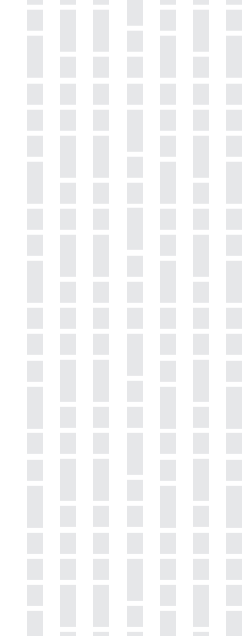
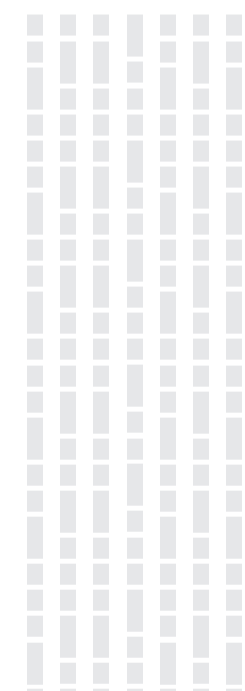
آگهی تجدید مناقصه عمومی
 دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی با شرایط مندرج در اسناد مناقصه، نسبت به اجاره ساختمان و امکانات موجود سلف سرویس خود به اشخاص واجد شرایط اقدام نماید، لذا از متقاضیان محترم دعوت به عمل می آید ظرف مدت یک هفته از تاریخ انتشار این آگهی، جهت دریافت اسناد مناقصه در ساعات اداری به نشانی: لاهیجان - خیابان شقایق - مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان - ساختمان دانشکده فنی و مهندسی - طبقه پنجم - امور حقوقی مراجعه نموده و پاکت های پیشنهادی خود را در زمان مقرر پس از ثبت در دبیرخانه دانشگاه، به دفتر حراست دانشگاه تحویل نمایند. ضمناً هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه بوده و دانشگاه در رد یا قبول یک یا همه پیشنهادات دارای اختیار تام می باشد. بدیهی است کلیه مفاد آیین نامه معاملات دانشگاه آزاد اسلامی حاکم بر تشریفات این مناقصه می باشد. شماره تماس: ۴۲۲۲۷۹۰۴
 دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

فرهیختگان
 سازمان آگهی های روزنامه
 تلفن و فکس:
 ۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
 ایمیل: ۰۶۶۳۴۸۰۱۸@gmail.com
 WWW.FDN.IR
 FARHIKHTEGANDAILY

کانون تبلیغاتی
 سیهر جوان
 ۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
 مجری انحصاری
 تبلیغات محیطی
 دانشگاه آزاد اسلامی

ورزش

شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲
 شماره ۳۹۹۸
 WWW.FDN.IR
 FARHIKHTEGANDAILY



سیدمحمد هاشمی، قائم‌مقام وزیر و معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ ارشاد و اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

بنای لجاجت

با هنرمندان را نداریم

هر چهار شرط زیر را داشته باشد، صوت و تصویر فراگیر است؛ ۱- به صورت یک سوپه و برای مخاطب عام باشد. ۲- الزامی به شناسایی کاربر و مخاطب نداشته باشد. ۳- بیش از پنج هزار کاربر مخاطب همزمان داشته باشد. ۴- محتوای توزیع‌شده زنده بوده یا کنداکتور و جدول پخش زمانی داشته باشد.»

به غیر از بخش چهار این تعریف نشان می‌دهد که منظور از صوت و تصویر فراگیر، رسانه‌های پرودکست یا همان تلویزیون است.

تقریبا بله. البته با اضافه شدن بخش چهار اقسامی از پرودند را هم شامل می‌شود.

برخورد وزارت ارشاد با این مساله چه بود؟

قبل از توضیح بیشتر این را بگویم که فارغ از همه مباحث طلبگی و حقوقی و اداری، کلا منطق همه گفت‌وگوها و همین مصوبه، منطق همدلی، همکاری و تقسیم کار بین وزارت فرهنگ و ارشاد و سازمان صداوسیما است. توفیق صداوسیما در تمثیت همین موضوع، توفیق ما و توفیق نظام است. ایضا موفقیت ما، آبروی صداوسیماست. ما که آمدم با یک مساله‌ای مواجه بودیم که عرض کردم تصمیم را قبلا گرفته بودند و چیزی در وزارت ارشاد به معنای صوت و تصویر فراگیر وجود نداشت. گام اول این بود که مشخص کردیم وزارت ارشاد و صداوسیما توامان در حوزه صوت و تصویر فراگیر مسئولیت دارند. این اولین چیزی بود که رفتیم و مکتوب کردیم و تقسیم کار شد. به نظر ما اکثر حوزه‌ها، حوزه‌های وزارت ارشاد است، یعنی نظارت بر تبلیغات، سینما، موسیقی، کتاب، خیرگزاری‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و امثال اینها بر عهده وزارت ارشاد است. آنچه برای دوستان صداوسیماست، یکی مساله پخش زنده و یکی هم مساله وی‌اودی‌ها بود که در وی‌اودی‌ها هم باز این اشتراک برقرار است؛ چراکه وی‌اودی‌ها نیز بعضا محصولاتی ارائه می‌دهند که در حوزه تنظیم‌گری ارشاد است. لذاست که دو نفر از مجموعه وزارت ارشاد در شورای ساخت و دو نفر در شورای پخش عضو هستند. البته یک جمله تکمیلی هم بگویم اینکه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک نهاد ذاتا تنظیم‌گر است و سابقه چند دهه تنظیم‌گری دارد. سابقه تقریبا موفقی هم دارد. واقعیت این است که هر نوع تنظیم‌گری در حوزه سمعی-بصری اولویتش با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. یکی از هنرمندان و اصحاب هنر در جلسه‌ای می‌گفت آجرهای این وزارتخانه هم برای این کار درست شده است. از طرف دیگر سازمان صداوسیما یک سازمان ذاتا تولیدگر است. پس ذات این دو نهاد فرهنگی متفاوت است. وقتی ما به تنظیم‌گری می‌رسیم، اولویت با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و سازوکار و منطق، فهم اداری و تعاملی آن را هم داریم. ما طبیعت سازمان‌ها را در تصمیم‌گیری‌هایمان باید لحاظ کنیم. اینکه به یک سازمان ذاتا تولیدکننده کار تنظیم‌گری داده شود، طبیعتا باید برود و سازوکارش را در خودش ایجاد کند. اگر با همان عینک و منطق تولیدی و کارفرمای تولیدی به کار نگاه کند، تنظیم‌گری موفقی نخواهد داشت.

نامه‌نگاری‌های متعدد و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی به یک بسته تبدیل شد و نهایتا تحویل صداوسیما می‌شود؛ اگرچه وزارت ارشاد در آن دوره اختلاف حقوقی داشت و تا لحظه آخر هم به معنای حقوقی این کار محقق نشد، لاقال من در اسناد ندیدم اما به معنای اجرایی کاملا این کار انجام شد. که ای‌کاش اندازه این تلاش و نامه‌نگاری حقوقی، در عمل تنظیم‌گری به‌موقع و قاطع و هوشمندانه‌ای بر صوت و تصویر و امور سمعی بصری غیر از سینما انجام می‌شد. به هر روی، ابتدای دولت که آمدم هم تاکید کردیم که اولاً با توجه به قوانین مصحح موجود، یعنی صریح‌تر از صریح، بخش قابل‌توجهی از تنظیم‌گری شبکه نمایش خانگی برعهده وزارت ارشاد است، مثل فیلم سینمایی. دوم اینکه گفتیم ضمن آینده‌نگری این حوزه، می‌بینیم که آینده صوت و تصویر و سینما کجاست و آینده در فضای مجازی است و با این روند و تفاسیر موسع از صوت و تصویر فراگیر، دایره تکالیف و اختیارات وزارت ارشاد به‌ویژه در حوزه سینمایی و رسانه‌ای به‌طور کامل مخدوش می‌شود. سوم، لزوم تعریف مشخص و چهارچوب‌دار از صوت و تصویر فراگیر و اینکه چه تفاوتی بین فراگیر و غیرفراگیر هست و امثال آن؟ اما کسی زیر بار تعریف نمی‌رفت. به خاطر اینکه دیدیم اگر این کار را نکنیم، با یک مساله مواجه خواهیم شد و به جهت این سه مورد را شروع کردیم به برقراری دیالوگ و گفت‌وگو درباره اینکه صوت و تصویر فراگیر را تادقیق کنیم و وظایف وزارت ارشاد را به وزارتخانه برگردانیم و حدود و ثغور آن را با صداوسیما مشخص کنیم و نامه‌نگاری‌هایی کردیم و تفاهننامه‌ای بین ما و صداوسیما شکل گرفت. تفاهننامه به این شکل بود که باید وظایف را تفکیک می‌کردیم و بعد از آن به سراغ یک تقسیم کار ملی و نهایی می‌رفتیم، چون به نظر ما این‌طور است که مساله خیلی پیچیده و چندجانبه است و نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد. این تفاهم تنظیم شد و در قالب شورای عالی انقلاب فرهنگی مهر قانونی خورد. همان‌جا یک بند شش دارد که گفته شده شورا برود و این حرف را نهایی و تدقیق کرده و ضوابط آن را مشخص کند.

بنابود شورایی تشکیل شود تا سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر صوت و تصویر فراگیر را مشخص کند و در یک مهلت سه ماه این کار انجام شود. آیا کار به سرانجام رسید و دیگر اینکه وضعیت این شورا و تصمیمات به چه نحوی است؟

چون ابلاغ یا تاخیر انجام شده است فکر می‌کنم هنوز از آن مهلت سه ماهه زمان باقی مانده است. در حال حاضر هم آقای میرباقری به نمایندگی از شورای عالی انقلاب فرهنگی و با حکم دبیر آن شورا، موظف شدند که مقدمات تشکیل آن شورای بند شش را فراهم کرده و در جلسه این شورای چندنفره، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیر شورای عالی فضای مجازی، وزیر فرهنگ و صداوسیما، دو یا سه نفر اعضای حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی و دو نفر مسلط و متخصص این فضا حضور دارند و تصمیم‌گیری نهایی صورت می‌گیرد. البته وزارت ارشاد هم جلساتی برای بررسی جوانب این موضوع داشته است. مثل دیدار ما با صاحبان پلتفرم‌ها که برگزار شده و حسب دستور آقای رئیسی بود. آقای رئیس جمهور گفتند شما بنشینید و نظرات این دوستان را بگیرید، یعنی قرار شد ما که وزارت ارشاد هستیم، وقتی می‌خواهیم در جلسه شورا بنشینیم و گفت‌وگو کنیم، بگوییم نظرات ذی‌نفعان شبکه نمایش خانگی را هم در نظر بگیریم. اما ظاهرا این جلسه هم به مذاق دوستان صداوسیما خوش نیامد، اما ما کارمان را انجام دادیم این کلیت کار ماست. همزمان پیمایش علمی و خوبی انجام دادیم؛ از نگاه و انتظارات عامه مردم از محتوای پلتفرم‌ها و نحوه مصرف فرهنگی آنها در نسبت با این سکوها. این‌شاء‌الله در جلسات با استنادات حقوقی و تجمع ذغدغه‌های محتوایی مردمی و توقعات سکوها حاضر خواهیم بود.

شنیده شده که در جلسات اخیر ساترا، دو نفر از اعضای وزارت ارشاد به جلسات نمی‌روند. به نظر می‌رسد که اختلاف نظرهایی پیش آمده و اخیرا هم به‌خاطر رفتاری است که سازمان صداوسیما درخصوص تعلیق مجوز پروژه «اسکار» مهران مدیری داشته‌اند. چندتر این موضوع صحت دارد؟ آیا این اختلاف‌نظرها به‌همان‌سانل بنیادینی برمی‌گردد که همچنان حل نشده‌است؟
اطلاعی از این اختلافات بنیادین ندارم اما این عدم حضور به خاطر قهر نیست. مهدی پور، دو هفته بعد از اینکه معرفی شد، گفت فرصت حضور در این جلسات را ندارم و دکتر ایمان خوشخو جایگزین شدند. در حال حاضر هم آقای خوشخو و آقای آذرپندار عضو شورای تولید هستند و در شورای اکران هم علاوه‌بر بنده، آقای نیرومند هم هستند. عجالتا باید در مساله صوت و تصویر فراگیر به معنای اخص و مشخص آن در وی‌اودی‌ها و سکوهای نمایش خانگی نگاه‌مان را فرصت‌محور کنیم. این یک مساله اصولی است؛ یعنی این تکنولوژی و این ظرفیت فنی و فرهنگی را بپذیریم و با آن دیالوگ برقرار کنیم و البته سیاست‌ها و خطوط سبز و قرمزمان را هم به او بگوییم

و با آن جلو بیایم. نباید با آن رقابت کنیم و نباید رفتاری از خودمان نشان دهیم که نشان‌دهنده آن باشد که با آن تعارض منافع داریم. فضای هنری باید ما را حامی و پدر خود ببیند و همچنین وزارت ارشاد یا صداوسیما را چتر حمایتی و نظارتی بر سر خودش بدانند. اگر رقیب کناری خودش دید که تلاش می‌کند سنگ اندازی کند و پشت پا بیندازد، او از شما دورتر می‌شود و زبان شما برای صیانت و راهبری محتوایی خواهد شد. همه حرف ما همین است. همه می‌دانند که ما هیچ‌وقت از مواضع اصولی‌مان کوتاه نخواهیم آمد. مساله یک ما در صوت و تصویر فراگیر و مساله نمایش خانگی انتقال یک محتوای خوب، سالم، پالوده، متعهد به اصول ارزشی، شاداب و امیدوارکننده به جامعه ایرانی است. جامعه ایرانی این را از ما توقع دارند؛ در عین حال آنها یک بخش خصوصی هستند و کسب‌وکاری دارند و یک حیات فرهنگی و دیدگاه‌هایی دارند و باید چهارچوب این فضا را دانست و با آنها گفت‌وگو کرد. تجربه ما نشان داده که مجموعه ارتباطی و نظارتی نمایش خانگی در ۵، ۶ ماهی که وزارت ارشاد نقش فعال‌تری داشت، خیلی بهتر شده است. اما اگر در ادامه مسیر کاری صورت گیرد که نشان‌دهنده این باشد که قرار است نایرداری یا رقیب‌تراشی شود، عملا در مواجهه به بن‌بست می‌خوریم. بحث بعدی این است که مرچ صدور مجوز ساخت و پخش سریال‌ها و برنامه‌های نمایش خانگی، حسب توافقی که شده یکجاست و آن هم همین شورا‌ست. کس دیگری فراتر از این شورا نمی‌تواند و نباید این کار را انجام دهد. همان‌طور که عرض کردم، قرار بوده این شورا تعاملی باشد و ما داریم در این شورا با دوستان خوب‌مان در صداوسیما و ساترا تعامل کرده و به آنها کمک می‌کنیم. اما بحث مهمی که می‌تواند بر این شورا سایه بیندازد، روال‌ها و سازوکارها و فرآیندهای بیرون از شورا‌ست. البته طبیعی است که هر نظارت و شورای نظارتی در چهارچوب آیین‌نامه‌ای عمل می‌کند. طبعاً باید این آیین‌نامه مشخص و مضبوط باشد و طوری نوشته شود که موید تصمیمات شورا باشد. ما در وزارتخانه، ضوابط مربوط به ساخت و اکران فیلم سینمایی را برديم در شورای هنر که یک شورای فراواژرتخانه و فرادولت است و تصویب کردیم. به‌نظم دوستان صداوسیما هم اگر این کار را انجام دهند خوب است.

بروز چنین اختلافاتی ظاهر اولین نشانگانگی است بر اینکه مسیر انتخاب شده برای ارائه مجوزها اشتباه انتخاب شده است؟ شما توافق کردید که این شورا تشکیل شود که اختلافات بین سازمان صداوسیما و بخش نمایش خانگی کم شود اما ظاهرا اختلافات سر پروژه‌ای مثل اسکار دوباره شدت گرفته‌است. باز هم تاکید می‌کنم که شخصا این اختلافات را نباید نمی‌کنم. ما ایده‌مان را قبلا گفتیم. نکته من این است که ما در مساله صوت و تصویر فراگیر قائل به این هستیم که یک نهاد و شورای فرادستگاهی و حتی فراقوه‌ای شکل بگیرد و این کار را پیش ببرد. ممکن است این شورا شورای صدور مجوز باشد. ممکن است شورای حل اختلاف باشد. ممکن است بگویید این شورا چنین کارکردی ندارد و از این شورا این کار درزمنی آید اما سوال این است وقتی من پلتفرم یا من تهیه‌کننده می‌بینم قوانین رعایت نمی‌شود، به کجا باید بگویم؟ به همان دستگاهی که خودش تهیه‌کننده و رقیب توست؟ نمی‌توان قاضی و ناظر و مجری و رقیب همه با هم یکی باشند. اقل نظام حقوقی می‌گوید این‌طور نباشد. ما باید شورایی داشته باشیم و بارها گفتیم که هیات نظارت بر مطبوعات یک هیات قابل قبول است و یک مدل تجربه‌شده موفق است و به نظر ما این مدل می‌تواند نسری یابد در مساله صوت و تصویر فراگیر. یعنی شورایی در مقام صدور مجوز تعبیه کرده باشیم که الان این تدبیر شده اما کامل نیست یا در مقام حل اختلاف یا فرجام‌خواهی و امثال اینها. ما الان در آیین‌نامه سینمایی این کار را کردیم، یعنی خودمان را مکلف به هیات‌های مختلف و شوراهای بالادستی کردیم که اگر کسی به مشکل خورد، شورایی بالاتر از آن شورا باشد که بپوند و از آنجا بخواهند مثلا مجوزی را که برای یک فیلم صادر نشده، آنها بررسی کنند. به‌نظرم آنچه چنین ایده‌ای می‌تواند کارگر و پیشران باشد که ان‌شاء‌الله در آن بند شش ماده واحده «تعیین الزامات سامانه‌های حوزه صوت و تصویر فراگیر» و در شورا بررسی خواهد شد.

و این ایده نهایی و مورد تایید وزارت ارشاد است.
اجملا بله.

اکثر هنرمندان هم موافق این ایده هستند.

بله، طرف آمده و مشکلی دارد، یعنی ظلمی به او شده، می‌رود و به دیوار می‌خورد نمی‌داند چه‌کسی باید پاسخگو خسارتش باشد و همین‌طور گریج می‌زند. بعد ما نه اقتصاد و نه شخصیت او را به رسمیت می‌شناسیم و این واقعاً درست نیست! او باید بتواند جایی برود که بگوید این مجوز را بی‌دلیل رد کردید و از جایی آن را بیگیری کنید. این جایی است که به‌نظرم می‌تواند با شأنیت بالادستی، فرادستگاهی و فراقوه‌ای مساله را حل کرد. از طرف دیگر هم باید سازوکاری داشت که اگر پلتفرمی قانون را رعایت نکرد یا محتوای ناسالم و بی‌ضابطه منتشر کرد، هزینه بی‌قانونی خود را بپردازد. این سازوکار هم می‌تواند در همان شبه‌هیات نظارت بر مطبوعات تدبیر و تعبیه شود.

همان نظارت پسنی هم جزء همین پیشنهادهاست.

درباره نظارت پسنینی یا پیشینی الان نظری ندارم که مطرح کنم اما برای اینکه به نظارت پسنینی برسیم، مقدمات زیادی را باید طی کنیم. درواقع برای اینکه به تصمیم برسیم خیلی مقدمات باید طی شود.

این مقدمات مربوط به بخش زیرساختی است یا حقوقی؟

مهم‌تر از زیرساختی و حقوقی، به‌نظرم مفاهمه فرهنگی است. اول باید به یک مفاهمه فرهنگی روشنی برسید و بعد به سراغ نظارت پسنینی بروید؛ ضمن اینکه نظارت پسنینی هم باید یک سازوکار مشخصی داشته باشد. این روزها در شورا تقریبا بحث نظارت پیشینی و پسنینی نبوده، چون ما همه نظارت‌هایمان پیشینی است، به جز نظارت بر مطبوعات و تعبیه کردن

است. برای اینکه به یک نظارت پسینی برسیم، این مفاهم فرهنگی باید بین مجموعه هنری و مجموعه‌های تصمیم‌گیران فرهنگ و هنر و رسانه کشور شکل گیرد.

و این مفاهم هم بیشتر باید از جانب هنرمندان باشد. واقعبت امر این است که ما با انبوه تولیدات در فضای جدید رسانه مواجه هستیم و پذیرش مدل نظارت پسینی و سیاست خودتنظیمی، در این فضا اجتناب ناپذیر است.
نه، لزومی ندارد. نظارت پیشینی تلازمی باکم شدن آثار ندارد. شما می‌توانید یک شورا را ۱۰ شورا بکنید و هر شورا به جای ۳۰ فیلم سه فیلم ببیند. اگر مساله فرهنگی مساله یک باشد، باید تلاش کرد که فرهنگ را قوام بخشید و صیانت کرد. اشکال ندارد ممکن است یک روز به نظارت پسینی برسیم. من مخالفت صریحی با این موضوع ندارم با اینکه بگویم این بد است و آن خوب است اما به‌طور کلی عرضم این است که برای اینکه به آن نقطه برسیم، نیاز به یک مفاهمه داریم. اینکه بگوییم حتما ناگزیر است، نه، اصلا اینها ملازمه‌ای ندارند اما اینکه روال‌ها خیلی طبیعی باشند و تولیدکنندگان خودشان خطوط سبز و قرمز را به صورت طبیعی صیانت کرده باشند و از مرزهای اصولی دینی و اجتماعی و ملی مرزبانی کنند، آن موقع روزی است که شاید بشود نظارت پسینی داشت؛ مثلا این در مطبوعات هست.

اما همین شیوه نظارت در فضای مطبوعات وجود دارد و اهل رسانه خودش رالمزم به رعایت قوانین می‌کند. این شیوه نظارت را می‌توان در شبکه نمایش خانگی هم به کار برد.

درست است اما این حرف هم زیرساخت حقوقی می‌خواهد و هم مفاهمه فرهنگی. در مطبوعات سال‌ها این رفت‌وآمدها شده و چهارچوب‌هایی که شما هم می‌دانید، پذیرفته شده هستند و در رابطه با چهارچوب‌های فرهنگی و مطبوعات است. این باید در بستراهی مختلف هم اتفاق بیفتد. بعد می‌توان این کار را کرد. اما آن روزها یا این روزهای ما فاصله دارد.

آن بخشی از لایحه هفتم توسعه که مرتبط با شبکه نمایش خانگی بود هم در مجلس محل بحث قرار نگرفت، چرا؟

آن راه همین مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که اشاره کردید، سپردند و به آن احاله دادند. تصمیم‌شان این بود که همان جمع تخصصی فرهنگی و فنی موضوع را پیش ببرد، گرچه این مساله مساله‌ای قیام و قعودی نیست و یک مطالعه عمیق و دقیق می‌طلبد و کاری است که مردافکن است و باید وقت بگذارند و تعاریف و خط‌کشی‌ها را دقیق کنند. ضمن اینکه نظرات متفاوت ایده‌های مختلف هم آنجا هست. وقتی یک قانون را می‌نویسند، خط‌های مختلف را بالا و پایین کرده و بالاخره آن را تنظیم می‌کنند اما ایده‌های متفاوتی وجود دارد از اینکه نهادی مثل آفکام داشته باشیم تا اینکه دست ارشاد باشد یا در دست صداوسیما قرار گیرد تا مشترک باشد. اینها اختلافاتی است که در یک جمع متخصص قابل گفت‌وگو است. مباحثی که هر کدامش، دریایی از قوانین و احکام ذیل خودش می‌طلبد و باید دست اینها از مطالعه و تحقیق پر باشد که آنجا جمع‌بندی کنند.

یکی دیگر از مباحث چالشی که این روزها مورد اعتراض اهالی هنر و به‌خصوص سینمای‌ها قرار گرفته است، اظهارنظری است که جناب وزیر ارشاد درخصوص هنرمندان زن ممنوع‌الفعالیت داشتند. این صحبت وزیر به لیستی از زنان بازیگری الصاق شده که در یک سال اخیر کشف حجاب کرده بودند. سوال اول اینکه آیا وزارت ارشاد، لیستی از هنرمندان زن ممنوع‌الفعالیت منتشر کرده است و سوال دیگر اینکه آیا به لحاظ قانونی سازوکار برای وزارت ارشاد تعریف شده که جلوی فعالیت هنری اهالی سینما را بگیرد؟
اجمالا بگویم که نظام حکمرانی حقوقی و فرهنگی کشور، ابزارهای قانونی برای این موضوع را دارد. این نکته اول. نکته دوم اینکه من یادم نمی‌آید لیستی را رسما معرفی کرده باشند. در موضوع مساله کشف حجاب این را از روز اول هم صراحتا وزارتخانه بدون هیچ لکنت و رودریاستی اعلام کرده بود کسانی که کشف حجاب کرده باشند، به‌رحال تا وقتی که بر همان مدار و منطق بخواهند ادامه مسیر داشته باشند، امکان فعالیت‌های فرهنگی و هنری نخواهند داشت. آقای وزیر هم صراحتا گفته بودند. آقای خزاعی و معاون ایشان هم گفته بودند. ابزار قانونی هم برای راهبری این موضوع هست. اینکه گفته‌شود این مساله خلاف قانون است، حرف حقوقی دقیقی نیست. چطور می‌شود رفتاری خلاف شرع و قانون و به‌طور متجاخرانه صورت بگیرد و هیچ پاسخ قانونی نداشته باشد؟ ای کاش همکاران حقوقی من و کسانی که این حرف را تکرار می‌کردند اندکی فرصت می‌گذاشتند و قانون‌شکنان را به رعایت قانون دعوت می‌کردند.

پس به لحاظ حقوقی شما می‌گویید امکانش هست؟
بله، امکانش هست. کاری غیرقانونی نیست.

به هر حال بحث وجود دارد که یک هنرمند چگونگی می‌تواند جبران کند و دوباره ادامه فعالیت دهد؟ مثلا یکی از خانم‌های کشف حجاب‌کرده بخواهد ادامه فعالیت دهد، باید چه مرحله‌ا را طی کند؟ به لحاظ حقوقی این مساله هم مشخص شده است؟ سازوکاری برای جبران آن وجود دارد؟
بله و تجربه‌اش هم هست. بیشتر از یکی و دو تا.

به نظر می‌رسد که پیش از این، سیاست اعمالی بوده تا اعلامی؟

من سیاست اعلام و اعمال را تنظیم نمی‌کنم اما آن بخش را که مکلفم پاسخ دهم، عرض می‌کنم که مجرای قانونی و ابزار حقوقی برای این موضوع وجود دارد.

همان‌طور که گفتید لیستی از هنرمندان ممنوع‌الفعالیت از جانب وزارت ارشاد اعلام نشده است و بیشتر ناشی از ضیق رسانه‌ای بود که فکر می‌کنیم به ضرر آن چهره‌های زن سینمایی تمام شود. به نظر می‌رسد وزارت فرهنگ و ارشاد، علی‌رغم اینکه بر مواضع و اصول قانونی تاکید دارد، راه را بر هیچ هنرمندی نبسته است و بر تعامل حداکثری با آنها تاکید دارد. ضمن اینکه برخی از خانم‌هایی که سال پیش کشف حجاب کرده بودند هم در مراسمات اخیر با حجاب حضور داشتند.

به‌طور کلی ما بنای بر لجاجت با جامعه هنری نداشته و نداریم، چون منطق ما خلاف این است. منطق و استراتژی ما تعامل و گفت‌وگو است. در همین مساله حقوقی که شما می‌گویید بارها و بارها به ویژه در سال گذشته که ما یک پیک رفتار غیرحقوقی از جانب معرودوی از هنرمندان داشتیم، تمام تلاش مان را معطوف این کردیم که با گفت‌وگو متوجه بار حقوقی رفتار و گفتارشان کنیم. این جمله را هم گفتیم که اگر کسی خلاف منطق ملی و قانون و شریعت رفتار متجاخرانه‌ای را از خودش نشان دهد، طبیعتا از سمت هیچ ایرانی و شهروند قانونمداری پذیرفته نیست و از ما به‌عنوان وزارت ارشاد که به‌رحال متولی حوزه فرهنگ و هنر و رسانه هستیم، متوقع هستند که عکس‌العمل مشخص و قانونی داشته باشیم اما در عین حال می‌فرمایید که بعضی اصلاح رفتار و گفتار کردند. هر کدام از اینها هم که باشد، کاملا این حرف طبق همان ضوابط حقوقی خودش قابل اصلاح و ترمیم و برگشت است، چون منطق ما بر لجاجت و تقابل نیست بلکه منطق ما تعامل است و دل‌مان می‌خواهد آنچه حاکم بر جامعه هنری است، اتفاقا رفتاری حقوقی باشد.

نگاهی به فیلم‌هایی که سینمای آمریکا درباره تسخیر سفارت این کشور در تهران ساخت

نیروی دلتافورس شکست خورد سینماگران را بفرستید!

که مقابل دانشگاه تهران تعدادی از دانش‌آموزان به گلوله بسته شدند. اما سیزدهم آبان را با یک عنوان دیگر هم می‌شناسند؛ تسخیر سفارت آمریکا در تهران که از جانب تسخیرکنندگانش به لانه جاسوسی شهرت پیدا کرد. این اتفاق در سال ۱۳۵۸ و به دست تعدادی از دانشجویان رخ داد و هدفش وادار کردن آمریکایی‌ها به پس دادن شاه بود. شاه با هر زحمتی توانست بالاخره وارد آمریکا شود و ایرانی‌ها می‌ترسیدند که دولت آمریکا مثل سال ۳۲ دوباره بخواهد کودتا کند و او را به قدرت بازگرداند. تسخیر سفارت آمریکا در تهران از جمله بحث‌برانگیزترین اتفاقات تاریخ معاصر به حساب می‌آید و سینمای ایران تنها با یک فیلم سریع آن رفته است. فیلمی که آن هم ربط مستقیمی به خود سفارت ندارد و به نیروهای دلتافورس مربوط می‌شود که برای نجات آمریکایی‌ها به ایران آمدند و در طوفان شن گرفتار شدند. فیلم «طوفان شن» از محمد جواد شمقدری. البته در این خصوص مستندهای زیادی



میلاد جلیل‌زاده خبرنگار گروه فرهنگ

سیزدهم آبان ماه روز بسیار پرماجری در تقویم سیاسی و اجتماعی ایران است. سال ۱۳۴۳ در چنین روزی امام خمینی پس از سخنرانی معروفش علیه کاپیتولاسیون از ایران به ترکیه تبعید شد و درحالی‌که عمده مسیر دستگیری و بازداشت را ساکت بود و با کسی حرف نمی‌زد در هواپیما به مأموران ساواک که همراهش بودند، گفت: «من به جرم دفاع از وطن تبعید شدم» و دوباره لب فروبست. سال ۱۳۵۷ هم در چنین روزی دولت شریف‌امامی که رئیس ساواک می‌گفت اگر نخست‌وزیر شود کشور را دوماهه به حالت انقلابی فرو خواهد برد، واقعا چنین کرد. او یک روز کوتاه می‌آمد و روز دیگر ناگهان خشونتی خونین به خرج می‌داد و یکی از قوس‌های سعودی این خشونت‌ورزی سیزدهم آبان ماه بود؛ روزی

آمریکای زیبا- ۲۰۰۱

فیلم «آمریکای زیبا» AmericaSoBeautiful، در حقیقت چیزی نیست جز همانچه درامش آمده است. داستان گروهی از مهاجران ایرانی در لس‌آنجلس را دنبال می‌کند که سعی دارند در بچیوجه بحران تسخیر سفارت آمریکا در تهران، جایگاه خود را در آمریکا پیدا کنند. هوشنگ براین باور است که بلیت خروج از بازار فارسی عمومهایش را دارد و این بلیت یا برگ برنده، شریک شدن در یک دیسکو پرزرق‌وبرق است. البته او باید بتواند سرمایه لازم برای این کار را فراهم کند. درحالی‌که هوشنگ تلاش می‌کند تا پای خانواده‌اش را به این معامله بکشد. تصمیم می‌گیرد با بردن آنها برای یک شب در دیسکو، تکه‌ای از روزی را به آنها نشان دهد. آنها در عوض با شیبی از شگفتی و دگرگونی مواجه می‌شوند که مملو از شادی، درد و مکاشفه است. شب نومیده‌انه همگون‌سازی خانواده هوشنگ با فرهنگ آمریکا به جست‌وجویی متحرک برای هویت، فرهنگ و کالبدشکافی مؤثر در رویای آمریکایی تبدیل می‌شود. بابک شکران که کارگردان این فیلم بود در سال ۲۰۱۵ هم یک فیلم دیگر به نام «ShahBob» (راکاردانی کرد که چندان دیده‌نشد.



فصل جدید فرار از زندان بدون ستاره‌هایش

به نقل از ورایتی، فصل جدیدی از سریال «فرار از زندان» در دنیای درام پرطرفداری که از شبکه فاکس پخش شد، توسط هولو در حال ساخت است. الگین جیمز در حال نوشتن فیلمنامه این سریال است و احتمال می‌رود در داستان جدید، شخصیت‌های اصلی سریال یعنی مایکل اسکافیلد با بازی «تورتور میلر» و لینکلن باروز با بازی «دومینیک پرسل» حضور نداشته باشند. در رزومه هنری جیمز، علاوه‌بر ساختن اسپین‌آف «پسران آتارشی»، سریال «آقایان» با بازی کریستوفر واکن هم وجود دارد. ری در کنار داون اولمستند که خالق سریال «فرار از زندان» بود، از تهیه‌کنندگان سریال جدید هستند. فرار از زندان، اولین بار در تاریخ ۲۹ آگوست سال ۲۰۰۵ روی آنتن رفت و از آن زمان به مدت پنج فصل از شبکه فاکس پخش شد. در ادامه این مجموعه یک فیلم تلویزیونی به نام «فرار نهایی» و یک اسپین‌آف کم‌هزینه به نام «فرار از زندان: اثبات بی‌گناهی» را تولید کرد. این اسپین‌آف به‌طور انحصاری برای تلفن‌های همراه در دسترس بود. از این مجموعه همچنین تولیدات دیگری هم ساخته شد و الهام‌بخش یک بازی ویدئویی، وب‌سایت‌های آنلاین، یک مجله و یک رمان قرار گرفت. نسخه اصلی فرار از زندان، به دنبال لینکلن باروز است که به‌دلیل جنایتی که مرتکب نشده به اعدام محکوم شده و برادرش مایکل اسکافیلد، نقشه‌ای برای کمک به لینکلن برای فرار از زندان طراحی می‌کند. این نمایش در رتبه‌بندی غول‌پیکر بود و جایزه گلد‌گلوب را برای بهترین سریال تلویزیونی درام برای فصل افتتاحیه خود دریافت کرد. در این سریال رابین تونی، پیتر استورمار، آموری نولاسکو، مارشال آلمن، وید ویلیامز و پیل آلدستاین نیز ایفای نقش کردند. ادلشتاین، موریتز، مت اولمستند، کوین هوکس، داون پاورس و برت رنتر تهیه‌کننده اجرایی آن بودند.



«بچه‌زنگ»؛ پر فروش‌ترین انیمیشن سینمای ایران

انیمیشن سینمایی «بچه زنگ» از فیلم‌های اکران شده فصل پاییز بود که از پنجم مهر در سالن‌های سینمایی سراسر کشور به نمایش عمومی درآمد. این فیلم تاکنون ۷۰۰ هزار مخاطب داشته است و طی پنج هفته اکران به فروش ۲۴ میلیارد تومان رسیده است. بچه‌زنگ با رشدی صعودی در گیشه توانسته است به پر فروش‌ترین فیلم کودک و همچنین پر فروش‌ترین انیمیشن تاریخ سینمای ایران تبدیل شود. این فیلم به تهیه‌کنندگی حامد جعفری و نویسندگی علی رمضان، از ابتدای اکران توانست با اقبال کودکان و خانواده‌های‌شان مواجه شود و رکورد های مختلفی را جابه‌جا کند. این فیلم در ابتدا توانست عنوان دومین فیلم فروش هفتگی و روزانه سینماها را در اختیار بگیرد و در هر هفته با یک رشد صعودی، فروش بیشتری نسبت به هفته قبل داشته باشد. همچنین این فیلم توانست در چند هفته ابتدایی اکران به پر فروش‌ترین فیلم کودک سال جاری تبدیل شود. داستان انیمیشن بچه‌زنگ درباره پسر بچه‌ای به نام محسن است که عاشق ابر قهرمان‌های فیلم هاست و همیشه تلاش می‌کند تا با وسایل ابرقهرمانی‌اش به هرکس و هر چیزی کمک کند. اما در یک اتفاق نادر، محسن با پیری مواجه می‌شود که از گونه حیوانات منقرض شده ایران است و تصمیم می‌گیرد تا به آن حیوان هم کمک کرده و او را به زادگاهش بازگرداند. به گفته جعفری، این پویانمایی در دو نسخه تولید شده است. نسخه اول آن، ایرانی و برای کشورهای مسلمان و نسخه دیگر هم برای کشورهای غیرمسلمان است. انیمیشن سینمایی بچه‌زنگ، سومین محصول انیمیشن سینمایی گروه هنر پویا و لئون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که به همت یک تیم ۲۵۰ نفره از جوانان ایرانی به کارگردانی مشترک بهنود تکویی، هادی محمدیان و محمد جواد جنتی ساخته شده است. این پروژه از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ به مدت چهار سال در حال ساخت بود و در جشنواره فجر ۱۴۰۱ پخش شد. آهنگسازی این اثر توسط امیر توسلی و با مدیریت تولید اسماعیل کراری انجام شده است.



ساخته شد ولی در حوزه داستانی عملا هیچ فیلمی به خود واقعه اشاره نکرده است. جالب اینجاست که آمریکایی‌ها هم در این خصوص کم‌کار بودند تا اینکه در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ میلادی، دو فیلم توسط کارگردانان ایرانی-آمریکایی با اشاره به این موضوع ساخته شد. این دقیقاً به پس از وقایع ۱۱ سپتامبر و حمله به برج‌های دوقلو مرکز تجارت جهانی برمی‌گردد که مقیاس اسلام‌ستیزی در غرب بسیار بالا رفته بود و عده‌ای از افراد ایرانی‌الاصل در تلاش برای سوا کردن حساب خودشان از مردم منطقه غرب آسیا بودند. بیش از یک دهه بعد وقتی تقابل ایران و آمریکا خیلی جدی‌تر شد این بار چند نفر از ستاره‌های سینمای آمریکا راسا ورود کردند و در این باره فیلمی ساخته شد به نام «آرگو». با این فیلم که برنده اسکار هم شد، تعداد بسیار بیشتری از مخاطبان آشنا هستند. در ادامه به مناسبت ۱۳ آبان‌ماه مروری کرده‌ایم بر سه فیلمی که سینمای آمریکا با موضوع تسخیر سفارت این کشور ساخته است.

آرگو- ۲۰۱۲

«آرگو» ماجرای یک مأمور سیاست که تحت پوشش یک تهیه‌کننده هالیوودی درحال جست‌وجو و تحقیق برای ساخت فیلمی علمی-تخیلی است، اما عملیات خطرناکی را برای نجات شش آمریکایی در تهران آغاز می‌کند که در جریان بحران اشغال سفارت آمریکا در ایران به راه افتاده است. کارگردان این فیلم بن افلک است و جرج کلونی تهیه‌کننده آن بود که هر دو از ستاره‌های سینمای هالیوود هستند. بن افلک خودش هم در این فیلم بازی کرده و هنرپیشه‌های دیگری که هیچ‌کدام ستاره نیستند از جمله برایان کرانستون، آلن آرکین، جان گودمن و الکساندر دسپلاهم بازیگران دیگر کار هستند. آرگو پر از جعل‌های مشخص تاریخی است اما با حمایت سازمان سیا که به‌طور رسمی اعلام شده توانست فروش خوبی در آمریکا پیدا کند. یکی از نکات اصلی این فیلم تاکید آمریکایی‌ها روی قدرت سینما برای نفوذ در قلب سیستم امنیتی ایران است. آنها به این طریق سعی در فرار از اشاره به ماجرای طوفان طیس داشتند.



هر ۸ فیلم ضدآمریکایی شبکه نمایش آمریکایی هستند

شبکه نمایش به مناسبت فرارسیدن روز مبارزه با استیکبار جهانی، مجموعه‌ای از آثار سینمایی با موضوع پشت‌پرده سیاست را تقدیم بینندگان خود می‌کند که البته همگی محصول خود آمریکا هستند. به نقل از روابط عمومی این شبکه، به مناسبت روز ۱۳ آبان، از پنجشنبه ۱۱ آبان تا ۱۷ آبان فیلم‌هایی با این موضوع روی آنتن شبکه می‌رود. فیلم سینمایی «معاون»، پنجشنبه ۱۱ آبان ماه ساعت ۲۳ پخش می‌شود. این فیلم درباره مردی جوان است که به‌عنوان دستیار شخصی یکی از فرمانده‌های وزارت دفاع آمریکا شروع به کار می‌کند. فیلم سینمایی «سگ را بچینان»، جمعه ۱۲ آبان ماه ساعت ۲۳ پخش می‌شود. داستان ۱۱ روز مانده به انتخابات آمریکا از روایت می‌کند که یک دختر ۱۷ ساله مدعی می‌شود توسط رئیس‌جمهور در دفترش مورد تعرض قرار گرفته است. فیلم سینمایی «هدف پارالاکس»، شنبه ۱۳ آبان‌ماه ساعت یک با مده‌اد پخش می‌شود. هدف پارالاکس درباره گزارشگر تلویزیون و دوستش است که شاهدان ترور سناتور کارول، نامزد ریاست جمهوری و کشته شدن قاتل او هستند. فیلم سینمایی «اسرار رسمی»، شنبه ۱۳ آبان‌ماه ساعت ۲۳ پخش می‌شود. در این فیلم یکی از مأموران اطلاعاتی بریتانیا برای جلوگیری از حمله آمریکا و دولتش به عراق یک یادداشت محرمانه را در مطبوعات پخش می‌کند. فیلم سینمایی «منطقه سبز»، یکشنبه ۱۴ آبان‌ماه ساعت ۲۳ پخش می‌شود. داستان فیلم در مورد یک افسر آمریکایی در جنگ عراق است که به دنبال نجات جان بشریت به عراق رفته است. فیلم سینمایی «سلما»، دوشنبه ۱۵ آبان‌ماه ساعت ۲۳ پخش می‌شود. داستان درباره مارزین لوتر کینگ و صداها تن از همراهانش است که خواستار گرفتن حق رای برای جامعه سیاه‌پوستان آمریکا می‌شوند. فیلم سینمایی «دره گرگ‌ها: عراق»، سه‌شنبه ۱۶ آبان‌ماه ساعت ۲۳ پخش می‌شود. این فیلم داستان گرفتار شدن چند تبعه ترک به دست نیروهای آمریکایی در عراق است. فیلم سینمایی «سرزمین آواره‌ها»، چهارشنبه ۱۷ آبان‌ماه ساعت ۲۳ پخش می‌شود.



ادامه از صفحه ۱۲

۱۳

فرهنگستان

فرهنگ



شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲



شماره ۳۹۹۸



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGADAILY

از نقد برنامه هفتم توسعه تا آینده سوژه عدالتخواه در گفت‌وگو با سردبیر مجله «نامه جمهور»

جامعه عمیقا به نیروی سیاسی جدیدی احتیاج دارد که مساله‌اش سیاست اجتماعی باشد

شکاف دولت و ملت فقط سیاسی و فرهنگی نیست، بخشی از آن ناشی از سیاست رفاهی است



سید جواد نقوی خبرنگار گروه ایده حکمرانی

مجله «نامه جمهور» به شماره سوم خود رسیده است. مجله‌ای که دغدغه اصلی آن احیای سوژه عدالت و عدالتخواهی است تا بتواند این گسست را در مقطع فعلی برطرف کند؛ هرچند مساله عدالتخواهی بیش از آنکه مساله فردی باشد سوژه اجتماعی است اما مجله نامه جمهور سعی دارد از طریق بررسی موارد سیاست‌ورزی های مهم، سوژه‌هایی را شکل دهد که نسبت به گفتمان عدالتخواهی هوشیار و دقیق باشند. به همین جهت با مجتبی نامخواه، سردبیر این مجله گفت‌وگویی را صورت دادیم تا هم درباره مجله گفت‌وگو کنیم و هم به‌عنوان یک فعال عدالتخواه نظرش را راجع‌به مسائل روز از جمله نقد و نظرهایش درباره برنامه هفتم توسعه در آخرین شماره مجله جمهور جویا شویم.

□ □ □

ظاهرا یک دعوی تئوریکی را بیش از صد سال داشته‌ایم که بحث توسعه در معنایی یا ترقی در معنایی دیگر را برای ما داشته است. جدل‌های معرفتی که سعی داشته ما را به توسعه برساند. بعضی جاها عدالت، غایب و یک جاهایی نیز حاضر بوده است. اما یک وضعیت وجود دارد که وقتی توسعه، پیشرفت و ترقی مطرح شده بلافاصله بحث عدالت نیز مطرح شده است.

امروز بعد از گذشت صد سال ما در وضعیت تاریخی جدیدی قرار داریم از این جهت که تجارب و وضعیت تنگدیدی داریم که به ما نشان می‌دهد در همه این صد سال هر جا بحث توسعه بوده سوژه عدالتخواهی کمرنگ شده است. درست است که شاید در کنارش بوده و جدل‌هایی همراه با آن مطرح شده ولی انگار وضعیتی بوده که توسعه یا ضد عدالت خوانش شده است یا کسانی که توسعه را مطرح می‌کردند دوست داشتند از الفاظی چون عدالت، عدالتخواهی و امثالهم کمتر استفاده کنند یا پروژه توسعه را با این لفظ ناقص و اشتباه می‌دانستند. در چنین شرایطی مجله‌ای چون مجله شما یعنی «نامه جمهور» بیرون آمده و ایده‌ای دارد که ظاهرا می‌گوید که حالا اگر بخواهیم از این لفظ استفاده کنیم توسعه را جز با عدالت نمی‌توان فهم کرد. نظراتان را نسبت به قسمت اول سوال بفرمایید تا بعد سراغ سایر موضوعات برویم.

ما پیش از صد سال و قریب به یک دهه سده است که مساله توسعه داریم و به طور دقیق ۷۵ سالی هست که برای توسعه برنامه‌ریزی می‌کنیم. در دوره بعد از انقلاب به‌وضوح درک و طلب ما از توسعه متفاوت می‌شود و با مقوله عدالت اجتماعی درهم می‌آمیزد اما سال ۱۳۶۸ که تاریخ برنامه‌ریزی برای توسعه پس از انقلاب آغاز می‌شود این برنامه‌ها همواره در وضعیت متناقضی نسبت به مقوله عدالت قرار دارند. برنامه‌ریزان این برنامه‌ها در دوره بعد از انقلاب اعتقاد داشتند که مساله اصلی در حال حاضر گونه‌ای از توسعه است که از آن به «سازندگی» تعبیر می‌کردند و معتقد بودند توسعه‌ی این قسم از توسعه می‌تواند برای ما مراتبی از برابری و عدالت و نیز بیابورد. این اعتقاد را نیز داشتند که ما بعد از انقلاب زیادی به سمت عدالت و برابری حرکت کردیم و به همین دلیل زیادی دست دولت باز شده است. البته در این باره حرف‌هایشان خیلی مستند به واقعیت بیرونی و تحقیقات مربوطه نبود. همین الان همین‌طور است. بیشتر حس و درک درونی از وضعیت داشتند اما براساس آن سیاستگذاری می‌کردند، یعنی

یک فرآیند معیوب سیاستگذاری که حالا شاید بتوانیم درباره‌اش صحبت کنیم کاملا ملوک‌الطوایفی، کاملا بخشی؛ به همین خاطر نمی‌توانیم بگوییم که ما در طول تاریخ برنامه‌ریزی توسعه از ۱۳۶۸ به بعد حتی امر توسعه را هدف‌گیری کرده‌ایم. ما در همین شماره از مجله یک تاریخ بسیار مختصر و مصور از ۷۰ و چند سال توسعه در ایران داریم. به ماجرابی که در اتفاقات مربوط به بحران آب در خوزستان و اعتراضاتی که اواخر دولت قبل شده بود پیش آمد در مطلب اشاره کرده‌ایم. معاون اول دولت وقت که یک نماد تام از کارگزار جمهوری اسلامی است، یعنی هم هشت سال در پارلمان هم در وزارتخانه‌های مهم صنعتی و هم معاون اول بوده است و به عبارتی به جز هفت هشت سال در تمام دوران جمهوری اسلامی ایشان عالی‌ترین مسئولیت‌ها از استاندار بگیرید تا بقیه سمت‌ها را داشته و آرکی تایپ کارگزار توسعه در ایران است. او در استان خوزستان حرف خیلی مهمی را زد. گفت که من به‌عنوان کسی که عمرم را روی توسعه گذاشته‌ام، تعجب می‌کنم می‌بینم این توسعه‌ای که ما دنبال کردیم تبعیض آفریده و نتوانسته رضایت مردم را به دست بیابورد. به نظر من ایده چکیده ۳۴ سال توسعه ما بعد از انقلاب بوده؛ فردای آن روز روزنامه سازندگی که باید مقداری توضیح می‌داد و توجیه می‌کرد گفت که به هر حال یک اتفاقاتی افتاده و چون کارگزارانی از استان‌های مرکزی داشتیم اینها صنایعی چون فولاد را بدون لحاظ کردن اینکه این صنایع آب‌بر هستند در استان‌های مرکزی و کردیم که زادگاه‌شان بود ایچاد کرده‌اند؛ صرفا به خاطر اینکه زادگاه‌شان بوده و حلاله‌ه مشکل آب پیش آمده و می‌خواهند برای آن صنایع از سرچشمه رودخانه‌های دیگر مناطق آب ببرند مشکل آب جدی و اجتماعی می‌شود. می‌خواهم بگویم منصف باشیم و هر کاستی را به گردن توسعه و عوارض آن نیندازیم. توسعه اصلا هدف‌گیری نشده است که عوارضی داشته باشد. سیاستی که براساس زادگاه و شهر مورد علاقه یک مدیر تعیین شود هرچه باشد سیاست توسعه نیست. بنابراین به یک معنا ما سیاست توسعه هم نداشته‌ایم. کدام سیاست توسعه؟ همین سیاست توسعه نیم‌پندی هم که داشته‌ایم هیچ وقت به‌طور منطقی در آمد‌و‌شد با ایده‌ها و بنیادهای نظری نبوده است.

یادم هست زمانی مصاحبه‌ای از مرحوم نوربخش می‌خواندم که می‌گفت ما در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه توسعه تئوری خاصی نداشتیم، جلو آمدیم و در عمل به چیزی تحت عنوان چهارچوب نظری رسیدیم. این مسیر به خوبی به ما نشان می‌دهد که اداره کشور که منتظر نظریه نمی‌ماند و اگر عمل‌گرایی نباشد، عمل‌زدگی ایجاد می‌شود اما ما باید همین دیدگاه را در نقد توسعه هم داشته باشیم. نقد توسعه را به‌صورت امر انضمامی و اجتماعی دنبال کنیم نه دعوی انتزاعی. این طور نبوده که ما یک سری نظریه‌هایی داشته‌ایم که اینها غریب بوده‌اند و توسعه غریبی آفریده‌اند و ما باید در مقام نقد این تئوری‌ها برپایییم و مجادلات کلاکرده و اثبات کنیم که «تحقق ارزش‌ها موجب پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی است» که بشود الگوی توسعه و پیشرفت اسلامی. آن تصویر و تفسیر غلط از تاریخ توسعه، این مسیر غلط از نقد توسعه را هم پیش‌روی ما قرار می‌دهد.

ما در عدالت فرومانده‌ایم و انبوهی از عوارض دیگر اما این به این خاطر نبوده که ما در چهل پنجاه سال اخیر با توسعه مواجه بودیم و اینها عوارض توسعه است. این فرضیه هم مطلوب کارگزاران این چند دهه است و هم الگویی از نقد توسعه که میل زیادی به ذهنی‌سازی و ساده‌سازی نقد توسعه دارد. مقهور اینرسی مجادلات کلامی و ذهن‌زدگی در سنت فکر اسلامی است. به‌صورت دقیق‌تر مساله این است که ما با یک سیاستگذاری ملوک‌الطوایفی، بخشی، غیرمدنی و… مواجه بودیم که امکان سیاست توسعه را از ما گرفته، عدالت را هم از ما گرفته است و این خیلی طبیعی است. فرآیند سیاستگذاری که مدنی نباشد، آزمایشگاهی و استعلام‌لبانه و ملوک‌الطوایفی باشد متغیرهای بیهوده بسیاری موثر می‌شود. آیا ما باید در مقام نقد به این متغیرهای اکتفا کنیم و تنها از غریبی‌بودن الگوی توسعه بگوییم و نتولیرالیسم را نقد شبه‌کلامی کنیم یا باید متغیر مستقل و عامل اصلی را بیابیم. توسعه یک امر آبجکتیو است و نقد توسعه منطقا نمی‌تواند آبجکتیو نباشد هرچند مسائل نظری در «جای خود» مهم است اما در جای خود.

کار آخر شما درباره «نامه جمهور» که شماره سوم مجله هست به بحث «توسعه» و نسبتش با «عدالت» پرداخته است. این خیلی خوب است که ما مجله‌ای داریم که بحث عدالت را چه در جاهایی بحث نظری و چه در برخی نقاط، بحث سیاستگذاری مطرح می‌کند. قطعا در طول زمان نیز این بحث پخته‌تر می‌شود. سوال این است که آیا ما هیچ ایده سیاست توسعه‌ای در دوران پساانقلاب نداشتیم، حتی تکنوکرات‌ها و لیبرال‌ها یا ایده خاصی در سیاستگذاری؟ آیا همین‌طور ما جلو آمدیم و اقتضایی عمل کردیم یا اینکه در پس اینها، ایده‌هایی نیز بوده است؟ این سوال از این جهت برای من مهم است که به نظر من نکاتی را در این خصوص از غرب یا شرق فهمیده بودیم و سعی می‌کردیم که به آن ایده‌های توسعه در آنجا نزدیک شویم. خودتان بهتر می‌دانید بحث‌هایی همچون ژاپن اسلامی، بعدها سوئد و بعدترش رژیم‌های سیاستگذاری در آمریکا. همین‌هایی را که احساس شده بود نمی‌توان سیاست توسعه قلمداد کرد؟

درمورد مجله باید بگویم ما در این شماره درباره توسعه حرف زدیم، درباره «لایحه برنامه هفتم توسعه» حرف زدیم. فکر کردن «جزئی» درباره توسعه است که می‌تواند ما را به یک نظریه کلی برساند. مشکل ما از جایی شروع شد که فکر کردن به امر جزئی یا به تعبیری تغییرات جزئی را اهمیت ندادیم و آن را خروج از دایره علم و نظریه دانستیم و تحقیر کردیم. فارابی تعبیری دارد که می‌گوید فکر کردن به تغییراتی است که در کوتاه‌مدت اتفاق می‌افتد، فضیلت فکر است، یعنی همچنانکه در حکمت نظری تفکر در اموری فضیلت دارد در حکمت علمی نیز تفکر فضیلت‌هایی دارد که عبارت است از فکر کردن به تغییرات جزئی. ما در شرایطی تجربه تدوین برنامه هفتم توسعه را می‌گذرانیم که به‌طرز شگفت‌انگیزی هیچ چیزی درموردش گفته نشده است. در فضای اندیشه‌ای ما و حتی در ژورنالیسم اندیشه‌خوبی گفت‌وگوی جدی درباره برنامه توسعه نداشت درحالی‌که بخشی خیلی مهمی از سنت روشنفکری ما در دوران معاصر همان‌طور که اشاره کردید حول مفهوم توسعه و حرف زدن درباره توسعه بوده است. تک‌تک برنامه‌های توسعه-چه برنامه‌های قبل و چه برنامه‌های پس از انقلاب-در فرآیند تدوین و حتی پس از آن موضوع گفت‌وگوهای نظری جدی بوده‌اند. ما اما امروز با برنامه‌ای مواجه هستیم که تدوین می‌شود و مسیر تصویبش را طی می‌کند ولی درمورد آن در حوزه عمومی حرفی زده نمی‌شود. آیا این جامعه هیچ حرفی و ایده‌ای درباره توسعه ندارد؟ ما دانیم که لایحه برنامه با ۱۱۷ ماده وارد مجلس شد و کمیسیون تلفیق ۱۲۱هم ماده به آن افزود؛ نمی‌دانم که به لحاظ قانون اساسی چه تعبیری می‌توان از این روند داشت، چون بر حسب ۱۲۶ قانون اساسی برنامه‌ریزی در اختیار رئیس دولت است. آیا این شیوه از عملکرد مجلس که کمتر از ده سال است باب شده است، بررسی لایحه است یا تبدیل آن است به طرح و خروج از قانون اساسی؟ بگذریم، این مساله محل بحث ما نیست. مساله این است که ما با جامعه‌ای مواجه هستیم که در حوزه نظری حرف نمی‌زند ولی در حوزه سیاستی، نمایندگان آن این همه سیاست و مواد پیشنه‌های دارند. اگر نمایندگان این جامعه ۱۲۱ ماده در حوزه سیاست به برنامه اضافه می‌کنند، اگر این همه حرف و پیشنهاد برآمده از جامعه وجود دارد، چرا در حوزه عمومی درباره آن حرف زده نمی‌شود؟ این عدم توازن خیلی با ما حرف می‌زند.

ما در کتاب مجله «نامه جمهور» که شماره سوم آن به‌تازگی منتشر شده است به دنبال احیای این فضیلت تفکر هستیم. اصلا کار ژورنالیسم اندیشه، فکر کردن به امر جزئی است. کار ما جست‌وجوی مسیری برای تبدیل تفکر به امر جزئی و به امر کلی است. ما می‌خواهیم این کار را انجام بدهیم و فکر می‌کنم این کار مهمی است که می‌تواند رکود تفکر در زمانه ما را درمان کند. ما در این چهارچوب درباره برنامه هفتم توسعه حرف زدیم نه درباره توسعه.

یکی از مهم‌ترین خطاها در مسیر توسعه ما این بود که رسانه‌ها را از جایگاه نقادی که اقتضای آن تمرکز بر امر جزئی است خارج کردیم. نمی‌دانم در خاطر دارید یا نه؛ در اواخر دهه ۷۰ ایده‌ای در اصلی‌ترین دانشکده‌های ارتباطات کشور مطرح شد که عنوان آن «روزنامه‌نگاری توسعه» بود. به زبان ساده اگر بخواهم بگویم این پدیده که راست‌مدرن به آن «روزنامه‌نگاری توسعه» می‌گفت همان چیزی است که اصولگرایی زمانه ما و چه می‌دانم نواصولگرایی، به آن می‌گویند «خبیر خوب». این بود که روزنامه‌نگاری باید روایت عمومی توسعه باشد و هیچ وقت به عوارض توسعه‌ی فردا در برنامه هفتم توسعه باید‌های آن و برنامه‌های آن نیندیشد. این یعنی تفوق امر سیاستی بر امر سیاسی، یعنی همین وضعی که امروز به آن دچاریم که در حوزه عمومی و در جایگاه امر سیاسی درباره برنامه توسعه حرف نمی‌زنیم اما در موضع سیاستگذاری، انبوهی از مواد را به آن می‌افزاییم. این میل به تفوق امر سیاستی بر امر سیاسی آفت‌در‌قندرمند است که موانع حقوق اساسی را هم دو می‌زند و فرآیندهایی را ایجاد می‌کند که با هر عقل سلیمی خلاف قانون اساسی است. اینکه ما در وضعیتی هستیم که در حوزه عمومی درباره توسعه حرف نمی‌زنیم ولی در حوزه سیاستی سیاستگذاری مفصلی درباره توسعه می‌کنیم، یعنی ابتدائی امر سیاستی بر امر مدنی نباشد و این برای نظامی که ماهیتش جمهوری بودن است خیلی خطرناک است.

این وضعیت البته قدیمی است اما در دوره کوتنی خودش را بیشتر و بهتر نشان می‌دهد. در ادوار مختلف ما پیش از آنکه ایده توسعه داشته باشیم،



سیاست توسعه داشتیم و بیش از آنکه ایده‌های سیاسی درباره توسعه داشته باشیم، برنامه‌های سیاستی درباره توسعه داشتیم و کمترین توسعه ما بر تفکر درباره تجربه توسعه بوده است. امروز ما وضعیت کم‌دی‌اش را داریم ولی وضعیت تراژیک آن همواره بوده است، یعنی بیش از آنکه به امر جزئی و تغییرات جزئی فکر کنیم، امور کلی را چه در چهارچوب لیبرال و چه در چهارچوب اسلامی هدف می‌گرفتم.

فکر می‌کردیم که امر کلی و مینرالوژوما و به شکلی مکانیکی می‌تواند سیاست تولید کند. فراموش نکنیم ما در روزگاری صحبت می‌کنیم که ایده و ادبیات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، که یک و نیم تا دو دهه رهبر انقلاب روی آن سرمایه‌گذاری کرد و حدود یک دهه هم یک نهاد مرتزق از بودجه عمومی برای تمرکز روی آن شکل گرفت، هیچ خرجی معناداری نداشته و عملا شکست خورد؛ چرا؟ به دلیل اینکه ایده‌ای که از حاق تجارب حکمرانی رهبر انقلاب برآمده بود در مقام عمل به وادی کلی‌گرایی و مجادلات کلامی افتاد و ادبیاتی که این همه ظرفیت داشت و این همه از عالی‌ترین سطوح انقلاب به شکل مکرر و در سطح عمل و تفکر پشتیبانی می‌شد، در عمل نتوانست یک الگوی پایه بدهد و ادبیاتی تولید کرد که در موقعیت‌های مهم تکوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه هیچ حرفی برای گفتن ندارد. حتی خود همین سند پایه که متن عجیب و غریبی بود که منتشر شد و قرار بود جمع‌بندی نظرات انجام شود و از ابتدای قرن جدید شمسی بیاید و مبنای همه چیز باشد، به هیچ نتیجه‌ای نرسید. این وضع البته ضعف مرکز الگو نبود بلکه ضعف همه‌نظم‌های نظری‌ای است که حاضر نیستند به عمل و امر جزئی و عقل عملی و عدل اجتماعی توجه کنند؛ این تصور که بدون حرف زدن از تغییرات جزئی و بدون اندیشیدن درباره گام‌های برداشته‌شده درباره توسعه، می‌توان تئوری توسعه داشت، هم در جامعه ما همین الان وجود دارد و هم در روایت ما از تاریخ فکری مشهود است. ما فکر می‌کنیم که ایده خیلی بزرگی بوده، مثلاًیک ایده لیبرالی بوده است و بعد براساس آن توسعه لیبرالی را خواسته‌اند بیابورند و اجراکنند و حالا ما باید بیابیم وآن را نقد کنیم و توسعه را اسلامی کنیم. خیلی خیلی بیش از این کلان روایت متداول، امر توسعه و سیاست توسعه در ایران، انضمامی‌تر و اقتضایی‌تر بوده و شکل دادن به آن هم خیلی بیشتر نیازمند عقل جزئی-عملی است. در بحث نظری به این معنا که گفته شد، این دوگانه لیبرال-

اسلامی و سنت-تجدد ما را از میدان جدا می‌کند. این میدان که جدا شویم عقل عملی و عقل نظری تفاوتی ندارد. بیکاره سند پایه و الگوی پیشرفت می‌نویسیم مملو از احکام عقل نظری و مباحث کلامی که اسلام خوب است، ضامن سعادت است. اصلا عقل اهمیت خودش را از دست می‌دهد

از نقد برنامه هفتم توسعه تا آینده سوژه عدالتخواه در گفت‌وگو با سردبیر مجله «نامه جمهور»

جامعه عمیقا به نیروی سیاسی جدیدی احتیاج دارد که مساله‌اش سیاست اجتماعی باشد

شکاف دولت و ملت فقط سیاسی و فرهنگی نیست، بخشی از آن ناشی از سیاست رفاهی است



و بخش مهمی از رشد نواشعری‌گری و اخباری‌گری در تفکر اسلامی معاصر معلول و محصول همین گریز از میدان واقعیت است. از میدان واقعیت که چشم پوشیم عدل چه اهمیتی دارد؟ عدالت یک ارزش می‌شود کنار دیگر ارزش‌ها. این شکاف و جدایی به سیاستگذاران در میدان این امکان را می‌دهد که بدون هیچ تقیید اجتماعی و نظری، بیروند و کار خودشان را بکنند. سرمایه‌داری بی‌قواره و بی‌حساب و کتاب و رفاقتی از همین بستر برمی‌خیزد. تا واقعیت و تغییرات جزئی آن در کوتاه‌مدت مساله ما نشود طلب عدالت برابمان منتع خواهد بود. این مساله‌ای است که ما در نامه جمهور به آن فکر می‌کنیم.

من دوباره سوال را تکرار می‌کنم چراکه فکر می‌کنم پاسخی دریافت نکردم. از طرفی نیز شما نکات مهمی گفتید که هر کدام باید مورد بحث قرار بگیرد. اول‌پس شما معتقد هستید که چیزی به‌عنوان سیاست توسعه‌ای که از غرب مدل‌برداری شود و یک به یک پیاده شود، وجود نداشته است. شاید یک تصویر خیالی و کلی از یک وضعیت وجود داشته است اما فقط در ساحت تصویر بوده ولی وقتی به آن عمل کرده‌اند، حتی به آن تصویر نیز نزدیک نشده‌اند. این برداشت من از حرف‌های شماست. درست است؟

بله، واقعا این‌طور است.

و احتمالا تصویر آشفته‌ای به نام توسعه ساخته شده است. به تعبیری اگر بخواهیم به صورتی رادیکال سوال ببریم این می‌شود که آنهايي که دم از توسعه در این سال‌ها می‌زدند، دقیقا خودشان نمی‌دانستند که به چه مسیری می‌خواهند بروند و فقط این دیسکورس و گفتار را سعی کرده‌اند فریه کنند و یک چیزی بین توسعه و ضد توسعه را ایجاد کنند.

دقیقا همین است.

نکته مهمی که اشاره کردید این است که ما در بحث توسعه به امر جزئی خیلی دقت نکردیم و همیشه از یک امر کلی حرف زدیم. آیا این به این معناست که ما چیزی از زیست‌بوم خودمان را متوجه نشده‌ایم و با همان شکلی که در ذهن داشتیم برای هر کدام از شهرهایمان از کرمان گرفته تا مشهد و بقیه، کارهایی انجام داده‌ایم در حالی‌که باید این زیست‌بوم‌ها در ساحت جزئی مورد توجه قرار می‌گرفتند. این نکته مدنظر شما بود یا چیزی بیشتر از این؟ این مساله خیلی کلیدی است که فکر کردن به توسعه، لزوما فکر کردن به ایده‌آل و آرمان نیست؛ توسعه یک مسیر است و فکر کردن به آن از جنس فکر کردن به یک مسیر است و مسیر کلی نمی‌شود بلکه باید حتما تعین

زمان و مکان داشته باشد. اگر این تعیین زمان و مکان و همان جزئیتی که عرض شد درآن نباشد، هر چیزی ممکن است در یک سند و یک ایده توسعه‌گنجانده شود. من یک مثال بزمن؛ کتابی در سال ۸۵ تحت عنوان «اقتصاد و عدالت اجتماعی» منتشر شد که برخی از چهره‌های مؤثر در طراحی برنامه توسعه مثل آقای نیلی، طبیبیان و غنی‌ژاد مولفان این کتاب مختصر بودند. کل کتاب ۱۲۶ صفحه بود. پیشگفتار آن کتاب می‌گوید که تنها نظام سازگار با عدالت اجتماعی، بازار آزاد است. عین جمله‌اش این است. در جمع‌بندی کتاب، می‌گوید که شرط لازم برای تحقق عدالت، این است که اقتصاد آزاد داشته باشیم. می‌دانید چه می‌خواهم بگویم؟ می‌خواهم بگویم اگر همین الان از آقایان پرسیم، آیا می‌گویند که بازار آزاد تنها نظام سازگار با عدالت اجتماعی است؟ دقت کنید که نمی‌گویند عدالت؛ می‌گویند عدالت اجتماعی. آیا اگر الان پرسیم می‌گویند تنها نظام اقتصادی سازگار با تحقق عدالت اجتماعی، سازگوار اقتصاد بازار است؟ معلوم است که نه. این عین جمله این کتاب است اما الان اگر از آنها که بیش از پیش ترجمان هایک شده یا در این کانسپت و چهارچوب هستند پرسیم جواب می‌دهند عدالت اجتماعی اساسا چیز مزخرفی است و عدالت به عنوان یک امر اخلاقی برایشان قابل است. در نظرشان عدالت وصف فعل انسان است ولی عدالت اجتماعی، اینکه عدالت به جامعه اضافه شود در نظرشان یک بحث بی‌خود است. ولی در سال ۸۵ که ایده عدالت کمی به خاطر فقدان شد،۹ جدی شد و عدالت نبود و جامعه مدام به این سمت می‌رفت و مبتنی‌بر این گرایش یک تغییرات سیاسی رخ داده بود، می‌گویند اقتصاد سرمایه داری و بازار آزاد اساسا شرط عدالت است. وقتی امر جزئی و متعین نباشد و توسعه یک امر کلی باشد، شما از عدالت حرف بزنید، می‌گویند که شما باید توسعه بازار آزاد را داشته باشید تا به عدالت منتهی شود. هر چیز دیگر هم بگویید، همین را می‌گویند.

در فضای اسلامی هم نمونه‌اش هست. مثلاً در همان سند پایه الگویی پیشرفت، جملات این شکلی فراوان است که تحقق احکام اسلامی، شرط سعادت اخروی و دنیوی بشر است. عین جمله است. جملاتی که هیچ زمان و مکانی ندارند. یعنی این برنامه‌ای است که می‌خواهی بگویی بالاخره چه ایده‌ای داری. می‌خواهی مثلا بگویی که اولویت تو چگونه است؛ بالاخره اقتصاد آزاد یا عدالت اجتماعی است؟ بعد در همین متن حرف‌های کلی بسیاری می‌بینیم. در فضایی که اقتصاد آزاد شرط لازم برای عدالت اجتماعی است و تنها نظام سازگار با عدالت اجتماعی به حساب می‌آید؛ در چنین فضایی هر حرفی را می‌توان زد. حرف انتزاعی همین قدر ارزش و مینا دارد!

نمی‌گویم که در این مدت فکر در مورد توسعه نداشتیم؛ داشتیم ولی این فکرها قافه فضیلت قلم بوده‌اند. حتی به یک معنا، فضیلت فکر را زدیت می‌شمردند.یعنی اینکه شما بیاید و درمورد جزئیات صحبت کنید را خیلی بد می‌دانستند و می‌گفتند که کلی صحبت کنیم و مثلا عدالت و اقتصاد آزاد یا اسلام و فلان، نتیجه این حرف‌ها این بود که می‌شد هر حرف وادعایی را مطرح کرد؛ بی‌معیار. من الان سوالم این است که برنامه ششم، که هشت سال جهت کلی کشور بود، چه اتفاقی برایش افتاده است؟ آیا ما حتی یک ارزیابی در حد همین همایش‌های صوری داریم که ارزیابی‌ای از این برنامه به ما داده باشد؟ آیا ما را به تحقق عدالت نزدیک کرد؟ برخی گزارش‌های رسمی می‌گفتند که ۹ درصد یعنی زیر ۱۰ درصد اجرا شده است. این یعنی هر کاری بکنیم، بالاخره کاری کرده‌ایم. ۱۰ درصد یعنی اینکه اگر همین برنامه را نداشتیم، هر فرآیندی را در هفت هشت سال طی می‌کردیم، بالاخره ۱۰ درصد با این برنامه هم پوشانی داشت و چه بسا بیشتر نیز بود. شما الان آزمون تستی بدهید و همین طور رندم در جواب همه سولات گزینه الف را انتخاب کنید جواب‌هایتان حدود ۷۵ درصد می‌شود. آیا ما درباره این برنامه که دو سه سال نیز تمدید شد -یعنی برنامه پنج ساله نبود، هشت ساله بود، و این برای اولین بار در تاریخ ۷۵ ساله است که برنامه توسعه این همه تمدید می‌شود؛ یعنی حدود دو برابر عمر خودش این برنامه عمرکرده است- گفت‌وگو کرده‌ایم که چه مواردی از آن اجرا شد و چه چیزهایی نه؟ وقتی دوباره می‌خواهد برنامه توسعه نوشته شود، آیا کسی فکر کرده که چرا و کجای برنامه ششم، کامیابی داشتیم و کجا ناکامی؟ منظوری این نیست که درباره توسعه اسلامی یا پیشرفت اسلامی یا توسعه لیبرال ادعا نشده و حرف زده نشده، می‌خواهم بگویم که اینها حرف‌های بسیار کلی بودند که یا در واقعیت نداشتند.

دولت‌ها همواره میل به این داشتند که توسعه را ساده‌سازی کنند. ما دولتی هستیم و منظوری مثل دولت است و نه دولت سیزدهم، که میل به ساده‌سازی توسعه دارد و بلکه به صورت نهاده‌توسعه و توسعه را ساده‌سازی می‌کند. کارگزار دولت علاقه داشته که توسعه را به‌عنوان تأمین منابع ساخت وساز در نظر بگیرد؛ توسعه را فروبکاهد به اینکه من یک پولی داشته باشم و با آن یک چیزی بسازم. کارگزار دولت به این می‌گوید توسعه، در دوره‌ای، با طی این مسیر در برنامه‌های اول و دوم و سوم به این نتیجه می‌رسد پولی که برای ساخت وساز نیست؛ در نتیجه می‌گوید برای مثلا تأمین اجتماعی، بیمه و کمک‌ها و حمایت‌های مختلف از جامعه و به تعبیر غلط یارانه می‌توان پولی ندرام. در نتیجه باید مدخل از این پول‌ها کم کنم و منابعم را در راه توسعه استفاده کنم تا بتوانم دست به ساخت وساز بزنم. وقتی به‌طور طبیعی این فضا شکل می‌گیرد، یک نیاورانی، یک استکاد دانشگاهی، یک مترجمی می‌گوید که به! این توسعه لیبرال است و لیبرالیسم می‌گوید که دولت باید کوچک باشد و کارگزار هم می‌گوید چقدر خوب. بعد آن اندیشمند را می‌گذار در فلان مسئولیت و ادامه ماجرا.

منظور از نیاوران، مکتب نیاوران است دیگر؟

بله. این فرآیندی است که در واقعیت طی شده و با نقد لیبرالیسم این واقعیت عوض نمی‌شود. قبول دارم که این دیدگاه‌ها تأثیر داشتند ولی عرض می‌کنم که اغلب پس از تمایل دولت و قدرت، آمده‌اند کسانی که دولت و اراده دولت را صورت‌بندی کرده‌اند و اسمش را لیبرالیسم یا هر چیز دیگری گذاشته‌اند. فقط لیبرالیسم نیست، الان در همین برنامه هفتم ببینید، یک ماده‌ای هست در فصل رشد اقتصادی تحت عنوان مردمی‌سازی اقتصاد که ماده پنج برنامه است. در داخل مردمی‌سازی اقتصاد، فرض کنید که گفته شده الگویی توسعه لیبرال نباید باشد، باید پیشرفت مردمی و مردمی‌سازی باشد؛ چه فرقی می‌کند وقتی متن ماده همان حرف‌های قبل از این است؟ اسمش توسعه‌مندی‌سازی باشد یا توسعه لیبرال تفاوتی دارد؟ این ماده می‌گوید دولت جداگانه با پایان سال برنامه باید تمامی شرکت‌های متعلق به دستگاه‌هایی اجرایی، اعم از تولیدی، خدماتی و بازرگانی را واگذار کنند. چرا؟ برای اینکه بتواند تجهیز منابع کند. حالا وضعیت اگر کمیک نباشد و همان ترازیک سابق باشد، به جای اینکه اسمش بشود مردمی‌سازی، می‌شود یک چیز دیگر؛ می‌شود لیبرالیسم. ممکن است کسی پیدا بشود و یک تئوری هم به آن بچسباند ولی واقعیت که تفاوتی نمی‌کند. کار به دست کارگزار اجرایی است. آن زمان میل ساخت‌وساز داشته و این هم میل و نفیغش در این بود که توسعه را تقلیل دهد و ساخت‌وساز، الان هم دارد. دعوی اندیشه‌ها عموماً، دعوی باخت یاخت اسم‌هاست و برنده کیست؟ آنکه اموال همیتی که به آن اموال و دارایی‌های دولت می‌گویند را می‌خرد. در دعوی اسم‌ها برنده مسمی است؛ نابرابری است.

شکاف دولت و ملت فقط سیاسی و فرهنگی نیست. بخشی از آن ناشی از سیاست رفاهی است. ناشی از این است که دولت منابع مورد نیاز برای

سیاست رفاهی را کم می‌کند. ناشی از تقابل منافع دولت و جامعه است. یک‌سری منافع برای دولت مطرح است که اموال بافروشد و پول به دست بیاورد و دیون خود را رد کند. یک سری منافع هم جامعه دارد؛ اینکه نظام جامع‌تری برای تأمین اجتماعی داشته باشد و پول برای عموم جامعه و به‌ویژه اقشار مستضعف‌تر مثل زنان سرپرست خانوار، برنامه جامع حمایتی باشد. برنامه توسعه پنج‌ساله، برنامه تأمین منافع دولت است. تأمین منابع درآمد دولت است ولو اینکه از جامعه هزینه شود. الان اسمی ندارد و اسمش مردمی‌سازی است چون این وضعیت کمیک است. مطمئن باشید این دولت اگر دستی در علوم انسانی داشت، یک نظریه‌نیزی می‌گذاشت کنار کارش. آن وقت ما باید این کلمات و نظریات را نقد می‌کردیم؟ کما اینکه همین الان نیز از تعابیر مردمی‌سازی خیلی استفاده می‌شود. حالا البته این تعابیر نمی‌گیرد ولی سه دهه پیش لیبرالیسم و اینها می‌گرفت. شاید هم فردا روزی کسی پیدا شد و از سر بیکاری یا پروژه‌سازی و… برای این مردمی‌سازی یک چهارچوبی، مفهومی، نظریه‌ای خلق کرد. آیا این سرکار گذاشتن جریان نقد توسعه نیست که به جای پرداختن به مهم‌ترین تغییرات مالکیتی در چهار دهه اخیر که ذیل عنوان مردمی‌سازی انجام می‌شود، به جای پرداختن به نتایج اجتماعی این دگرگونی بزرگ در مالکیت، میانی نظری مردمی‌سازی را نقد کند؟ مگر ماده پنج که روح برنامه هفتم توسعه و روح خیلی چیزهای دیگر است از نظریه آمده که نقد آن سرآخ نظریه بود؟ واقعیت این است که ما نه لیبرال داشتیم و نه مردمی‌سازی داریم. با چیزی بیشتر از اسامی مواجه نیستیم؛ اراده رده‌تاز و کارگزاران ساختار مسیر خود را پیش می‌رود. اراده قدرت این بوده است که توسعه ساده‌سازی شود و دولت منابعی داشته باشد که با آن بسازد، الباقی حاشیه است. حالا نفت نیست، زمین می‌فروشد. این صورت ساده‌شده توسعه در ذهن ساختار و کارگزاران است که آن موقع اسامی دیگری داشته و الان اسامی دیگری دارد. الان چقدر مردمی‌سازی پایه تئوریک برنامه توسعه هفتم است؟ به همان میزان نیز لیبرالیسم، پایه تئوریک برنامه‌های قبل بوده. تئوری؟ اهل نظر که این‌ها بالمجالس اراده معطوف به قدرت و اراده در قدرت بوده و هستند.

نکته‌ای که شاید از خلال این بحث شما بتوان مطرح کرد این است که بیش از اینکه ما در حوزه عمومی به دنبال توسعه بگردیم- منظور از حوزه عمومی نیز مسائل جامعه و جغرافیای برخی شهر و روستاها از جمله مسائل محیط‌زیستی، آموزش و پرورش و… است- آن چیزی که توسعه به آن توجه نکرده است، این بوده که توسعه همیشه به یک سری ایده‌های سیاسی چسبیده است. آن چیزی که من از صحبت‌های شما که قرار است در نامه جمهور بگیرش شود، می‌فهم این است که دعوی توسعه و پیشرفت زمانی مهم است که به این مسائلی که اصل جامعه ایرانی یا فلات ایرانی هست، توجه شود. اگرته هیچ ایده‌ی سیاسی، خواه ناخواه نمی‌تواند به ما کمک کند.

بله، یعنی مساله‌گرا شدن برنامه‌های توسعه؛ یعنی از این فضای نظردگی فاصله گرفتن؛ یعنی رها کردن دعوای اسمی که در واقع روی اراده‌های قدرت گذاشته می‌شود؛ یعنی توجه به مساله‌های واقعی. به نظم این جان‌مایه آن تغییری است که ما می‌خواهیم در الگویی توسعه رخ بدهد. یک مثال بزمن تا بعد به سولات برسیم. برنامه هفتم در شرایطی دارد نوشته می‌شود که ما طلی می‌کنه، گسترش نابرابری اجتماعی را داشتیم. مساله فقط معیشت نبود، بلکه مساله اصلی عدالت بوده. مساله این بوده است که ۱۰ سال پیاپی کسانی که املاک و مستغلات داشتند، کسانی که درآمد غیرریالی داشتند، درآمد ارزی و طلا داشتند، رشد کردند اما کسانی که درآمد ریالی داشتند و مزدبگیر بودند، روز بروز سقوط کردند. فقرای جدید بسیاری خلق شدند. یعنی کسانی که سابقه زیستن در طبقه متوسط را دارند و الان فقیر شدند، حدود ۲۰ درصد جامعه را تشکیل می‌دهند. یعنی ۸۰ میلیون جمعیت حال حاضر ایران، ۲۰ درصد فقیر جدید هستند و ۱۰ درصد فقرای فقیر قبل از این است. به عبارتی بالغ بر ۷۵ درصد فقیر جامعه، فقرای جدید هستند. این یعنی، انبوهی از مساله، یعنی یک نظام رفاهی ناکارآمد، نامهمگون،ملوک‌طوطلایی، بازی به هر جهت. امروز چند هزار تا بسته در سوله بچینیم و به فقرا بدهیم و فردا ۲۰ هزار تا، دقیقا مثل اینکه من دست در جیبم بکنم و صدقه بدهم. این نهادهای عمومی نیز حال‌شان همین‌طور است. در مناطق محروم ۴۰۰ مدرسه می‌سازند. واقعا چرا ۴۰۲ مدرسه نساختی؟ چرا هزار تا نساختی؟ هیچی، هیچ منطقی ندارد. دارد صدقه می‌دهد.

یک نظام رفاهی بسیار جزیره‌ای، چند پاره و دریده شده با منافع مختلف. ما الان فقط ۱۹ پیمه درمانی داریم، هر خانی برای خودش یک تعدادی از رعیت راحت پوشش گرفته و درمان‌شان را تأمین می‌کند و پول بیماریز و سلامت‌شان را می‌دهد. آن خان اگر شرکت‌کنی تا نهاد نظامی باشد و پول و قدرت بیشتری داشته باشد، رعیتش را بیشتر تأمین می‌کند و اگر تأمین اجتماعی و بیمه سلامت باشد، کمتر پوشش می‌دهد. مساله‌ای به این مهمی‌را برنامه هفتم متوجه شده است؟ درکی از نابرابری دارد؟ کل پیشنهادهایی که در لایحه برای مساله نابرابری وجود دارد، چیست؟ فصل ششم که ناظر به توزیع عادلانه است را ببینیم. کل فصل دو صفحه‌ونیم است. همه این فصل دو‌راه حل دارد؛ یکی این است که بنزین به کارت ملی بدهیم که ملت برونه و سهم مثلاً ۱۵ لیتری‌شان را بفروشند و قیمت را نیز بازار تعیین می‌کند و از این طریق مردم یک پولی گیرشان بیاید؛ راه‌حل دیگر برنامه و فصل ششم هم این است که بسته معیشتی بدهیم آن هم که وقتی مساله فقدان نظام رفاهی آتقدرد حاد شده و به حدی رسیده که شکاف اجتماعی و شکاف اعتماد عمومی ایجاد کرده، وقتی فقدان نظام رفاهی بدل به مساله امنیتی شده است. درحالی‌که برنامه ششم آرزوی نظام جامع تأمین اجتماعی داشته و به آن نرسیده است. درحالی‌که برنامه ششم، سه سال تمدید شده و هیچ اتفاقی نیفتاده است و بعد دوباره در این سیاست‌های کلی نظام برنامه هفتم، نظام جامع تأمین اجتماعی تکرار شده و بعد کلی ایده‌ای که برای نظام جامع تأمین اجتماعی دارد این است که یک سامانه بگذاریم تا مردم نیازمند بیایند و ثبت‌نام کنند و بعد دولت به آن بسته معیشتی بدهد. این ندیدن مساله است. ندیدن مساله، به ندیدن عدالت و به عدم توسعه منتهی می‌شود. این ندیدن دارد به جاهای بسیار حاد می‌رسد اما ما داریم به‌وضوح می‌بینیم که برنامه توسعه اصولا معطوف به عدالت نیست. با اینکه اصلی‌ترین رویکرد این برنامه به حسب سیاست‌های ابلاغی باید توام بودن عدالت و پیشرفت باشد، اما اصلا این برنامه مدغدغه عدالت را ندارد. به سنت برنامه‌های توسعه قبلی، برنامه‌ای به نفع و برای اقتصاد بازار است. خود برنامه بودنش باید بتواند کاری را در بیرون حقیقت کند اما این کار او این است که بازار را رها می‌کند، مسکن را به بازار می‌سپرد، آموزش و پرورش را به بازار می‌سپارد. هرچقدر هم سیاست کلی توامان بودن را بگوید. حالا فکر می‌کنید مثلا کسی به برنامه ششم می‌گوید چرا نظام جامع تأمین اجتماعی محقق نشد؟ کسی می‌پرسد چرا سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی که در ابتدای امسال ابلاغ شد و قرار بود دولت شش‌ماهه برنامه اجرایی این سیاست‌ها را بدهد و رئیس‌جمهور گفته بود که دو‌ماهه بدهید، نیامد؟ هیچ اتفاقی نیفتاد. در برنامه ششم قرار بود که بزود که سرپرست خانوار مثلا برنامه جامعی داشته باشند، چه اتفاقی افتاد؟ هیچ.

ندیدن مساله و بردن سطح مساله به سطح نظریه‌ها و انتزاع و کلیات، رهنزی برای ما می‌شود که اصلی‌ترین مساله‌های واقعی‌مان را گم می‌کنیم و به اسم غیرلیبرال بودن- الان گفتارها این‌طوری است دیگر- یکی از لیبرال‌ترین برنامه‌ها دارد بیرون می‌آید. چرا این‌طور است؟ چون لیبرالیسم و

اسلام، وصف کلی توسعه و الگویی پیشرفت هستند و هیچ وقت امر جزئی درمورد آنها قضاوت نمی‌کند و حرف نمی‌زند. هیچ تاملی درخصوص امر جزئی نیست. این چیزی است که ما می‌خواستیم در نامه جمهور بیاوریم. به همین خاطر روی لایحه برنامه توسعه متمرکز شدیم. محور زن از توسعه بدون اینکه یک مایه‌زای بیرونی داشته باشد، بدون اینکه مایه‌زای سیاسی داشته باشد، روی دیگر سکه وضع موجود است. ما سال‌ها سنت روشنفکری‌مان درباره توسعه حرف زده است. به‌خصوص درباره برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب. حالا ما دچار یک گسست از امر انضمامی شده‌ایم. در دهه ۷۰ و بعد از آن روشنفکری دینی و مخالفان آن صورت کلامی پیدا می‌کنند و همه چیز را کلامی می‌فهمیم. حتی پوپر را کلامی می‌فهمیم و نقد می‌کنیم. همه چیز را کلامی و کلی و اعتقادی و انتزاعی می‌فهمیم. در نتیجه آن سنت قدرتمند که بعد قدرتمند تفکر اجتماعی ما از سیدجمال به بعد بوده، دیگر نمی‌تواند درباره توسعه، حرفی تولید کند؛ چراکه مدت‌های خیلی زیادی بدون مساله به توسعه فکر کرده است. فقط به نظریه فکر کرده است و دیگران کارآمدی را ندارد. کلمات برجسب هستند و نه نظریه.

سوال مهمی اینجا پیش می‌آید که شما می‌توانید ناظر بر ایده خودتان در مجله نیز به آن پاسخ دهید. خود سوژه عدالتخواه در پیشاقلاب و پسانقلاب را اگر از نظر بگذرانیم که در قبل از انقلاب علی‌شرعی و مرحوم طالقانی و در اس‌انها حضرت امام هستند، اما در پسانقلاب گردهمی‌های مختلفی داشته است. مثلاکشگری‌های میدانی و تحولاتی داشته است. اوج آن بعد از دهه ۷۰ شاید امثال آوینی باشند که مجادلاتی با دولت کارگزاران داشت و شکلی از سوژه عدالتخواه قلمداد شد. خود سوژه عدالتخواه با آن چیزی که شما الان دارید می‌گویید در چار یک وضعیت جدیدی باید شود. وضعیتی که در عین حال که ناظر بر مسائل روز و میدان، کنش می‌کند و مساله‌ها برایش مهم است، باید یک سازگار فکری و یک عقلانیت خاصی داشته باشد که بتواند این سازکارها را به یک ایده عمومی یا یک خیر عمومی تبدیل کند. یعنی سوژه عدالتخواه و انسان انقلاب اسلامی است. لحظه‌ای که متوجه شویم به نظر مفقود است، این عمو می‌کند و سوژه‌های عدالتخواه ناظر به میدان گاهی کنش درست می‌کنند و برخی اوقات نیز کنشی نمی‌سازند، اما آنهایی که ناظر بر میدان، کنش می‌کنند، ظاهرا دچار یک بحران و گسست هستند و آن این است که نمی‌توانند آن را بدیل به خیر عمومی کنند و شاید این بحران فعلی ما باشد. چرایی‌اش یک پرسش است. پرسش دیگر این است که راه‌حل عبور از این وضعیت چیست، یعنی ما با این شرایط تاریخی که در کشور و با حضور نخله‌های مختلف عدالتخواهی داریم، چه باید بکنیم که سوژه عدالتخواه بتواند اولا مساله را درست تشخیص بدهد و در وهله بعد آن را به خیر عمومی بدل کند تا بعد در وقت برگشت با ایده سیاسی، بتواند ایده سیاسی‌ی را به نفع آن حوزه عمومی تغییر بدهد.

یکی از مهم‌ترین مساله‌های الگوهای توسعه قبل و بعد از انقلاب را همین سوژه‌های عدالتخواه، سوژه اجتماعی، کنشگران اجتماعی، انسان انقلابی، بسیجی یا هر عنوان دیگری که می‌توان معادل همدیگر به کار برد، است. یکی از مشکلات برنامه توسعه این بوده است. در دهه ۷۰ برنامه‌ریزان توسعه به یک راه‌حلی می‌رسند و آن این است که بیایند و سیاست توسعه را از طریق ظرفیت‌های بومی خودمان دنبال کنیم. بخشی از ظرفیت‌های بومی کنشگران انقلابی، سنتی و عدالتخواه هستند. به این نتیجه رسیدند که از طریق این نیروها برنامه توسعه را جلو ببریم. مثلا سیاست سلامت اقتضای یک واکنسیناسیون عمومی دارد، وضعیت محیط‌زیستی من احتیاج به یک سیاست کویرزدایی و بیابان‌زدایی گسترده دارد و من از همین بسیجی‌ها استفاده کنم تا بروند و کویرزدایی کنند. قطره فلج اطفال بدهند و از این دست کارها. درواقع سوژه انقلابی به مجری برنامه توسعه تبدیل شود. همین الان نیز خیلی از مردمی‌سازی‌ها این را می‌فهمند. می‌گویند بالاخره جایی دولت و حاکمیت می‌خواهند کاری انجام دهند، مردم بیایند پیمانکار باشند و به جای اینکه به شرکت‌های پیمانکاری بدهیم این کار را مردم انجام دهند. همان ایده است اما جنبه تراژدی ندارد و بیشتر جنبه کمندی دارد. می‌خواهم بگویم بازسازی همین ایده است که سوژه عدالتخواه باید عامل اجرای یک برنامه توسعه شود. برنامه توسعه چه هست؟ آن چیزی که آن قدرت اراده کند. همان‌طور که در قسمت قبلی عرض کردم، مهم‌جان که نظریه و کلمه‌ها یک چیزی بود که سازوکار واقعیت و قدرت اینها را روی خودش می‌گرفت؛ نیروهای اجتماعی نیز سوژه‌هایی هستند که با اراده او و به سمتی که او می‌خواهد، حرکت می‌کنند. این همان فرآیندی است که در مساجد مرگ خود عدالتخواهی شده است. سوژه عدالتخواهی تا مقام «عقل» پیشرفت و توسعه به‌مقام «دست» مجربان توسعه تنزل داده است. عوض احیای سوژه عدالتخواه، این سازوکار به مرگ سوژه عدالتخواه و انسان انقلابی منتهی شده است. برای احیای انسان انقلابی، لازم است که این انسان دوباره خودش را از «دست» دولت بودن کارگزار بودن وظیفه و استخدام دولت بودن خارج کند و به بخشی از فرآیند خلق عقلانیت توسعه بدل شود. این به چه معناست؟ کمی این را توضیح بدهم. برخلاف چیزی که معروف است و اغلب این‌طور فکر می‌شود این دوگانه توسعه و عدالت یا کارآمدی و عدالت، تجربه ما چنین چیزی وجود ندارد. یعنی در تجربه ما سوژه انقلابی، انسان انقلاب اسلامی که کاملاً ایده عدالت داشته است و مؤثر پیشران و جهادکننده برای سازندگی و پیشرفت و توسعه بوده است، او بوده که از جزئی‌ترین کارهای عمرانی تا کلان‌ترین کارهای سیاسی را در داخل جامعه ایران به نفع پیشرفت و توسعه اجتماعی و اقتصادی انجام داده است. اتفاق خیلی مهم اما این است که این کلیشه‌ها آمده‌اند و خودشان را به ما تحمیل کرده‌اند و ما امروز فکر می‌کنیم این دوگانگی بین توسعه و عدالت است. مثلا فرض کنید یک مثل حسن سبحانی و وی حرفی از عدالت و گفتار عدالتخواهانه دارید؛ یعنی در تجربه ما سوژه انقلابی، سیاست‌های تعدیل، درمورد نقد برنامه‌های توسعه، خصوصی‌سازی است.

حالا چه در حوزه عمومی حرف بزند یا در حوزه سیاسی و پارلمانی یا در آکادمی. همیشه حرف زده، ولی همین آدم به تعبیر خودش «معلم توسعه» است و به شهادت آثار مطرولش دغدغه‌اش جدال با توسعه‌نیافتگی است. عنوان یکی از مجموعه مقالاتش و مجموعه مقالاتی که منتشر کرده، «جدال با توسعه‌نیافتگی» است. می‌خواهم بگویم او که از نظر عدالتخواه بوده است، توسعه‌خواه‌ترین نیروی اجتماعی نیز بوده. در تجربه اجتماعی ما اصلی‌ترین نیروهای توسعه، اتفاقا همین کنشگران اجتماعی، سوژه‌های عدالتخواه بودند، منتها مساله اصلی این است که در ادوار می‌توانستند پاسخ لازم را به مساله توسعه دهند و حتی نتوانستیم صورت مساله را درست بفهمیم و صورت‌بندی کنیم. به‌طور مفصل در سرفقاله نامه جمهور به آن پرداخته‌ام که ما بعد از انقلاب و آخر دهه ۷۰ مساله‌ای به اسم عوارض توسعه داشتیم. یعنی صورت مساله توسعه در آن دوره عوارض توسعه بود. خب ایده عدالت توانست این صورت مساله را بفهمد و با این مساله ارتباط بگیرد، برایش پاسخ اجتماعی تولید کرده، جنبش اجتماعی تولید کند و خیلی نیز مردم اقبال قرار گیرد. خیر عمومی خیلی خوبی را نیز شکل دهد و گفتفنان‌های مؤثر دوره خودش باشد. اتفاقا همین نقطه‌های توسعه‌نیافتگی است و از اواسط دهه ۸۰، مساله عوارض توسعه نبود بلکه مساله این بود که اگر آن توسعه عوارض داشته، الان چگونه باید توسعه را محقق کنیم؟ از این لحظه کار خیلی سخت شد. از اول دهه ۹۰ صورت همین مساله هم شروع به تغییر کردن کرد و باز هم این صورت مساله جدید را سوژه عدالتخواه متوجه نشد. صورت مساله در پایان دهه ۹۰، توسعه‌نیافتگی بود یعنی یک

دهه مطلق و تمام، رشد منفی و صفر را تجربه کرد. یعنی مساله دیگر نه عوارض توسعه بود و نه چگونه توسعه یافتن؛ بلکه توسعه‌نیافتگی بود. نتوانست ایده‌هایی که داشت مثلا ایده پیشرفت اسلامی و الگویی ایرانی اسلامی پیشرفت را به‌گونه‌ای صورت‌بندی کند که به این مساله‌ها پاسخ دهد و بسیار کلی و انتزاعی در آستانه درد اجتماع باقی ماند و هیچ وقت نتوانست امر روزمره و برنامه‌ریزی شود. من تصور می‌کنم میدان سیاست کنونی، میدانی نیست که به نیازهای جامعه و توسعه جواب دهد. نیروهای رسمی میدان سیاست نه دغدغه توسعه دارند و نه مساله‌اش را می‌فهمند. نه دغدغه عدالت دارند و نه مساله عدالت را می‌فهمند. چه آنهایی که در مقام سیاستگذار و حاکمند و چه آنهایی که در مقام امر سیاسی و فعال سیاسی هستند. چه نظم سیاسی و چه بازیگران میدان سیاست هیچ درکی ندارند که نمونه‌اش بارز و جمع‌بندی شده، آن برنامه هفتم است. جامعه ما عمیقا به نیروی سیاسی جدیدی احتیاج دارد که مساله‌اش سیاست اجتماعی باشد. مساله‌اش، شکل‌گیری حداقلی از رفاه باشد. دغدغه‌اش نظام تأمین اجتماعی جامعه و نظام رفاهی مؤثر و کارآمد باشد. مساله‌اش این باشد که اگر همه حداقلی از رفاه را نداشته باشند، توسعه به‌طور طبیعی طبقاتی می‌شود و توسعه به توسعه سرمایه منتهی می‌شود، یعنی توسعه به فرآیندی تبدیل می‌شود که تنها برایش سرمایه مهم است و اصلا نیروی کار برای آن اهمیتی ندارد. تنها برایش این مهم است که پول به‌شکرت دارد، واگذار کند و پول به‌دست بیاورد. زمین بفروشد و هر چه‌دست بیاورد. اصلا برایش مهم نیست این بنگاهی که دارد واگذار می‌کند، چه اتفاقی برای آن می‌افتد، چون نیروی کار برایش مهم نیست. سرمایه و زمین برایش مهم است. مهم این است که بفروشد و پول به‌دست بیاورد. منظور ما از سوژه عدالتخواه و نیروی عدالتخواه در نامه جمهور لزوما نیروهای موجود در صحنه نیست. ما درباره نیروی آینده صحبت می‌کنیم. انسانی که در آینده خواهد آمد و شکل خواهد گرفت؛ چراکه نیاز این جامعه است. این جامعه امروز به نیرویی نیاز دارد که بتواند آن خیرعمومی‌اش را صورت‌بندی کرده، مطالبه کند و در عرصه سیاست بیاورد تا نمایندگی کند. آن نیرو، سوژه عدالتخواه و انسان انقلاب اسلامی است. لحظه‌ای که متوجه شویم بتواند باید به مساله توسعه‌نیافتگی پاسخ دهد. لحظه‌ای که متوجه شود باید ایده عدالت خودش را در قلب یک برنامه توسعه قرار دهد و باید بتواند آن را تبدیل به سیاست کند و سیاستگذار را وادار به اجرای سیاست‌های اجتماعی و عدالتخواهانه کند. الان زمینه خلق این دیناسیم وجود دارد اما آیا خود آن نیرو وجود دارد؟ نه لزوما. خودش وجود ندارد با آنکه جامعه هر لحظه دارد این نیرو را فرا می‌خواند. به خاطر اینکه جامعه می‌بیند چگونه نیروهای ضد مردم و ضد جامعه تاچیرسم اساسی، سیاست تعدیلی، واگذاری‌های گسترده و صورت‌های مختلف تاجرسم و سطوح مختلف سیاسی را درمی‌نورد. جامعه در حسرت و شوق فراوانی است، نیروی اجتماعی است و این نیرو نه به خاطر اینکه موضوع مجله ماست، مثلا بلکه به خاطر آن نیاز و طلب اجتماعی است، می‌توان مبتنی‌بر آن پیش‌بینی کرد و امیدوار بود که بزودی این چرخه تکراری سیاست رسمی، خرق بشود و این نیرو متولد شود و مؤثر.

به‌عنوان سوال آخر، الان نامه جمهور در آخرین شماره‌اش به برنامه هفتم توسعه پرداخته است، به‌عنوان کتابی که قرار است در این حوزه دست به افق گشایی درخصوص سوژه عدالتخواه برای آینده بزند، فکر می‌کنید که اگر مجله نامه جمهور همین‌طور ادامه داشته باشد و منتشر شود، اگر ما بخواهیم به وضعیت فعلی تلنگر بزنیم و افراد کف میدان از جنبش‌های دانشجویی تا اساتید دانشگاه و حوزه علمیه که به‌عنوان سوژه عدالتخواه معرفی می‌شوند را نیز نادیده بگیریم، می‌توان در بازه‌ای مثلا پنج‌ساله به این رسید که ما نیروهای عدالتخواهی داشته باشیم که ایده‌های سیاسی درستی نیز ایجاد کنند؟ یا اینکه ما صرفا الان باید افق را درست کنیم و سال ۵ یا ۱۰ سال دیگر با این افق گشایی، وضعیت خود به خود درست می‌شود؟

یک فرآیند رفت و برگشتی اتفاق می‌افتد یعنی آن تربیت نیز محصول عزلت از امر اجتماعی و خواندن کتاب و جزوه و حلقه که نیست. محصول رفت و برگشتی است که با حوزه عمومی و امر اجتماعی و سیاست و اینها دارد. اگر شما فرآیند تربیتی را جدا از امر سیاسی و امر اجتماعی درنظر بگیرید، حلقه‌ای در گوشه‌ای از مسجد می‌شود که آن نیرو هم نهایتا کارکردش این خواهد بود که خودش را بازتولید کند. همان چیزی که به اشتباه به آن کار تربیتی می‌گویند. این فرآیند شکل‌گیری با احیای سوژه عدالتخواه نیست. فرآیند تربیت و احیای این سوژه این است که آن پروژه اجتماعی‌اش مرتب بازخوانی شوند، ایده اجتماعی‌اش بازخوانی شود و به‌صورت مستمر بین این پروژه اجتماعی و سیاسی و امر سیاسی‌اش رفت و برگشت اتفاق بیفتد. منظور از امر سیاسی نیز همه سطوح امر سیاسی است، یعنی هم باید بتوانند تدوین سیاست‌ها و هم اجرای سیاست‌ها را از ایده خودش متاثر کند و هم ارزیابی آنها را انجام دهد. در موقعیتی که در واقع از این پروژه اجتماعی و فکری او مستمر بازتولید می‌شود و می‌تواند تغییرات جزئی جامعه را بفهمد و از طرفی آن فهم و این درک او تبدیل به سیاست می‌شود، ارزیابی و اجرای سیاست می‌کند و در این فرآیند رفت و برگشت، این سوژه احیا می‌شود. ما شاید از دهه ۷۰ به بعد، از ایده روزنامه‌نگاری توسعه، اساسا روزنامه‌ها که یک محل مهمی برای اندیشیدن بودند و مجلات مؤثر فکری به محاق رفتند. هر چه پیش آمدیم، بیشتر از دست رفتند و خطابه غالب شد. تبلیغ و پروپاگاندا غالب شد و رسانه و روزنامه چنین کارکردی پیدا کرده است.

کسی که می‌خواهد حرف فکری بزند، باید در مقالات آرشیبوی بنویسد و برود در آرشیبو مجلات. مجلات علمی پژوهشی که در بهترین حالت در سایت خودشان، دانلودشان شاید به ۴۰۰ یا ۵۰۰ مورد برسد. الان همه ایده روزنامه‌نگاری توسعه را پذیرفته‌اند. همه «خبر خوب» هستند و روابط عمومی. هم از نظر اقتصاد سیاسی، روابط عمومی هستند و با نظر کارکردی که دارند، کارکرد تبلیغاتی است. من نمی‌خواهم بگویم که ما لزوما ژورنالیسم اندیشه هستیم، ولی اطمینان دارم ما نیاز داریم تا به شکل مستمر به وضعیت کنونی خودمان بیندیشیم و ژورنالیسم اندیشه داشته باشیم. ما فکر می‌کنیم نامه جمهور، چنین رسالتی را دارد؛ یعنی استمرار در اندیشیدن به مساله جزئی را جا بیندازد و تا بتوانیم از دل آن به سمت نظریه و امر کلی‌تر حرکت کنیم. به‌نظم بخش خیلی مهمی از مسیر اجرای پروژه عدالتخواهی از رفت و آمد بین این پروژه سیاسی با امر سیاسی بوجود می‌آید. اگر ما بتوانیم این کار را انجام دهیم و چنین پایگاهی را شکل بدهیم و از دل این پایگاه به بازخوانی پروژه عدالتخواهی بپردازیم و مسیر رفت و برگشت این پروژه با سیاست و سیاستگذاری برقرار کنیم، از این طریق هم سیاست مدنی‌تر می‌شود و هم ایده عدالت و هم سوژه عدالت‌خواه و ایده انقلاب اسلامی، اجتماعی‌تر می‌شود. در این فرآیند حتما نیروهای جدیدی کشف می‌شوند، خلق می‌شوند و اگر تربیت به این معنا باشد می‌توان گفت که تربیت می‌شوند. نیروهای جدید تربیت شده و شکل می‌گیرند، نیروهایی که حمایت‌اینده این جامعه هستند یعنی کسانی که وضع ادوات تعلق داشته باشند و اکنون تربیون و نقاش باشند، در آینده نفع و نقش و تربیون و حرف خواهند داشت. حتما این میدان سیاسی که عمیقا به جامعه بی‌توجه است و خواست اجتماعی را نمایندگی نمی‌کند، حتما به زودی به‌هم خواهد خورد و میدان برای نیروهای به مراتب اجتماعی‌تر بازخواهد شد. این تصور کلی است که ما داریم و در نامه جمهور و با مجموعه مخاطبان خود بدان امید داریم و چشم‌دوخته‌ایم.

فرهنگ‌یگان

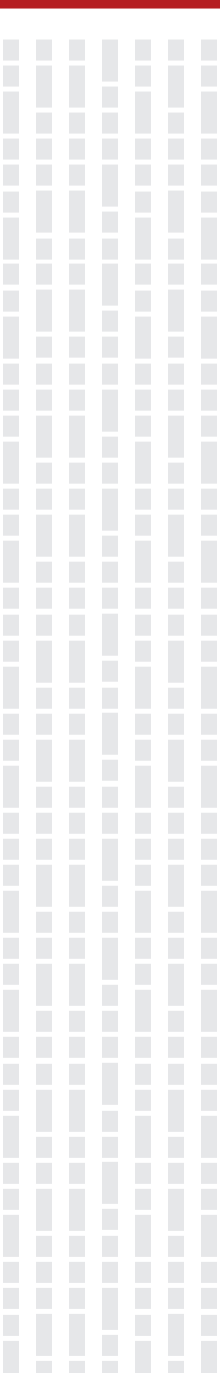
فکر و اندیشه‌ها] نقد و بررسی اندیشه‌ها [

۱۳ آبان ۱۴۰۲

شماره ۳۹۹۸

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY



ادامه از صفحه ۱۴

۱۵

سرنوشت رکوردداران تحقیق و تفحص در تاریخ مجلس



طی چند سال اخیر بسیاری از رسانه ها به موضوع تحقیق و تفحص از جنبه هزینه های قابل توجه آن و بی اثر بودن این ابزار نظارتی مجلس نگاه کرده اند. در گزارش پیش رو به بررسی مقایسه ای این موضوع در ادوار مجلس پرداخته شده است. مطابق اصل هفتادوششم قانون اساسی، «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.» بنابراین درخواست تعداد زیادی تحقیق و تفحص از سوی نمایندگان مجلس فی نفسه امر مذمومی تلقی نمی شود، اما آنچه برای مردم مهم بوده، اثربخشی این ابزار نظارتی نمایندگان مردم است. بررسی های آماری نشان می دهد این ابزار نظارتی در مجلس دهم و یازدهم بدترین وضعیت را از منظر اطلاع رسانی به مردم و قرانت در مجلس داشته است، به طوری که در مجلس دوم تا نهم معمولاً ۶۰ تا ۶۷ درصد از گزارش های تحقیق و تفحص در مجلس قرائت شده و مردم از جزئیات آن اطلاع پیدا کرده اند اما در مجلس دهم ۲۸ درصد و در مجلس فعلی نیز تاکنون فقط ۱۱ درصد از نتایج تحقیق و تفحص ها در مجلس قرائت شده است.

ثبت رکورد با ۴۱۸ درخواست تحقیق و تفحص

گزارش درخصوص عملکرد مجلس یازدهم در موضوع تحقیق و تفحص بسیار قابل تامل است، به طوری که براساس آمارهای اعلام شده از سوی حسینعلی حاجی دلیگانی نماینده شاهین شهر، برخوردار و میمه در مجلس شورای اسلامی، از شروع مجلس یازدهم در اردیبهشت ۱۳۹۹ تا انتهای مرداد اسما در مجموع ۴۱۸ مورد تقاضای تحقیق و تفحص در سامانه مجلس ثبت شده که ۳۶۶ مورد به کمیسیون های تخصصی مجلس ارجاع داده شده است. از این میان ۳۷ مورد با کافی دانستن اطلاعات ارائه شده از سوی دستگاه ها منخومه شد و ۸۵ مورد به انجام تحقیق و تفحص در کمیسیون منتهی شد که ۴۶ مورد آن بر بررسی ضرورت انجام تحقیق و تفحص در صحن علنی مجلس تاکید شد. آن طور که حاجی دلیگانی می گوید تاکنون ۳۸ مورد هیات تحقیق و تفحص تشکیل شده که روند آن درحال انجام است و تاکنون چهارمورد گزارش نهایی تحقیق و تفحص در صحن مجلس قرائت شده و ۲۴۴ مورد تحقیق و تفحص در انتظار رسیدگی در کمیسیون های تخصصی مجلس قرار دارد. این آمار و ارقام که سندن آن نیز منتشرشده، در گفت وگویی اخیر پیرهادی دیگر نماینده مجلس و عضو هیات رئیسه تکرار شده است. بررسی های «فرهیختگان» نشان می دهد درخواست ۴۱۸ تقاضای تحقیق و تفحص در ۳۵ سال مجلس یازدهم رکورددار درخواست تحقیق و تفحص نمایندگان مجلس از مجلس اول تاکنون بوده است؛ به طوری که در مجلس دوم فقط هفت مورد تحقیق و تفحص ثبت شده، در مجلس سوم ۱۵ مورد، در مجلس چهارم ۱۵ مورد، در مجلس های پنجم، ششم و هفتم به ترتیب ۲۷، ۳۰ و ۲۸ مورد، در مجلس هشتم ۷۲ مورد، در مجلس نهم ۱۷۳ مورد، در مجلس دهم ۲۰۸ مورد و درنهایت در مجلس فعلی تاکنون ۴۱۸ مورد درخواست به هیات رئیسه ارائه شده است.

فقط ۱۱ درصد از تحقیق و تفحص ها قرائت شده!

گفته شد که صرف طرح تعداد زیادی از درخواست های تحقیق و تفحص از سوی نمایندگان مجلس فی نفسه امر مذمومی نیست، اما برای مردم و افکار عمومی نتیجه و اثربخشی این ابزار نظارتی مجلس بسیار مهم است. براساس آمارها از ۴۱۶ درخواست تحقیق و تفحص که نمایندگان مجلس یازدهم به هیات رئیسه ارسال کرده اند، ۳۶۶ مورد به کمیسیون ها ارجاع شده، ۴۶ مورد در صحن علنی بررسی شده و برای ۳۸ مورد هیات تحقیق و تفحص تشکیل شده است.

در ادامه این گزارش بر این نکته تاکید شده که تحقیق و تفحص امر زمان بری است، اما مقایسه عملکرد مجلس فعلی با مجالس ادوار نشان می دهد روند به نتیجه رسیده تحقیق و تفحص ها یا ارائه گزارش از آنها ظاهراً بسیار کند و لاک پشتی است؛ چراکه از ۳۸ تحقیق و تفحصی که در مجلس تصویب شده تاکنون فقط گزارش چهارمورد در مجلس قرائت شده است که این تعداد به معنی عملکرد ۱۱ درصدی این مجلس در قرائت گزارش های تحقیق و تفحص است. این درحالی است که در برخی مجالس ادوار عملکرد قرائت تحقیق و تفحص ها در مجلس حول وحوش ۶۰ تا ۶۷ درصد بوده است، اما در مجلس دهم این مقدار به ۲۸ درصد و در ۳۵ سال مجلس یازدهم این مقدار ۱۱ درصد است. گرچه مجلس فعلی تا اردیبهشت ۱۴۰۳ نیز مهلت قرائت گزارش های تحقیق و تفحص خود را دارد، اما عملکرد آن با توجه به حجم زیاد درخواست های تحقیق و تفحص تاکنون چندان قابل دفاع نیست.

زمان بر است عجله نکنید!

اخیراً محسن پیرهادی، عضو هیات رئیسه مجلس در گفت وگو با همشهری درخصوص به نتیجه نرسیدن تعداد زیادی از تحقیق و تفحص ها می گوید: «در بحث تعدد درخواست ها و ارائه تقاضاهای مکرر به صحن مجلس هم نمی توان گفت مجلس در طرح و تصویب تقاضای تحقیق و تفحص ها در چار عجله با شتاب زدگی است، چراکه بعد از ارائه تقاضای تفحص، هیات رئیسه طرح را برای بررسی به کمیسیون تخصصی ارجاع می دهد و درصورت تایید کمیسیون، تقاضا در صحن علنی به رای گذاشته می شود، در صورت موافقت با موضوع تفحص، مجوز تشکیل هیات به نمایندگان مقاضی داده می شود و این تازه شروع کار است و ادامه آن وارد چرخه نظارتی و اداری و اجرایی می شود.» پیرهادی در ادامه بیان می دارد: «باید توجه کرد که ثبت درخواست طرح تحقیق و تفحص به معنای کلید خوردن آن نیست، در مجلس یازدهم تاکنون بیش از ۴۰۰ تقاضای تحقیق و تفحص در سامانه مجلس ثبت شده اما از این شمار ۳۶۶ تقاضا به کمیسیون های تخصصی ارجاع شده که از این میزان هم تنها ۴۶ موضوع، ضرورت تفحص شان از سوی کمیسیون های تخصصی تایید شده؛ ۳۸ هیات تحقیق و تفحص شکل گرفته و تاکنون گزارش نهایی چهار هیات هم در صحن قرائت شده است که در قیاس با ادوار مجلس عدد قابل دفاعی است. از طرفی هم آغاز تشکیل هیات تحقیق و تفحص و ورود به کار نظارتی و تحقیقی پروسه ای زمان بر و طولانی و نیازمند تیم کارشناسانه و فنی دقیق است. متأسفانه اغلب هم موضوع تحقیق و تفحص ها تناسب درستی با توان دانشی و عملیاتی نیروهای اختصاص داده شده ندارد یا دست کم نمی تواند پاسخگویی همه محوره های تحقیق و تفحص مورد نظر باشد.» پیرهادی در انتهای گفت وگویی خود می گوید: «از سوی دیگر هرچند عزم و همت هیات تحقیق و تفحص در پیشبرد بررسی محوره های تفحص جدی باشد، تعامل دستگاه و سازمان مورد نظر با آنها حائز اهمیت متقابل است؛ روزی که سبب می شود تفحص ها در زمان مطلوب و موثر خود به نتیجه نرسند؛ مجموع این شرایط تداعی کننده این است که این اهرم نظارتی ناکارآمد شده، درحالی که برای قضاوت درمورد این اهرم

نظارتی مجلس باید میزان تعامل و صداقت تیم دستگاه مرتبط را سنجید.»

گزارش هایی ممنوعه!

این ادعای پیرهادی که تحقیق و تفحص امر زمان بری است، موضوع قابل انکاری نیست؛ چراکه هر تحقیق و تفحص اولایاز به نیروی متخصص حسابرسی و بررسی اوراق دارد، نائیا ممکن است دستگاه مد نظر همکاری لازم را به تیم تحقیق و تفحص نداشته باشد و این امر منجر به زمان بردن روند تحقیق و تفحص شود. اما در اینجا باید به دو نکته قابل تامل اشاره داشت. اولی اینکه در برخی دستگاه های دولتی و حاکمیتی این نوع نگاه غلط نیز ترویج شده که تحقیق و تفحص از یک دستگاه به معنی مورد اتهام قرار گرفتن آن دستگاه و نگاه بدبینانه ابندی به آن خواهد شد. در همین خصوص مسئولان یکی از دستگاه هایی که در سال جاری مجلس تحقیق و تفحص از آن را کلید زده، در پاسخ به یکی از رسانه ها می گوید: «این سازمان از لحاظ قانونی مکلف به انتشار عمومی عملکرد مالی و اعلام میزان درآمد ها و هزینه های سالیانه روی وبسایت خود نیست و با تحقیق و تفحص نمایندگان مجلس شورای اسلامی از عملکرد مالی خود هم مخالف است، چون مردم فکر می کنند ما دزدیم.»

اما مورد دوم، مولعی است که موجب می شود گزارش تحقیق و تفحص پس از تهیه، در مجلس خاک بخورد. در همین خصوص غلامعلی جعفرزاده، نماینده ادوار مجلس نهم و دهم می گوید در مجلس نهم از یک نهاد گزارش تحقیق و تفحص تهیه شد اما اجازه ندادند آن گزارش پسر از تخلف در مجلس قرائت شود»

جلال محمودزاده، نماینده مجلس یازدهم نیز در گفت وگو با سایت دیدبان ایران درباره علت به نتیجه نرسیدن طرح های تحقیق و تفحص می گوید: «هیچ کدام از نهادهایی که به صورت مستقیم از بودجه دولتی استفاده می کنند، نباید دایره امن داشته باشند. متأسفانه تعدادی از این نهاد برای خودشان در مجلس یک دایره امن درست کرده اند و اجازه نمی دهند از طریق تحقیق و تفحص آنها را زیر نظر قرار دهیم، مشکلات را بررسی کنیم و به اطلاع مردم برسانیم یا از طریق قوه قضائیه پیگیری کنیم.» محمودزاده در ادامه می گوید: «بحث تحقیق و تفحص هم همیشه این نیست که حتما در دستگاه اجرایی یا نهاد مورد نظر تخلف صورت گرفته است، گاهی گزارشات مردمی به دست نمایندگان می رسد که براساس اطلاعات و اسناد موجود، بررسی و تصمیم گیری می کنیم. بنابراین انجام تحقیق و تفحص حتما به معنای وجود تخلف نیست و نتیجه باید اعلام شود. متأسفانه نهادها و ارگان ها از طریق لابی با دولت و مجلس، نظارت را کم رنگ می کنند و اجازه تحقیق و تفحص را نمی دهند.»

قانون چه می گوید؟

براساس ماده ۲۱۱ قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که به موضوع تحقیق و تفحص پرداخته، هرگاه نماینده ای، تحقیق و تفحص در هر یک از امور کشور را لازم بداند تقاضای خود را به صورت کتبی به هیات رئیسه مجلس تسلیم نموده و هیات رئیسه ظرف ۲۸ ساعت آن را به کمیسیون تخصصی ذی ربط جهت رسیدگی ارجاع می سازد.

کمیسیون موظف است حداکثر ظرف دو هفته از تاریخ وصول، اطلاعاتی را که در این زمینه کسب کرده در اختیار متقاضی یا متقاضیان قرار دهد. در صورتی که متقاضی یا متقاضیان، اطلاعات کمیسیون را کافی تشخیص ندهند، کمیسیون موظف است ظرف یک هفته از متقاضی یا متقاضیان و بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی ربط دعوت به عمل آورد و دلایل ضرورت تحقیق و تفحص و نظرات مقام ذکرشده را استماع کند و تا مدت ۱۰ روز گزارش خود را مبنی بر تصویب یا رد تقاضای تحقیق و تفحص به هیات رئیسه مجلس ارائه دهد.

این گزارش خارج از نوبت در دستور هفته بعد مجلس قرار می گیرد و پس از توضیح سخنگوی کمیسیون و صحبت نماینده متقاضی تحقیق و تفحص - هر کدام حداکثر به مدت ۱۰ دقیقه- گزارش کمیسیون بدون بحث به رای گذاشته خواهد شد. در صورت تصویب انجام تحقیق و تفحص، موضوع به همان کمیسیون تخصصی ذی ربط جهت رسیدگی ارجاع می گردد. کمیسیون موظف است در مدت ۲۰ روز اعضای هیات تحقیق و تفحص را که حداقل ۱۱ و حداکثر ۱۵ نفر خواهند بود از بین نمایندگان تعیین و به رئیس مجلس جهت صدور ابلاغ معرفی کند.

این هیات حداکثر در مدت یک ماه پس از پایان مهلت تحقیق و تفحص، گزارش خود را به کمیسیون تسلیم می نماید. کمیسیون موظف است ظرف یک ماه گزارش هیات را در جلسه مشترک اعضای کمیسیون و هیات مطح و گزارش نهایی را جهت قرائت در مجلس برای مدت نیم ساعت تنظیم و پس از تصویب به هیات رئیسه ارسال کند. قبل از رای گیری در رابطه با گزارش نهایی، وزیر یا مقام مسئول از عملکرد خود دفاع خواهد کرد. هیات رئیسه موظف است گزارش کمیسیون را در دستور هفته بعد کاری مجلس قرار دهد تا توسط سخنگوی کمیسیون قرائت گردد.

کمیسیون موظف است ههزمان با ارائه گزارش نهایی به هیات رئیسه، کلیه اسناد، مدارک، پرونده های تحقیق و تفحص و یک نسخه از گزارش نهایی را به کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی جهت اقدام قانونی و نیز حفظ و بایگانی اسناد ارسال کند.

مهلت انجام تحقیق و تفحص شش ماه از تاریخ صدور ابلاغ اعضای هیات توسط رئیس مجلس است و درصورت ضرورت در درخواست هیات و تصویب هیات رئیسه مجلس تا شش ماه دیگر قابل تمدید می باشد.

طبق ماده ۲۱۳ این آیین نامه، پس از تهیه و نهایی شدن گزارش تحقیق و تفحص، نتایج آن در مجلس قرائت شده و در صورتی که در گزارش کمیسیون، تخلف احراز و درخواست تعقیب شود متخلف توسط هیات رئیسه مجلس

حسب مورد به قوه قضائیه یا مراجع رسیدگی به تخلفات اداری معرفی می شود تا خارج از نوبت تقاضای کمیسیون را مورد رسیدگی قرار داده و نتیجه آن را به کمیسیون اعلام کند.

دلایل تحقیق و تفحص های بی سرانجام

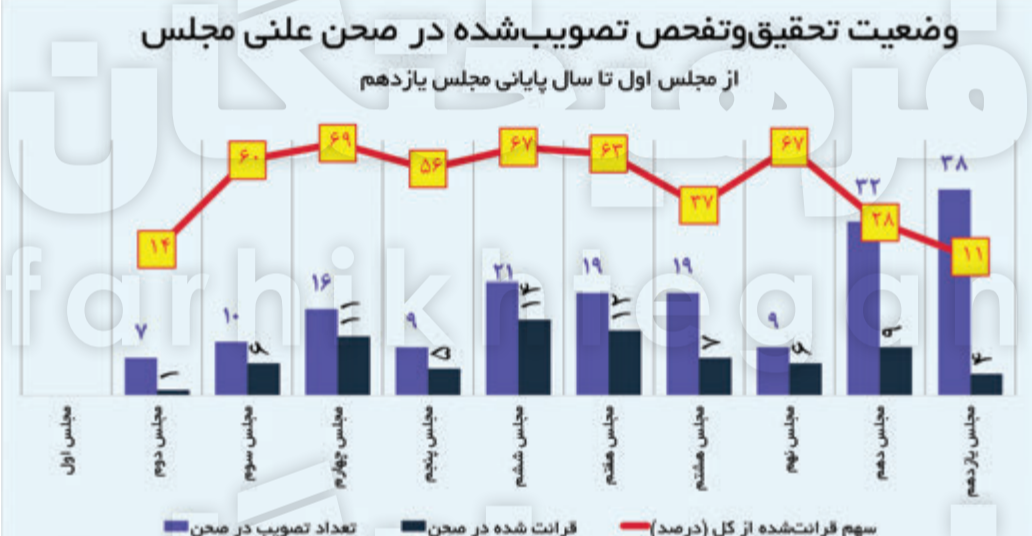
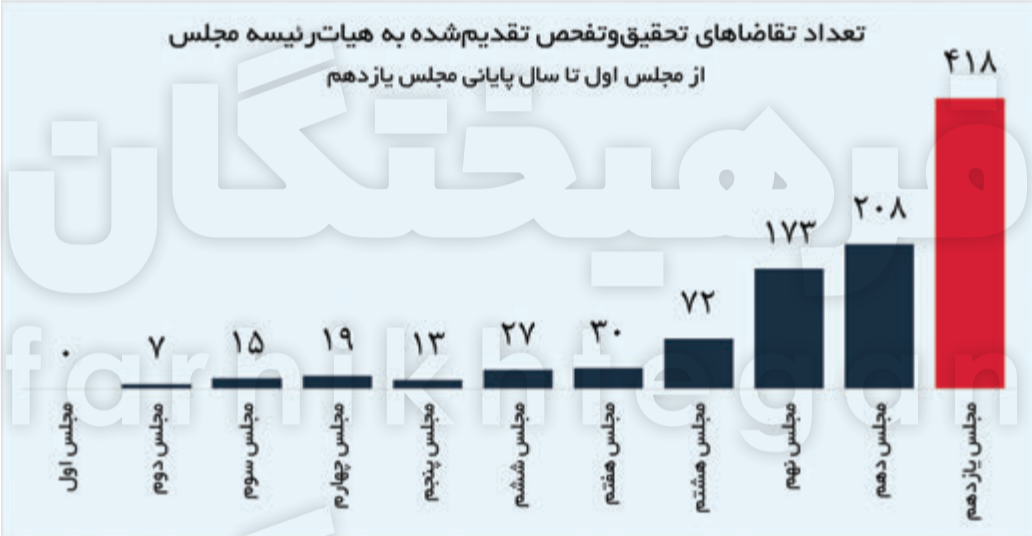
ذکر این نکته لازم است که فرآیند تحقیق و تفحص فرآیندی پیچیده و زمان بر بوده و در بسیاری موارد انجام تحقیق و تفحص ممکن است به دور بعدی مجلس نیز کشیده شود. برای مثال تقاضای تحقیق و تفحص درخصوص عملکرد صندوق بازنشستگی صنعت فولاد کشور در تاریخ ۶ دی ماه ۱۳۹۰ یعنی در مجلس هشتم در صحن مجلس مصوب شده بود ولی آخرین مهلت انجام تحقیق و تفحص برای آن تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۹۱ یعنی در مجلس نهم تعیین شد. به علاوه در بسیاری موارد انجام تحقیق و تفحص در تاریخ تعیین شده به اتمام نمی رسد بنابراین مقایسه دقیق میزان کاربرد این ابزار نظارتی گرچه در دوره های مختلف مجلس اندکی دشوار است، اما

طولانی شدن برخی از تحقیق و تفحص ها مثلاً تحقیق و تفحص هایی که از ابتدای یک مجلس تا انتهای آن به نتیجه نمی رسد (چهارسال)، گویای این واقعیت است که موانع متعدد فراقانونی پیش پای این ابزار نظارتی مجلس وجود دارد که قانونگذار باید برای دفاع از حیثیت و اعتبار خود این موانع را از سر راه بردارد.

برای مثال تحقیق و تفحص از سازمان خصوصی سازی در تاریخ ۶ آبان ۱۳۹۹ به تصویب مجلس رسیده و هنوز خبری از روند بررسی آن منتشر نشده است، تحقیق و تفحص از عملکرد بانک های خصوصی در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۹۹ به تصویب رسیده، تحقیق و تفحص از عملکرد شرکت های زیرمجموعه شرکت سرمایه گذاری آتیه صبا و شرکت کش ملی، و دو گزارش تحقیق و تفحص از مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری و عملکرد وزارت امور خارجه در حفظ اطلاعات محرمانه کشور در اردیبهشت ۱۴۰۰ به تصویب رسیده اما هنوز مجلس گزارشی از روند بررسی خود منتشر نکرده است. در مجموع طی سال های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ از ۲۵ تحقیق و تفحص تصویب شده، تاکنون چهار مورد آن در مجلس قرائت شده و برای مابقی آن هیچ توضیحی ارائه نشده است. لازم به ذکر است که بسیاری از موضوعات تقاضاشده برای انجام تحقیق

و تفحص در یک دوره مجلس شورای اسلامی با موضوعات تقاضاشده در دوره بعدی مشترک است. این وضعیت در همه دوره ها تکرار شده است. کارشناسان می گویند این اشتراک می تواند نشان دهنده این مساله باشد که بسیاری از تحقیق و تفحص ها در مجلس به سرانجام نرسیده و بنابراین در دوره بعد نیز تکرار شده اند. به علاوه ممکن است پیچیدگی روال قانونی و اداری لازم برای انجام تحقیق و تفحص موجب کند شدن فرآیند تحقیق و تفحص شده باشد که در این صورت لازم است اصلاحاتی در آیین نامه داخلی و روال قانونی و اداری این ابزار نظارتی صورت پذیرد.

این مورد موضوعی است که در جلسه علنی روز سه شنبه ۵ بهمن ماه ۱۴۰۰ مجلس شورای اسلامی، در جریان گزارش کمیسیون فرهنگی مبنی بر تصویب تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد شرکت سیاحتی علیصدر همدان، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی به آن اشاره می کند. قالیباف در این جلسه و در پاسخ به تذکر یک نماینده درخصوص به نتیجه نرسیدن تحقیق و تفحص ها می گوید: «گزارشی را از تحقیق و تفحص های صورت گرفته در دوره های قبل بررسی کردیم و متوجه شدیم اثری که باید داشته باشد، نداشته است.»



وضعیت تحقیق و تفحص های تصویب شده در صحن علنی مجلس در دوره مجلس یازدهم

| ردیف | عنوان | تاریخ تصویب در صحن علنی | نتیجه نهایی |
|------|--|-------------------------|-----------------------------|
| ۱ | تقاضای تحقیق و تفحص از نحوه واگذاری انبیهای شهید شاهروی شهر گلستان شهرستان بهارستان | ۱۳۹۹/۰۸/۰۶ | نامشخص |
| ۲ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد سازمان منطقه تجاری و صنعتی اروند | ۱۳۹۹/۰۸/۰۶ | قرائت اتمام گزارش |
| ۳ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد منطقه آزاد قشم | ۱۳۹۹/۰۸/۰۷ | قرائت و ارجاع به قوه قضائیه |
| ۴ | تقاضای تحقیق و تفحص از نحوه واگذاری هلدینگ پتروشیمی باختر به بخش خصوصی | ۱۳۹۹/۰۸/۰۷ | اتمام گزارش نامشخص |
| ۵ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد شرکت های خودروسازی در خصوص کیفیت و قیمت خودرو | ۱۳۹۹/۱۰/۰۲ | قرائت - اتمام گزارش |
| ۶ | تقاضای تحقیق و تفحص از شرکت فولاد مبارکه اصفهان | ۱۳۹۹/۱۰/۲۲ | قرائت و ارجاع به قوه قضائیه |
| ۷ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد شرکت دخانیات ایران | ۱۳۹۹/۱۱/۱۹ | اتمام گزارش نامشخص |
| ۸ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد بانک های خصوصی | ۱۳۹۹/۱۱/۱۹ | نامشخص |
| ۹ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد شرکت های زیر مجموعه شرکت سرمایه گذاری آتیه صبا و شرکت کش ملی | ۱۴۰۰/۰۲/۲۱ | نامشخص |
| ۱۰ | تقاضای تحقیق و تفحص از مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه | ۱۴۰۰/۰۲/۲۱ | نامشخص |
| ۱۱ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد استاندارد کرمانشاه | ۱۴۰۰/۰۲/۲۹ | نامشخص |
| ۱۲ | تقاضای تحقیق و تفحص از نحوه واگذاری پتروشیمی الوند | ۱۴۰۰/۰۴/۰۶ | نامشخص |
| ۱۳ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد سازمان ملی استاندارد ایران | ۱۴۰۰/۰۴/۰۸ | نامشخص |
| ۱۴ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد سازمان سنجش آموزش کشور از سال ۱۳۹۲ تا پایان شهریورماه ۱۳۹۹ | ۱۴۰۰/۰۴/۲۸ | قرائت فقط در کمیسیون آموزش |
| ۱۵ | تقاضای تحقیق و تفحص از پرداخت حقوق های نامتعارف در دستگاه های اجرایی | ۱۴۰۰/۰۵/۱۹ | وعده قرائت در مجلس |
| ۱۶ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد شرکت های آب و فاضلاب استان خوزستان از سال ۱۳۹۲ تا پایان شهریورماه ۱۳۹۹ | ۱۴۰۰/۰۵/۲۱ | نامشخص |
| ۱۷ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد سازمان بنادر و دریانوردی | ۱۴۰۰/۰۶/۲۸ | نامشخص |
| ۱۸ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد دولت درباره آرز ۲۲۰۰ تومانی منابع و مصارف | ۱۴۰۰/۰۸/۲۱ | نامشخص |
| ۱۹ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد سازمان پروس و اوراق بهادار | ۱۴۰۰/۰۸/۲۱ | قرائت و اتمام گزارش |
| ۲۰ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد بانک های بانکی و بانک های واگذار شده در اجرای اصل ۴۲ قانون اساسی | ۱۴۰۰/۰۸/۲۸ | نامشخص |
| ۲۱ | تقاضای تحقیق و تفحص از نحوه اجرای طرح ۴۶ هزار هکتاری آبیاری دشت سیستان | ۱۴۰۰/۰۹/۲۳ | نامشخص |
| ۲۲ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد وزارت نفت | ۱۴۰۰/۱۰/۰۴ | نامشخص |
| ۲۳ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور | ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ | نامشخص |
| ۲۴ | تقاضای تحقیق و تفحص از نهاد ریاست جمهوری در دولت های یازدهم و دوازدهم | ۱۴۰۰/۱۰/۲۱ | نامشخص |
| ۲۵ | تقاضای تحقیق و تفحص از درآمد ها، هزینه کرد و نحوه مدیریت شرکت سیاحتی علیصدر همدان | ۱۴۰۰/۱۱/۰۵ | اتمام گزارش نامشخص |
| ۲۶ | تقاضای تحقیق و تفحص از شرکت ملی بلاش و بخش فرآورده های نفتی ایران در دولت های یازدهم و دوازدهم | ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ | نامشخص |
| ۲۷ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد شهرداری آبادان و اروندکنار از سال ۱۳۸۵ تاکنون | ۱۴۰۰/۱۱/۳۰ | نامشخص |
| ۲۸ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در ۱۰ سال اخیر | ۱۴۰۰/۱۰/۳۰ | نامشخص |
| ۲۹ | تقاضای تحقیق و تفحص از نحوه عملکرد وزارت نیرو درخصوص توسعه ظرفیت نیروگاهی دولت های یازدهم و دوازدهم | ۱۴۰۱/۰۲/۲۳ | نامشخص |
| ۳۰ | تقاضای تحقیق و تفحص از نحوه اجرای قانون تسهیلات کشوری | ۱۴۰۱/۰۲/۲۳ | نامشخص |
| ۳۱ | تقاضای تحقیق و تفحص از شرکت سستا | ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ | نامشخص |
| ۳۲ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد سازمان تامین اجتماعی در حوزه انحصارات و نحوه مدیریت شرکت های وابسته | ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ | اتمام گزارش نامشخص |
| ۳۳ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد وزارت نیرو در انتقال آب بین حوضه ای | ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ | قرائت و ارسال به قوه قضائیه |
| ۳۴ | تقاضای تحقیق و تفحص از نحوه عملکرد مدیریت امور ماهیان خاویاری | ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ | نامشخص |
| ۳۵ | تقاضای تحقیق و تفحص از وزارت ورزش و جوانان در مورد عملکرد فدراسیون سوارکاری | ۱۴۰۱/۰۲/۲۱ | وعده قرائت در مجلس |
| ۳۶ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد ستاد احیای دریاچه ارومیه | ۱۴۰۱/۰۲/۲۱ | در حال انجام |
| ۳۷ | تقاضای تحقیق و تفحص از شرکت های امیدرو و ایدرو | ۱۴۰۱/۰۵/۰۴ | نامشخص |
| ۳۸ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد سازمان حفظ نباتات | ۱۴۰۱/۰۵/۰۴ | نامشخص |
| ۳۹ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی | ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ | اتمام گزارش نامشخص |
| ۴۰ | تقاضای تحقیق و تفحص از بازرسی کل استان خراسان رضوی | ۱۴۰۱/۰۸/۱۷ | نامشخص |
| ۴۱ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی ایران | ۱۴۰۱/۰۸/۲۴ | نامشخص |
| ۴۲ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد کانون وکلای دادگستری | ۱۴۰۲/۰۲/۰۷ | در حال انجام |
| ۴۳ | تقاضای تحقیق و تفحص از درآمد ها، نحوه هزینه کرد و موقوفات رهاننده سازمان اوقاف و امور خیریه | ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ | در حال انجام |
| ۴۴ | تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد شرکت های پتروشیمی دولتی در فروش و صادرات محصولات | ۱۴۰۲/۰۵/۲۴ | در حال انجام |

مستور از نامشخص. عدم اطلاع رسانی یا قرائت در صحن است

فرهنگیستان

شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲
شماره ۳۹۹۸
WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY



- مدیرمسئول:
محمد امین ایمانجانی
- سردبیر:
مسعود فروغی
- تلفن و فکس:
۰۲۱ ۶۲۹۹۹۴۹۵
- کد پستی:
۱۱۳۵۳۳۲۸۱۶
- چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
- نشانی:
خیابان حافظ، پایین تر از جمهوری
روبه روی ساختمان بورس
ساخته مان فرهیختگان، طبقه سوم